تعمیر و توسعه مسجد شریف نبوی

(در طول تاریخ)

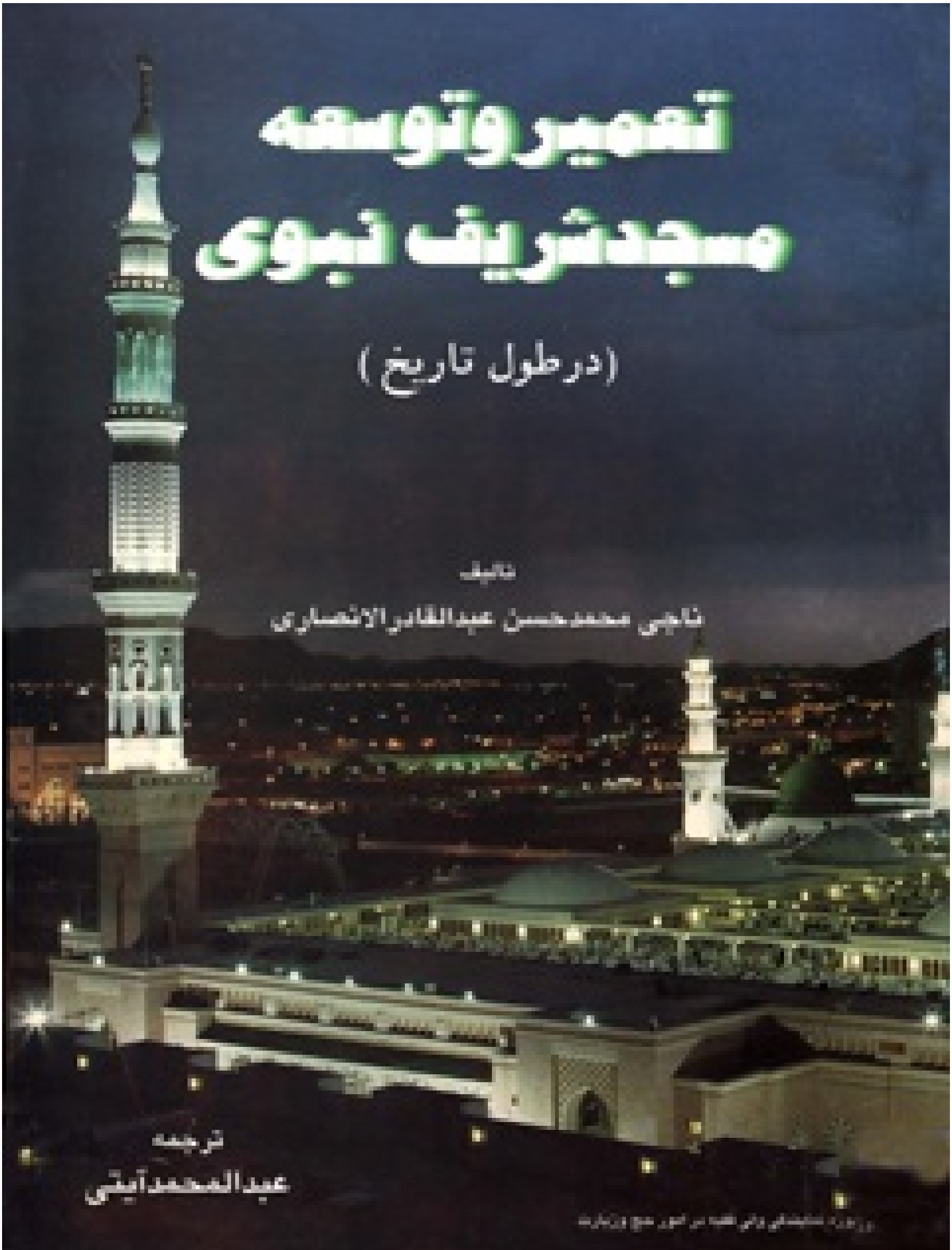
تألیف

ناجی محمد حسن عبدالقادر الانصاری

ترجمه

عبدالمحمد آیتی

ویژه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت



بسم الله الرحمن الرحیم

مسجد شریف نبوی صلی الله علیه و آله در طول تاریخ

نویسنده:

محمدحسن عبدالقادرانصاری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مسجد شریف نبوی صلی الله علیه و آله در طول تاریخ

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاری، ناجی محمدحسن عبدالقادر، ۱۹۴۳-

عنوان و نام پدیدآور : مسجد شریف نبوی در طول تاریخ/ تالیف ناجی محمدحسن عبدالقادر الانصاری؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی؛ تلخیص رضا مختاری.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری : ۲۱۵ ص.:مصور، جدول.

شابک : ۶۵۰۰ریال:۹۶۴۶۲۹۳۷۳۵

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۰.

موضوع : مسجدالنبی، مدینه -- تاریخ.

موضوع : مدینه -- تاریخ.

شناسه افزوده : آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۰۵ - ، مترجم

شناسه افزوده : مختاری، رضا، ۱۳۴۲-

رده بندی کنگره : DS۲۴۸/م۴الف۸ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۹۵۳/۸

شماره کتابشناسی ملی : م۷۹-۲۷۱۰

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

پیش‌گفتار

درباره مدینه منوّره و مسجد شریف نبوی و تغییرات آن در طول تاریخ، آثار متعدّدی نگاشته شده؛ از جمله «عمارة وتوسعة المسجد الشریف النبوی عبر التاریخ» از ناجی بن محمّد حسن عبدالقادر الانصاری. این کتاب نخست‌بار به همّت انجمن ادبی مدینه منوّره به سال ۱۴۱۶ ق در مدینه، با ویرایش و مقدّمه عطیّه محمّد سالم در ۲۸۴ صفحه وزیری چاپ شده است. بخش مهمّی از این کتاب به توسعه مسجد شریف نبوی در عهد دولت سعودی اختصاص دارد، امّا از نابود شدن بخشی از آثار مهمّ تاریخی مدینه منوّره بر اثر توسعه مسجدْ سخنی به میان نیامده است. همچنین درباره بقیع- با همه اهمّیت آن- سخنی در آن نیست.

مؤلّف به سال ۱۳۶۳ ق در مدینه به دنیا آمده و آثار

ص: ۶

چاپ شده و چاپ نشده‌ای دارد. وی این اثر را در ۱۷ جمادی‌الاولی ۱۴۱۵ در مدینه به پایان برده است. بنابر این از جدیدترین و کاملترین آثار در این زمینه محسوب می‌شود.

این کتاب دارای شش فصل و یک مقدّمه و خاتمه است، همراه با فهرست مآخذ و فهرستی از جدولها و عکسها، و مزیّن به تصویرهایی زیبا از مدینه منوّره و مسجد شریف نبوی. همچنین زندگی‌نامه کوتاه مؤلّف نیز در پایان آن درج شده است.

با توجّه به اهمّیت موضوع و کتاب، مترجم توانا استاد عبدالمحمّد آیتی (حفظه اللّه) این اثر را- بجز حدود یک سوم آن که برای خواننده فارسی زبان لازم نبوده- به فارسی ترجمه و فاضل محترم جناب مستطاب آقای علی‌ورسه‌ای آن را ویرایش کرده‌اند که با عنوان «تعمیر و توسعه مسجد شریف نبوی در طول تاریخ» منتشر شده است.

(تهران، نشر مشعر، وابسته به حوزه نمایندگی ولیّ فقیه در امور حج و زیارت، چاپ اوّل، ۱۳۷۸)

از آنجا که در این ترجمه مطالبی ویژه اهل فن و متخصّصان هست، و عموم زائرانِ حرم شریف نبوی را به کار نمی‌آید،

ص: ۷

به منظور عامتر شدن فایده آن و استفاده بیشتر فارسی زبانان، معاون آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظّم رهبری از این ناچیز خواستند تا آن را خلاصه، و پاره‌ای از مباحث غیر ضرور را حذف کنم. بحمداللّه این بنده نیز آن را به صورتی که مشاهده می‌شود تلخیص کردم. در این تلخیص بیش از یک سوم مطالب ترجمه حذف شد. بنابراین مشتمل بر حدود نیمی از مطالب اصلِ متن عربی است. از جمله مطالب محذوف، عمده مآخذِ مطالب در پاورقی‌ها و فهرست مآخذ است که عموم خوانندگان فارسی زبان را از آنها حظی نیست. خواستاران آگاهی از آنها می‌توانند به اصل عربی یا ترجمه فارسی مراجعه کنند.

همچنین گذشته از تلخیص، پاره‌ای از مطالب ترجمه ویرایش شد و هر جا ابهام یا احتمال خطا در ترجمه وجود داشت به متن عربی مراجعه و مواردی از ترجمه اصلاح شد. همچنین در روانی و گویایی مطالب سعی بسیار شد.

امید است این عمل ناچیز مورد قبول حضرت خاتم‌الانبیاء صلی الله علیه و آله واقع شود.

بسیار شایسته است که صاحب همّتی با تتبع و تفحّص کامل و نظمی دقیق اثری مشابه این اثر سودمند در

ص: ۸

سرگذشت و سرنوشت قبرستان بقیع پدید آورد و بسیاری از ابهامها را در این زمینه بزداید.

از خدای سبحان مسألت می‌کنم که همه شیعیان را از فیض زیارت مرقد منوّر نبوی و قبر مطهّر فرزندانش در بقیع بهره‌مند فرماید.

رضا مختاری

شعبان المعظّم ۱۴۲۰ ه‍- آذرماه ۱۳۷۸

قم مقدّس

ص: ۹

مقدمه مؤلّف

مقدمه مؤلّف

سپاس و ستایش خداوندی را که در قرآن خود، مسجد را یاد کرد و درود و سلام آن کس را که به دستان خود مسجد و مقام خویش را بنا نمود و بر خاندان او که رهروان بهترین و درست‌ترین راه‌ها هستند.

و بعد: پس از آنکه رسول خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به مدینه منوره نزول اجلال فرمود، نخستین کار او، بنای مسجد بود، که آنجا را مکان عبادت و مرکز فرمانروایی و ضیافتگاه و محکمه داوری و مجلس رأی زدن و مقرّ راهنمایی و محلّ محبت و الفت میان مسلمانان قرار داد.

مسجد دارالعلمی بود که اصحاب در آنجا اصول راستینی را، که دین حنیف اسلام بر روی آن استوار شده بود، می‌آموختند و چون آن اصول را فرا می‌گرفتند، بیرون می‌آمدند تا مردم را از ظلمات گمراهی و کوردلی و جهالت نابخردانه برهانند و به عرصه روشن هدایت

ص: ۱۰

خداوندی و شریعت تابناک اسلامی بیرون آرند. برخی از آنان سرداران میدان نبرد شدند و برخی فقیه و محدّث و گروهی عالم و مورّخ.

از مسجد شریف نبوی، نورِ یقین درخشیدن گرفت و نـدای حق طنین‌انـداز شـد و هدایت گسترش یافت و پرده‌های کفر و شـرک بردرید و ابرهای ضلالت پراکنده شد تا زمین منوّر به انوار الهیِ دادگری گردید.

از مسجد شریف نبوی، داعیان و مبلغان اسلام مشعل‌های علم و رسالت و صلح را به اکناف معموره زمین بردند تا عالم را از لوث ظلمتِ جهل و کفر وطغیان بزدایند ونور علم و تمدن و عدالت و ایمان را بگسترانند.

مسجد شریفِ نبوی، آنجا که محمد مصطفی صلی الله علیه و آله از همان روز نخست اساس آن بر بنیان تقوا نهاد و به دست مبارک خویش بنایش نمود و اصحاب بزرگوارش- رضوان اللَّه علیهم- دامن جهد بر کمر زده در این مهم یاری‌اش کردند.

مسجد شریفِ نبوی، جایی که اجر عبادت در آنجا مضاعف است و یک نماز در آنجا از هزار نماز در مساجد دیگر، جز مسجدالحرام، بهتر و برتر است.

مسجد شریف نبوی، جایی که دلها در هوای آن

ص: ۱۱

می‌تپند و از سراسر عالم به سوی آن بار سفر برمی‌بندند؛ تا از آن همه اجر و ثواب بهره جویند و در سایه امنش بیارمند و در روضه و مقام آن نماز بگزارند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش درود بفرستند.

به جان، مشتاقِ آن شدم که درباره مسجد شریف نبوی در مدینه منوره چیزی بنویسم. در باره مسجدی که مکان آن را نه هیچ انسانی، که خدای- عزّوجلّ- برگزیده است. و اصحاب کبار با مصطفی صلی الله علیه و آله در بنای آن مشارکت کرده‌اند و رسول اللَّه صلی الله علیه و آله خود با مهاجران و انصار خشت و سنگ کشیده‌اند و برای ترغیب آنان به کار و تحریض همّتشان رجزهای غرور آفرین خوانده‌اند تا امروز خواننده گرامی، آن منظره جلیل و جمیل را به عیان بنگرد و رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله را ببیند که چه‌سان خشت و سنگ حمل می‌کرده و با دستان شریف خود آن مکان طیب و طاهر را بنا می‌نموده است. و نیز دریابد که پیشینیان چگونه به راه او رفته‌اند و به سنت او اقتدا کرده‌اند و این امر تا زمان ما همچنان بر دوام است.

به جان، مشتاق آن شدم که در باره مسجد شریف نبوی چیزی بنویسم؛ در باره مسجدی که به مثابه قلب مدینه منوره است و محور سازمان عمرانی آن. از اوان کودکی

ص: ۱۲

همواره درمیان رواق‌هایش گشته‌ام و بر ستونهایش گذشته‌ام و در صحن و زیر مناره‌هایش نشسته‌ام و به تلاوت قرآن و استماع حدیث گوش جان سپرده‌ام، چندان که بر دل من اثری ژرف می‌نهاد و عطر آن مکانِ بهجت اثر در اعماق جانم می‌نشست.

به جان، مشتاق آن شدم که در باره مسجد شریف نبوی چیزی بنویسم، به یاد روزگاری که آنجا تنها مکان روشن مدینه منوره بود، در آنجا در زیر گنبدها و چلچراغ‌هایش درس‌هایمان را می‌آموختیم و بر آستان آن تربیتی روحانی می‌یافتیم و دل و جان را نیرو می‌بخشیدیم و این حظّ روحانی، همانند چشمه‌ای جوشان و جاودان و زندگی بخش در وجود ما ساری و جاری می‌شد.

به جان، مشتاق آن شدم که درباره مسجد شریف نبوی چیزی بنویسم و این اندیشه را از پیش در خود پرورانده بودم. از یک دهه پیش، هنگامی که در باره آموزش و پرورش در مدینه منوره، از سده اول هجری تا سال ۱۴۱۲ تحقیق می‌کردم، به گرد آوری منابع وثبت یادداشت‌هایی پرداختم و بربسیاری ازمعلومات در کتاب‌هاو منابع اساسی از قدیم و جدید دست یافتم. پس از چاپ کتاب «آموزش و پرورشِ» خود، دیدم که دیگر

ص: ۱۳

جای درنگ و انتظار نیست، با یاری خواستن از خـدای- عزّوجلّ- قدم در راه اقدام نهادم و بار دیگر بر منابعی که بعداً به کتاب در افزودم، دست یازیـدم و روشـی علمی و مستند و اصـولی در پیش گرفتـم و کتـاب را بـا نقشه‌هـا و نمودارهـا و تصـاویری دیریـاب بیاراستم؛ به شیوه‌ای که خواننده گرامی بر موارد توسعه و ترمیم و اصلاح مسجد شریف نبوی بر طبق سال‌ها و دوره‌های تاریخی، آگاه گردد. این‌ها بود مهم‌ترین انگیزه‌های من در انتخاب این موضوع.

اینک کتاب شامل شش «فصل» است و یک «خاتمه» و یک «فهرست کلّی» در مطالب کتاب و «صورتی از همه مراجع و منابع».

خوشحالم که به همه کسانی که- بعد از خداوند عزّوجلّ- مرا در این مهم یاری کرده‌اند؛ از استادان و همگنان و خانواده و فرزندان و دوستان عزیز سپاس خود را تقدیم دارم.

از خـدای بزرگ امیـد دارم که در این تحقیق موفق شـده باشم تا آنچه کرده‌ام مقـدمه تحقیقات دیگرم در همین موضوع شود، و هر نقص و قصوری که در این کتاب مرتکب شده‌ام، صورت کمال یابد. البته مدعی کمال نیستم

ص: ۱۴

که کمال مطلق ویژه ذات باری تعالی است. من کوشش فراوانی به کار داشته‌ام و اگر توفیقی یافته‌ام، به فضل و حسن توفیق خداوندی بوده است و اگر نه مرا همین بس که روزگاری را بر آستان مسجد شریف نبوی و میان ستون‌ها و روضه‌اش و منبرش و محراب‌هایش و گنبدهایش و مناره‌هایش گشته‌ام و در چگونگی توسعه و تعمیر آن، در طول تاریخ سیر کرده‌ام.

باز از خداوند متعال می‌خواهم رنج مرا، که از روی اخلاص صورت گرفته است، بپذیرد.

ناجی محمد حسن عبدالقادر الانصاری

مدینه منوره، ۱۷ جمادی‌الأولی، سال ۱۴۱۵ ه.

ص: ۱۵

فصل اول: نیروها و عوامل مؤثّر در بنای مسجد شریف نبوی

اشاره

ص: ۱۶

ص: ۱۷

اوّل: ویژگی‌های مکان و موضع مدینه منوره

مدینه منوّره را ویژگی‌هایی است که آن را از دیگر شهرهای عالم متمایز می‌سازد. مکان آن در نوع خود یکتاست و هجرتگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله، مدینه منوره در اقلیم حجاز واقع شده؛ در منطقه غربی از مملکت عربستان سعودیِ امروز، و تقریباً در ۱۵۰ کیلومتری خاور دریای سرخ، در ارتفاع ۶۰۰ متر از سطح دریا، از مکه مکرمه ۴۲۰ کیلومتر فاصله دارد و از ریاض پایتخت عربستان ۹۹۰ کیلومتر و از ینبع در ساحل دریا ۲۴۰ کیلومتر.

از حیث مکانْ مدینه واحه‌ای است پر نعمت و آبادان، کوه‌های بزرگ و کوچک، گاه در سلسله‌های همانند و پیوسته و گاه جدا از یکدیگر آن را در میان گرفته‌اند. کسی که به مدینه منوره می‌آید، از مسافت ۱۵۰ کیلومتری، از همه راه‌های برّی آن را از دور تواند دید و به سبب مساعد بودن

ص: ۱۸

خاک و وجود آب، مزارعی در اطراف آن گسترده است.

مدینه محصور است میان دو لابه زمین سنگلاخ آتش‌فشانی، از دو جانب مشرق و مغرب. این دو حدود حرم مدینه‌اند از مشرق و مغرب آن؛ همان گونه که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله حدود آن را معین کره است.

دیگر از ویژگی‌های مدینه این است که محصور است میان دو کوه؛ از شمال و جنوب. این دو کوه حد شمالی و جنوبی مدینه‌اند. در شمال کوه ثَور است و در جنوب کوه عَیر. این حدی است که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله معین کرده است. کوه ثور همانند گاوی است خفته، در شمال احد. و کوه عیر در نزدیکی ذوالحُلَیفه است.

هوای مدینه منوره در تابستان گرم و خشک است و در زمستان سخت سرد.

چاه‌ها یکی از آبشخورهای اصلی است که به مدینه آب می‌رسانند. در دوره حکومت سعودی‌ها، چشمه‌ها و چاه‌ها پُر شده است؛ زیرا دولت آب آشامیدنی شهر را به فراوانی تهیه می‌کند و آب شیرین شده از دریا به شهر کشیده شده است.

از دیگر خصوصیات مدینه، حاصلخیز بودن زمین و فراوانی آب و اشتهار وسیع آن در امر کشاورزی است،

ص: ۱۹

به‌ویژه به داشتن انواع متعدد نخل و خوبی محصول مشهور است. در مدینه صدر اسلام، صنایع دستی و نیز حرفه‌هایی که با محصولات کشاورزی ارتباط داشتند معمول بود.

جنبه‌هایی ازمشخصات‌تاریخی مدینه منوره

دوم: جنبه‌هایی ازمشخصات‌تاریخی مدینه منوره

اشاره

تاریخ مدینه منوره به پیش از میلاد مسیح علیه السلام می‌پیوندد.

پیش از هجرت رسول گرامی صلی الله علیه و آله آنجا را «یثرب» می گفتند.

یثرب نام منطقه‌ای است از شمال غربی مدینه تا غرب مرقد حمزه سیدالشهدا.

۱- مدینه منوره در عصر جاهلی

ساکنان مدینه در این برهه از زمان، از نژادهای مختلف و دارای عقاید گوناگون بودند، چون در آن زمان‌ها حکومت نیرومند واحد وجود نداشت که همه افراد آن جامعه را تحت سلطه خویش در آورد، قوّت و قهر از آنِ جماعتی بود که قوی‌تر می‌بود. بنابراین باید گفت که جامعه مدینه در آن عصر یک جامعه قبیله‌ای بوده است.

ص: ۲۰

۲- مدینه‌منوره در عهدرسول‌اللّٰه صلی الله علیه و آله وخلفا (۱- ۴۰ ق.)

با هجرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در روز دوشنبه ۱۲ ربیع الأول سال اول هجری مدینه مرکزیتی ارجمند و عالی یافت و نخستین عاصمه یا مرکز اسلام گردید. آمدن رسول‌خدا صلی الله علیه و آله موجب صلح میان دو قبیله اوس و خزرج گردید و میان مهاجران و انصار پیمان برادری بسته شد و همه تلاش‌های فتنه انگیزانه یهود باد هوا شد. مسجد شریف نبوی دو بار ساخته شد؛ یک بار هنگامی که به مدینه تشریف آورد و بار دیگر هنگامی که از غزوه خندق باز گردید. پیامبر صلی الله علیه و آله در اطراف مسجد به ساختن خانه‌ها فرمان داد، و خانه‌های مهاجران و انصار در اطراف مسجد بنا شد. عمر نیز مسجد شریف نبوی را توسعه داد. همچنین عثمان به توسعه مسجد اقدام کرد تا آنگاه که دارالخلافه اسلامی در عهد علی بن ابی‌طالب علیه السلام از مدینه به کوفه انتقال یافت.

۳- مدینه منوره درعهد امویان و عباسیان (۴۰- ۶۵۶ ق.)

با آنکه در عصر اموی مرکز حکومت اسلامی از کوفه به دمشق منتقل شد. مسجد نبوی همچنان توسعه می‌یافت، از جمله در عهد ولیدبن عبدالملك و به دست عامل او بر

ص: ۲۱

مدینه، عمر بن عبدالعزیز. همچنین در عهد، مهدی عباسی چند بار مسجد ترمیم شد و در آن اصلاحاتی صورت گرفت. تا سال ۶۵۴ ق. که در آنجا آتش افتاد؛ از جمله سقف چوبی آن بکلی سوخت و منبر نابود شد و درها و خزائن و پنجره‌ها طعمه حریق گردید.

۴- مدینه منوّره در عهد ممالیک بحری (۶۵۶- ۷۸۴ ق.)

با استیلای مغول بر بغداد، در سال ۶۵۶ ق. دولت عباسی منقرض شد و مدینه زیر نظر و مسؤولیت ممالیک بحری مصر در آمد. سلاطین بحری، مسجد مدینه منوره را مورد توجه و اهتمام قرار دادند. تعمیرات و اصلاحات در آن ادامه یافت و برای مسجد چند بار منبر فرستادند.

آخرین اصلاح در عهد سلطان شعبان (۷۵۴- ۷۷۸ ق) بود.

وی برای مسجد شریف نبوی گنبدی ساخت.

۵- مدینه منوره در عهد ممالیک چرکسی (۷۸۴- ۹۲۳ ق.)

از آغاز حکومت ممالیک چرکسی، اهتمام به مدینه منوره، همچنان استمرار داشت. به‌ویژه اهتمام به مسجد شریف نبوی و عمارت و ترمیم و تعمیر آن سرلوحه اقدامات آنان بود. در عهد قایتبای اصلاحات مهمی در آن

ص: ۲۲

صورت گرفت، که عمارت و ترمیم‌های او بر کوششی که وی در توسعه مسجد شریف نبوی به کار برده است گواهی می‌دهد. تا سال ۸۸۶ ه. که صاعقه‌ای بر مئذنه جنوب شرقی فرود آمد و بار دیگر آتش در مسجد شریف افتاد.

سلطان قایتبای فرمان داد، آن را تعمیر کنند. از مصر مصالح و معمار و کارگر فرستاد و اموالی بدان اختصاص داد.

۶- مدینه منوره در عصر دولت ترکان عثمانی (۹۲۳- ۱۳۴۴ ق.)

از آغاز استیلای عثمانیان بر مصر و برافتادن حکومت

ص ۲۴

مدینه منوّره در سال ۱۳۲۵ ق. که پیرامونش دیوار کشیده‌شده

ص: ۲۳

ممالیک در سال ۹۲۳ ق حجاز تحت سلطه آنان در آمد.

عثمانیان نیز به حرمین شریفین توجه خاص مبذول می‌داشتند و در مسجد شریف نبوی اصلاحات و تعمیراتی انجام دادند. از جمله آنکه در عهد سلطان عبدالمجید بیشترین و بزرگترین تعمیرات در مسجد صورت گرفت. او مسجد را از نو بنا کرد. این کار ۱۲ سال: از ۱۲۶۵ تا ۱۲۷۷ ق مدت گرفت.

اسلام انصار

سوم: اسلام انصار

چون خدای- عزّوجلّ- خواست دین خود را آشکارکند و پیامبرش صلی الله علیه و آله را پیروزی و عزت دهد و وعده‌ای را که به او داده بود بر آورد، رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله به هنگام حج با جمعی از انصار دیدار کرد و دین خود را بر قبایل عرب عرضه کرد. وی هر سال در موسم حج چنین می‌کرد.

یک بار که در عقبه ایستاده بود، گروهی از انصار، که خدا بر ایشان اراده خیر کرده بود، نزد او آمدند. اینان شش تن بودند.

ص: ۲۴

پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به اسلام فرا خواند. یکی از آنان گفت:

بدانیـد که او همان پیامبر است که یهود شـما را به ظهور او تهدید می‌کنند. مبادا که ایشان در ایمان آوردن به او از ما پیشـی گیرند. پس آنان رسول‌اللّه صـلی الله علیه و آله را تصـدیق کردنـد و اسـلام را، که به آنان عرضه شده بود، پذیرفتند و گفتند ما قوم خود را در حالی ترک کردیم که دشمنی و شرّ، آن گونه که در میان آن‌هاست، در میان هیچ قومی نیست، باشد که خدا به وسیله تو ما را با هم متحد کند. اینک ما به نزد آن‌ها باز می‌گردیم و به سوی تو دعوتشان می‌کنیم و دینی را که به ما عرضه داشته‌ای و ما پذیرفته‌ایم به آنان عرضه خواهیم کرد. اگر ایشان اسـلام آورند، هیچ کس از تو پیروزمندتر نخواهد بود! سپس از نزد رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله به محلهای خود باز گشـتند، در حالی که خود ایمان آورده و تصـدیق نبوت کرده بودنـد. چون به مدینه، نزد قوم خود رفتند، در بـاره پیـامبر صـلی الله علیه و آله بـا آنها سـخن گفتنـد و آنها را به اسـلام فرا خواندنـد. تا اسـلام در میان‌شان رواج یافت. از آن پس خانه‌ای از خانه‌های انصار نبود مگر آن که در آنجا سخن از رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله بود.

چون خدای تعالی اراده کرده بود که از مردم مدینه

ص: ۲۵

برای پیامبر صلی الله علیه و آله پشتیبان و برای دینش یاوری قرار دهد، آن قوم را برگزید. اینان بذر آن شجره طیّبه‌ای بودند که ریشه در زمین ثابت دارد و شاخه در آسمان. پس از این واقعه در موسم حجّ سال دوازدهم بعثت، دوازده تن دیگر نزد پیامبر آمدند. از این جمع، پنج تن از همان شش تن بودند که در سال پیش به او پیوسته بودند. اینان رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله را دیدار کردند، به او دست بیعت دادند، و این بیعت عقبه نخستین بود.

و در سال بعد یعنی سالی که پس از عقبه نخستین بود، سال سیزدهم بعثت هفتاد و سه مرد و دو زن از مدینه به قصد حج بیرون آمدند و رهسپار مکه شدند. اینان با پیامبر صلی الله علیه و آله در منا، به گونه‌ای که قریش آن ها را نبینند، دیدار کردند و در حضور عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام دست بیعت دادند. این بیعت را «عقبه دوم» نامیده‌اند. در این بیعت تعهد کردند که به مال و جان از او دفاع کنند و دعوتش کردند که به یثرب هجرت کند تا در حمایت آنان باشد. چون کار بیعت به پایان رسید، آن قوم به مدینه بازگردیدند و منتظر ورود رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله شدند.

ص: ۲۶

چهارم: فضیلت مدینه منوره

در فضیلت مدینه منوره و علوّ مکان و رفعت منزلت آن، فراوان نوشته‌اند. مدینه حرم رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله و سرای هجرت اوست. مرقدش در آنجاست و ساکنان آن همسایگان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و هر که از مؤمنان در آن سر زمین بمیرد، مستوجب شفاعتش گردد.

همان‌گونه که مکه حرم ابراهیم است، مدینه حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ابراهیم مکه را حرم قرار داد و برای مردم آن دعا کرد و من مدینه را حرم قرار دادم، همان‌گونه که ابراهیم مکه را حرم قرار داد. من دعا کردم که خداوند در صاع آن و مدّ آن برکت دهد، همان گونه که ابراهیم برای مردم مکه دعا کرد» در فضیلت مدینه همان بس که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را دوست می‌داشت و در حقّ آن دعا کرد و فرمود:

اگر بدانند مدینه برای آنها بهتر است، هیچ کس از روی بی‌میلی آن را ترک نمی‌گوید مگر آنکه خدا بهتر از او را به جای او به مدینه دهد. و کسی بر تنگی

ص: ۲۷

معیشت و سختی‌های آن شکیبایی نمی‌ورزد مگر آنکه در روز قیامت او را شفاعت می کنم.

خلاـصه آن کـه: مـدینه منـوره محبـوب‌ترین سـرزمین‌ها در نزد خداونـد سـبحان است؛ آنجـا سـرای ایمـان است. بر دروازه‌هـای آن نگهبانانی است از فرشتگان. دجّال و طاعون را در آنجا راه نباشد و پس از ویرانی همه دنیا ویران می‌شود. مدینه مرقد و مزار برترین خلق خـدا محمد مصـطفی صـلی الله علیه و آله است و مهبط وحی اوست. در آنجا جایی نیست مگر اینکه جایگاه نزول آیه یا آیاتی از قرآن است یا محل روایت یا حدیثی از احادیث شریف نبوی است.

مدینه حرم خداوندی و حرم پیامبر اوست و خداوند وعده‌های نیکو داده به کسـی که بر تنگی معیشت و سختی‌های آن صبر کند، یا در مسجد آن نماز بگزارد یا از خرمایش بخورد یا از آبش بیاشامد و خداوند خاک آن را شفا قرار داد.

از فضائل مدینه منوره کثرت نام‌های آن است و کثرت نام‌ها بر شرف آن دلالت کنند. بیشتر نام‌ها، صفات او و در بزرگداشت آن و اظهار فضایل و مآثر اوست.

و ما در اینجا برخی از آن نام‌ها را برای مثال می‌آوریم و نه همه آنها را:

ص: ۲۸

مدینه را «منوره» افزودند؛ زیرا به نور خدا و هدایت رسول صلی الله علیه و آله روشن شده است.

«طابه»، «طَیّبَه»، «الدار»، «الحبیبه»، «المحبوبه»، «دارالهجرهٔ»، «دارالفتح»، «مأرِز (ملجاء) الایمان»، «سیّدهٔ البلدان»، «المحفوظه»، «الجابره»، «المرزوقه»، «المبارکه» و غیر آن‌ها. همه این‌ها نام‌هایی است که مدینه بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به آن‌ها معروف شد. و روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را از اینکه بگویند «یثرب» نهی فرمود.

پنجم: فضیلت مردم مدینه منوّره

مردم مدینه همسایگان پیامبر و رونق بخشندگان به مسجدش ونیز ساکنان‌شهرش‌هستند، تا هنگامی که به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تمسک می‌جویند و به راه او می‌روند و اوامرش را اطاعت می‌کنند و از نواهی‌اش می‌پرهیزند، به قدر و منزلت از همه مردم برتراند و از حیث مکانت شریف‌تر و به محبت و احترام و تقدیر و تعظیم سزاوارتر.

ص: ۲۹

پیامبر صلی الله علیه و آله به سبب علاقه و محبّتی که به مردم مدینه داشت و به جهت بزرگداشت آنان و عطوفت و رحمت به خردسالانشان، در حق ایشان دعا کرد و فرمود:

بار خدایا! برکت ده در ثمرات ما و برکت ده به شهر ما و برکت ده در صاع ما و برکت ده در مُدّ ما.

و نیز روایت شده که نوبرانه‌ای به نزد او آوردند. فرمود:

بار خدایا! برکت ده به شهر ما و به محصولات ما و به مدّ ما و به صاع ما. برکت بر برکت.

سپس آن را به خردترین کسی که در حضورش بود، عطا نمود.

پیامبر صلی الله علیه و آله دیگران را از آزار کردن اهل مدینه یا تعرض به آنان بر حذر داشت و فرمود:

هیچ کس بر مردم مدینه کیدی روا نمی‌دارد مگر آن که خود ذوب و نابود شود؛ آن سان که نمک در آب ذوب و نابود می‌شود.

آن حضرت مردم را به مردن در مدینه ترغیب می‌کرد، تا مستوجب شفاعت او گردند و او بدان گواهی دهد و در میان نخستین گروهی که محشور می‌شوند با او محشور شوند. و این از امتیازات مجاوران در مدینه است. همچنین سفارش کرد که هرکس امور مسلمانان و امور مدینه را بر

ص: ۳۰

عهده می گیرد باید که به انصار نیکی کند.

فضایل مدینه بسیاراست، آن سان که به حساب نمی آید.

مورّخان و علما در آثار خود، آن فضایل را ذکر کرده‌اند، می‌توان به آنها رجوع کرد.

ششم: فضیلت مسجد شریف نبوی

مسجد شریف نبوی را در نزد خدای- عزّوجلّ- فضیلت بسیار و منزلت بزرگ است. درآنجا ثواب نمازگزاران مضاعف‌است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

یک نماز در این مسجد برتراست از هزار نماز در دیگر جای‌ها، مگر مسجدالحرام.

مسجد شریف نبوی را امتیازی دیگر است که مساجد دیگر از آن بی‌بهره‌اند و آن روضه شریفه است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بین خانه من و منبر من روضه‌ای است از روضه‌های بهشت.»

از آداب مسجد شریف نبوی یکی این است که چون زائر به آن رسد، مستحب است که هنگام دخول پای راست

ص: ۳۱

را پیش دارد و بگوید:

أعوذُ باللَّهالعظیم وَ بِوَجْهِهِ الْکَریم و سلطانِهِ القدیم مِنَ الشَّیطان الرَّجیم. باسم اللَّه اللّهمّ صَلِّ عَلی محمّد و علی آل محمّد، اللّهمّ اغْفِرْلی ذنوبی و افتَحلی أبواب رَحمَتِک

هنگام دخول در مساجد دیگر هم می‌توان این دعا را خواند.

سپس دو رکعت نماز بخواند و از خدا آنچه دوست دارد، از خیر دنیا و آخرت، طلب کند و اگر آن دو رکعت را در روضه شریف بجای آورد افضل است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است که «بین خانه من و منبرم روضه‌ای است از روضه‌های بهشت.»

چون از تحیّت مسجد فراغت یافت به حجره شریفه روی آورد و در برابر قبر آن حضرت صلی الله علیه و آله پشت به قبله بایستد و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله با ادب و آرام و آهسته سلام کند و بگوید:

«السّلامُ عَلَیکَ یا رَسُول اللَّه و رحمهٔ اللَّه و برکاته».

وروایت شده‌که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون کسی بر من سلام‌کند، خدای‌تعالی روح مرا به من باز می‌گرداند تا پاسخ سلام او را بدهم. و کسی که خواهد بر او سلام کند، بگوید:

ص: ۳۲

السَّلامُ عَلَیکَ یا نَبِیَّ اللَّه، السَّلامُ عَلَیکَ یا رَسُول‌اللَّه، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبِیب‌اللَّه، السَّلامُ عَلَیکَ یا خَیْرَ خَلْقِ‌اللَّه، السَّلامُ عَلَیکَ یا سَیِّدالمُرْسَلین وَ امامَ المُتَّقِین، أشهَدُ أنّکَ قد بلّغت الرسالهٔ وَ ادّیْت الأمانهٔ و نَصَحْتَ الامَّهٔ وجاهَدْتَ فی‌اللَّه حقَّ جِهادِهِ، صَلَّی‌اللَّهُ عَلَیکَ وَ علی آلِکَ و ذریّاتک و سلّم تسلیماً کثیراً.

تصویر ص ۱۷۳

بنای مسجد النبی در نخستین مرحله

ص: ۳۳

رسول اللَّه صلی اللَّه علیه وآله در مدینه

هفتم: رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در مدینه

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به «یثرب» پایان زندگی سیزده ساله مسلمانان در مکه بود، که در آنجا گرفتار انواع آزار و اذیت بودند و نیز هجرت، سرآغاز یک دوره ده ساله بود، در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سرآغاز قوّت مسلمانان و عصر استقرار و عزّت و مناعت و سروری آنان. همچنین زمان به وجود آمدن جامعه اسلامی بود با بنیانی استوار و پایه‌هایی راسخ بر روی زمین. رسول خدا صلی الله علیه و آله این جامعه را بر سه اساس، بنیان نهاد:

۱- مسجدی که بر پایه پرهیزگاری بنا شده بود.

۲- اخوّتی که رشته‌های مودت را میان مسلمانان استواری می‌بخشید.

۳- وثیقه (یعنی دستور و قانون) که برای ایشان شیوه تعاون و زیستن با یکدیگر و با دیگران را تعیین می‌نمود.

پیامبر صلی الله علیه و آله از هجرت به مدینه خوشحال بود. وی

ص: ۳۴

دارالهجره خود را در خواب دیده بود. خداوند رؤیای او را محقّق کرد که رؤیای رسول صلی الله علیه و آله وحی است و حق. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «در خواب دیدم از مکه مهاجرت می‌کنم به سر زمینی که در آن نخل‌هاست ...» پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب بزرگوار خود اجازت فرمودند که به مدینه هجرت کنند. آنگاه آن حضرت صلی الله علیه و آله در ۲۷ صفر سال اول هجری رهسپار مدینه شد و روز دوشنبه برابر با ۱۲ ربیع‌الاول سال اول هجری به قُبا رسید.

چهار روز در آنجا توقف کرد و نخستین مسجد در اسلام را در آنجا بنا نمود. خدای تعالی در وصف این مسجد فرماید:

لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ

مسجدی که از روز نخست بر پرهیزگاری بنیان شده، شایسته‌تر است که در آنجا نماز کنی. در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند؛ زیرا خدا پاکیزگان را دوست دارد.

ص: ۳۵

هشتم: راهش را بگشایید که او مأمور است

پنجمین روز ورود، روز جمعه ۱۶ ربیع‌الأول سال اول هجری به فرمانی که از خدا به او رسیده بود، سوار شد، و از قبا به سوی مدینه در حرکت آمد.

چون به میان بنی سالم رسید وقت نماز جمعه بود، در جایی که امروز مسجد جمعه نامیده می‌شود با مردم نماز به جای آورد. پس از نماز جمعه وارد «یثرب» شد و از این زمان «یثرب» «مدینه» یا «مدینه منوره» نام گرفت.

این روز از روزهای درخشان تاریخ بود، خانه‌ها و راه‌ها از آواز حمد و تهلیل می‌لرزید و مردم از روی شادمانی و بهجت، آمدنش را به شهر خود می‌ستودند و می‌خواندند:

طلَع البدرُ علینامن ثنیات الوداعْ

وجب الشکر علیناما دعا للّه‌داعْ

أیّها المبعوث فیناجئتَ بالأمر المُطاعْ

جئتَ شرّفتَ المدینهٔمرحباً یا خیَر داعْ

ماه تمام از گردنه‌های وداع بر ما طالع شد، تا آنگاه

ص: ۳۶

که خواننده‌ای خدا را می‌خواند، شکر بر ما واجب شد. ای آنکه بر ما مبعوث شده‌ای با فرمانی مطاع آمده‌ای. آمدی و مدینه را قرین شرف کردی، خوش آمدی ای بهترین داعی و پیامبر.

مردم از پی رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در حرکت آمدند. برخی پیاده و برخی سواره و برای گرفتن زمام ناقه‌اش هجوم می‌آوردند و هر کس می‌خواست او را در محله یا خانه خود فرود آرد. پیامبر می‌فرمود: «رهایش کنید او را فرموده‌اند که در کجا فرود آید».

ابن هشام گوید:

عِتبان بن مالك و عباس بن عُباده از رجال بنی سالم ابن عَوف بیامدند و گفتند: ای رسول اللَّه صلی الله علیه و آله نزد ما فرود آی که هر مال و لشکر که تو را باید، از بهر تو ترتیب کنیم. رسول اللَّه صلی الله علیه و آله فرمود: «زمام اشتر من را رها کنید که او را فرموده‌اند که در کجا فرود آید.» پس راهش را گشودند و اشتر برفت تا به خانه‌های بنی ساعده رسید. سعد بن عُباده و مُنذِر بن عمرو با مردان بنی ساعده بیامدند و گفتند: یا رسول اللَّه نزد ما نزول فرمای که ما را از لشکر و مدد و اسباب و مال، هر چه خواهی فراهم است.

ص: ۳۷

فرمود: «راهش را باز کنید که او را فرموده‌اند که در کجا فرود آید» و شتر برفت تا نزدیک خانه‌های بنی حارث بن خزرج رسید. سعدبن ربیع و خارجهٔ بن زید و عبداللَّه بن رَواحه با مردان بنی حارث بن خزرج پیش آمدند و گفتند: یا رسول اللَّه نزد ما فرود آی که ما را لشکر و مال و قوّت است.

فرمود: «راهش را بگشایید که او را فرموده‌اند که در کجا فرود آید.» آنان راهش را گشودند و شتر برفت تا به سرای‌های بنی عَدیّ‌بن نجار رسیدند.

اینان خویشاوندان مادری‌اش بودند، سَلیط بن قیس و ابو سلیط اسیرهٔ بن خارجه با رجال بنی عَدیّ بن نجار بیامدند و گفتند: یا رسول اللَّه به نزد خویشاوندان مادری‌ات فرود آی، ما را لشکر و ساز و برگ و قوّت است.

فرمود: «راهش را بگشایید که او را فرموده‌اند که در کجا فرود آید.» آن‌ها راهش را گشودند و شتر برفت و همچنان به راه خود ادامه داد.

مهاجران و انصار در چپ و راست و پشت سرش در حرکت بودند؛ برخی سواره و برخی پیاده و نمی‌دانستند که در کجا خواهد ایستاد.

اینکه مقرر شده بود در هر خانه‌ای که ناقه ایستاد،

ص: ۳۸

رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در آن خانه فرود آید، حکمت خداوندی بود. تا آنان خوشدل شوند و آن رقابت و منافست که در میان آن‌ها بود سر برنکند. و نگویند که رسول خدا فلان را بر دیگران برتری داد. اینک این فضل و بخشش الهی است و خدا فضل و بخشش خود را به هر کس که خواهد ارزانی دارد.

چون به مِربَد- جایی در وسط شهر مدینه- رسید، شتر زانو بر زمین نهاد. سپس برخاست و به راه افتاد تا به خانه ابوایوب انصاری رسید، بار دیگر زانو بر زمین نهاد و گردن بر زمین خوابانید و بی آنکه دهان بگشاید بانگ برآورد.

سپس بار دیگر به مِربَد باز گردید. و در آنجا پای دراز کرد و قرار گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله از آن فرود آمد و فرمود: منزل همین جاست اگر خدا خواهد؛

رَبِّ أَنزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَکاً وَأَنْتَ خَیْرُ الْمُنزِلِینَ

؛ «ای پروردگار من، مرا فرود آر در جایگاهی مبارک که تو بهترین راهبرانی.»

آنگاه پرسید خانه چه کسی نزدیکتر به اینجاست؟

ابوایّوب، زیدبن خالد انصاری گفت: خانه من. این درِ خانه من است ما شتر تو را به آنجا می‌بریم.

رسول اللَّه صلی الله علیه و آله فرمودند: آدمی، همراهِ بُنه خود است پس به خانه ابو ایّوب فرود آمد و تقریباً هفت ماه در آنجا

ص: ۳۹

درنگ کرد.

ابو ایّوب گوید: چون رسول اللَّه صلی الله علیه و آله به سرای من فرود آمد، در طبقه پایین منزل گزید و من و امّ ایّوب در طبقه بالا

ص ۴۰

موقعیّت و مکان قبیله‌ها در مدینه، به هنگام هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۴۰

بودیم. عرض کردم: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم فدای تو باد، بر من گران است که بالای سر تو باشم و تو در زیر. شما به طبقه بالا نقل مکان کنید و ما به طبقه پایین می‌آییم، پیامبر فرمود: «برای ما و کسانی که به دیدار ما می‌آیند طبقه پایین مناسبتر است.» پس رسول خدا صلی الله علیه و آله در طبقه پایین بود و ما در طبقه بالا.

نهم: موضع مسجد شریف نبوی

گفتیم که ناقه در وسط شهر مدینه زانو زد و این اوّلین توقف او بود. سپس بار دیگر به آنجا برگشت و استقرار یافت. رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا فرود آمد. این اشارتی است، خدای تعالی این مزیت و برتری را به مربد عطا کرد. مزیتی که گویی برای آن ذخیره شده بود؛ زیرا در آنجا مسجد شریف نبوی را ساختند. از دلایل اعجاز در اختیار این مکان، این است که آن را هیچ بشری اختیار نکرده است.

امامربد از آنِ دو پسرِیتیم‌بود، در مدینه از بنی‌نجار. آنها سَهل و سُهیل نام داشتند و تحت تربیت ابو امامه اسعد بن

ص: ۴۱

مسیر پیامبر صلی الله علیه و آله از قبا به محلّ مسجدالنبی

ص: ۴۲

زُراره بودند. مربد آن چهار دیواری بود بدون سقف.

اسعد بن زُراره آنجا را بنا کرده بود و با یاران خود در آنجا نماز می‌گزارد. پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه محل اجتماع مردم، و قبله آن به سمت بیت المقدس بود.

رسول خدا آن دو پسر را بخواند و در باب بهای زمین با آنان گفتگو کرد، گفتند: یا رسول اللّه، ما این زمین را هِبه می‌کنیم. پیامبر نپذیرفت مگر آنکه بهای آن بستانند.

سرانجام آن را به ده دینار خرید.

آری رسول خدا صلی الله علیه و آله مَثَل اعلای رحمت و شفقت به یتیمان بود، بویژه اگر تحت وصایت شرعی می‌بودند. پس پول زمین را به آنها داد تا از آن بهرمند شوند.

ص: ۴۳

فصل دوم: نخستین مرحله بنای مسجد شریف نبوی

اشاره

ص: ۴۴

ص: ۴۵

اول: اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله در بنای مسجد

۱- آماده ساختن مکان:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد تا مکان مسجد را آماده بنا کنند و زمین را پاکیزه سازند. در آنجا به هنگام خرید، نخل‌هایی بود و زمین گیاهِ فراوان داشت و شماری گورهاو چاله‌های آب راکد. حضرتش فرمان داد نخل‌ها را بریدند، گیاهان را کندند و قبرها را شکافتند و استخوان‌های مردگان را در جای دیگر دفن کردند و با کندن جوی‌ها، آب‌های راکد را از زمین دور کردند.

۲- تهیه مصالح:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود تا در همان وقت خشت بزنند. خشت را برای برآوردن دیوارها می‌خواست و چون خشک شدن آن‌ها به زمان نیاز داشت، برای صرفه جویی در وقت،

ص: ۴۶

این کار را پیش از هرکار دیگر آغاز نمود.

بنای مسجد النبی در نخستین مرحله

۳- خط کشی بر زمین و تحدید مساحت آن:

پس از آماده شدن زمین، طول و عرض بنای آن را معین فرمود و بر زمین خط کشید. طول مسجد را از شمال به جنوب ۷۰ ذراع (۳۵ متر) و عرض آن را از شرق به مغرب ۶۰ ذراع (۳۰ متر). پس بنای نخستین مسجد مستطیل شکل بود.

بیشتر مورّخان معتقدند که مساحت مسجد ۶۳ ذراع در ۷۰ ذراع بوده است. به نظر من همین قول ارجح است؛ زیرا مساحت آن هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بنا کرد ۱۰۶۰ متر مربع بود و این با ۶۳* ۷۰ سازگارتر است.

ص: ۴۷

پس از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال ۷ ه. از غزوه خیبر بازگشت، در مساحت مسجد افزود و طول آن را ۱۰۰ ذراع و عرضش را نیز ۱۰۰ ذراع یا کمی کمتر قرار داد بدین طریق مساحت مسجد تقریباً ۲۴۷۵ متر مربع شد.

۴- طریقه بنا (مرحله اول):

منابع تاریخی در باب طریقه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بنای مسجد شریف نبوی به کار برد، روایاتی نقل کرده‌اند. مصالحی که به کار رفته عبارتند؛ از سنگ برای استواری پی‌ها و خشت برای بر آوردن دیوارها و تنه‌های نخل برای ستون‌ها و برگ‌های پهن نخل برای پوشیدن سقف و گِل برای اندود دیوارها.

برای پی ریزی، ۳ ذراع (۵/ ۱ متر) زمین را کندند و سنگ ریختند. آنگاه دیوارها را باخشت بر آوردند.

عرض دیوار ۵/ ۱ ذراع بود (۷۵ سانتی متر) پس هوا گرم بود و مسلمانان از گرما در رنج. گفتند: یا رسول اللَّه کاش می‌فرمودید که برای مسجد سایبان کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چنین است و فرمان داد از تنه‌های نخل، ستون‌ها ساختند و بر آن‌ها چون پل، تیرها نهادند روی آن را با برگ نخل پوشیدند.

ص: ۴۸

سپس باران‌ها آغاز شد، گفتند: یا رسول‌اللّه کاش می‌فرمودید روی بام را به‌گِل بیندایند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نه، سایبانی چون سایبان موسی.»

۵- قبله مسجد، و رواق‌ها و ارتفاع آن:

مسجد زمانی ساخته شد که مسلمانان در نماز، به سوی بیت المقدس می‌ایستادند و هنوز فرمان الهی نیامده بود که رو به سوی کعبه مشرفه کنند.

برای مسجد در جهت قبله (دیوار شمالی) سه رواق بود و هر رواقی را شش ستون. بلندی سقف به ارتفاع قامت انسان بود؛ یعنی حدود ۵/ ۳ ذراع (۷۵/ ۱ متر) بلندی دیوار مسجد ۵- ۷ ذراع بود (۵۰/ ۲- ۵۰/ ۳ متر).

۶- درهای مسجد:

بنای نخستینِ مسجد سه در داشت:

۱- دری در آخر مسجد (یعنی به سوی قبله امروزی)؛ زیرا در آن هنگام قبله بیت المقدس بود.

۲- دری از جانب غربی معروف به «باب عاتکه»، بعدها تا به امروز «باب الرحمه». (۱) ۱

۱- - عاتکه بانویی از مکّه بود، دخت زید بن عمر، از قبیله عدیّ بن- کعب. اسلام آورد و به مدینه مهاجرت نمود این در را از آن جهت که رو به روی خانه او بود به این نام خواندند. (وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۶۹۷) و در باب نامیدن آن به باب الرحمه گفته‌اند که مردی به مسجد نزد پیامبر آمد و از او خواست دعا کند تا باران ببارد. پیامبر دعا کرد و هفت روز باران بارید. مرد از بیم سیل و غرق، باز نزد آن حضرت آمد و خواست که از خدا بخواهد تا ابرها بروند. رسول خدا صلی الله علیه و آله دعا کرد و ابرها رفتند. بر این اعتبار که باران رحمت خدا است آن را باب الرحمه نامیدند. گاه آن را باب النبی گویند؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله از این در به مسجد داخل می‌شد. (وفاء الوفا، ج ۲، ص ۶۹۸).

ص: ۴۹

۳- دری به جانب مشرق به نام باب عثمان، بعدها تا به امروز «باب جبرئیل.» (۱) ۲ حرزهای هر در از درها از سنگ بود.

دوم: همکاری رسول خدا صلی الله علیه و آله در بنای مسجد

اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله خود با جامه‌اش خشت می‌کشید، چون

۱- از آن رو این در را باب جبرئیل می‌گفتند که پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه‌بنی‌قریظه جبرئیل را در آنجا دیدار کرد. آن را باب عثمان نیز گویند؛ زیرا رو به روی خانه عثمان بود.

ص: ۵۰

صحابه چنان دیدند، رداها از دوش بر گرفتند و با آنها خشت و سنگ می‌بردند و خود نیز در بنای مسجد شرکت می‌جستند. پیامبر صلی الله علیه و آله برای تشویق و ترغیب آن‌ها، با آن‌ها کار می‌کرد و هنگامی که با آن‌ها خشت و سنگ می‌کشید می‌فرمود:

هذا الِحمالُ لاحمال خیبرهذا أبرّ- ربّنا- و أطهر (۱) ۳

الّلهمّ انّ الأجْر أجر الآخرهفارحم الأنصار والمهاجره (۲) ۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله به عمد، وزن شعر را در خواندن رعایت نمی‌فرمود و چیزی بر آن می‌افزود یا می‌کاست. خدای تعالی در خطاب به او فرموده است

وَما عَلَّمْناهُ الشِّعْرَ وَ ما یَنْبَغی لَهُ.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست کاری کند که همه، آنچنان که باید، کار کنند و هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله اینچنین خود را به رنج می‌افکند کسی راحت نگزیند. پس یکی از مسلمانان می‌گفت:

۱- حاصل معنی: «این بار خشت، در نزد خداوند بسی بهتر و پاکیزه‌تر است از بار کسی که خرمای نیکوی خیبر را بر دوش می‌کشد.»

۲- «بار خدایا! اجر این کار اجر آخرت است پس بر مهاجران و انصار رحمت آور.»

ص: ۵۱

لئن قَعَدْنا و النَّبیّ یَعْمَلُ لَذاک مِنّا العَمَلُ المُضَلَّل (۱) ۵

و علی بن ابی طالب علیه السلام کار می‌کرد و رجز می‌خواند:
لایستوی مَنْ یعمر المساجدایَدأبُ فیها قائِماً وَ قاعِداً

وَ مَن یُری عن الُغبارِ حائداً (۲) ۶ در صحیح بخاری، در باب «بنای مسجد» آمده است: ما خشت خشت حمل می‌کردیم و عَمّار دو خشت دو خشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دید، خاک از او تکاند و گفت:

وای که عمّار را مردمی ستم پیشه می‌کشند. عَمّار آنان را به‌بهشت فرامی‌خواند وآنان عَمّار رابه آتش فرا می‌خوانند!

و عَمّار می‌گفت: پناه می‌برم به خدا از فتنه‌ها.

گشتن قبله به سوی کعبه مشرّفه:

مسجد شریف نبوی، به همان وضعی که آن را پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- - حاصل معنی: «اگر ما بنشینیم و پیامبر کار کند این کار گمراهی است که از ما سر زده است.»

۲- - حاصل معنی: «برابر نباشد ثواب و درجه کسی که در مسجد کار کند و خسته شود، با کسی که به نزدیک نیاید و هیچ کار نکند، از بهر آنکه غباری بر او ننشیند.» (ترجمه سیرت رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله).

ص: ۵۲

و اصحاب بزرگوارش بنا کرده بود، به همان حال بود، تا سال دوم هجری، دقیقاً روز سه شنبه ۱۵ شعبان سال دوم هجری در این روز قبله از بیت المقدس به سوی کعبه مشرفه در مکه مکرمه تحّول یافت.

شانزده یا هفده ماه، قبله بیت المقدس بود. پیامبر صلی الله علیه و آله دوست داشت که قبله به سوی کعبه تحوّل یابد. پس این آیه نازل شد:

قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَاءِ ...

؛ «نگریستنت را به اطراف آسمان می‌بینیم ...» پس به سوی کعبه گردید.

جمعی سفهایِ مردم، که از یهود بودند، گفتند:

مَا وَلّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِی کَانُوا عَلَیْهَا قُلْ للَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ یَهْدِی مَنْ یَشَاءُ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیم.

چه چیز آن‌ها را از قبله‌ای که رو به روی آن می‌ایستادند باز گردانید. بگو مشرق و مغرب از آنِ خداست و خدا هر کس راکه بخواهد به راه راست هدایت می کند.

سمهودی گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بایارانش درمسجدی که آن راقبلتین می گویند نماز ظهر می گزارد. چون دورکعت به‌جای آورد، فرمان شدکه به‌کعبه روی کند. رسول‌خدا

ص: ۵۳

به‌سوی کعبه گردید و روبه‌روی ناودان بایستاد. مردان‌به جای زنان رفتند و زنان به جای مردان. از این رو این مسجد را «القِبلَتین» گویند.

تغییر از بیت المقدس به کعبه، برخی تغییرات را در بنای مسجد در پی داشت. از جمله:

۱- قبله از سمت شمال به سمت جنوب تحول یافت.

۲- دری که در دیوار جنوبی بود بسته شد و به جای آن دری در دیوار شمالی باز شد.

۳- سه ایوان در سمت جنوب، به همان گونه که در سمت شمال بود، ساخته شد.

۴- باب عثمان و باب عاتکه به همان حال باقی ماندند.

۵- صُفّه از سمت جنوب به سمت شمال تغییر مکان داد.

۶- مسجد مناره یا محرابی که در دیوار باشد، نداشت.

صُفّه:

عِیاض گوید:

صُفّه (به ضم صاد و تشدید فاء) سایبانی است در آخرِ مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که مساکین و فقرا در آن سکونت می‌کردند. اهل صُفّه منسوب به این مکان هستند.

ص: ۵۴

حافظ ذَهَبی گوید:

قبله پیش از آنکه تحول یابد، در شمال مسجد بود چون تحول یافت، دیوار بالایی آن مکان اهل صُفّه شد.

صاحب «الدّر الثمین» گوید:

صُفّه در رکن شمال شرقی مسجد شریف نبوی بود، در طرف راست قبله، که به سوی بیت المقدس بود.

آنجا همچنین مدخل باب عثمان بود.

اهل صُفّه مردمی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند؛ فقرایی بودند بدون خانه. در مسجد می‌خوابیدند و جز آنجا جایی نداشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان انس داشت. آن‌ها را به خوردنی و آشامیدنی خود دعوت می‌کرد. در شمار عیال او بودند. صحابه نیز یک یا دو و سه نفر از آنها را به خانه می‌بردند و طعام می‌دادند. گاه نیز خوشه‌های رطب را میان دو ستون مسجد می‌آویختند و آن‌ها از آن می‌خوردند تا سیر می‌شدند.

ابونُعَیم در «حِلیةُ الأولیاء» نام آن‌ها را آورده که بیش از صد کس بوده‌اند.

ص: ۵۵

سوم: افزودن رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسجد بعد از غزوه خیبر (سال ۷ ق.)

اشاره

پس از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از غزوه خیبر در محرّم سال ۷ ه. باز گردید، شمار مسلمانان افزون شده بود و مسجد را گنجایش آن‌ها نبود و توسعه مسجد ضروری می‌نمود. در کنار مسجد زمینی خالی بود از آنِ یکی از انصار، عثمان بن عفّان آن را خرید و داخل در مسجد نمود.

این دومین توسعه مسجد شریف نبوی بود بر مساحت مسجد؛ در این مرحله ۱۴۱۵ متر مربع افزوده شد، از آن پس مساحت مسجد ۱۰۰ ذراع در ۱۰۰ ذراع شد، یا کمی کمتر (۲۴۷۵ متر مربع).

مسجد که پیش از آن مستطیل بود، اکنون مربع شده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله در ایوان‌ها هم ستون‌هایی افزود و شمار ستون‌ها که پیش از این در هر صف شش ستون بود به نُه ستون رسید. و همه ستون‌های اضافه در جای غربی نبود، بلکه دو ستون از جانب غرب بود و یک ستون از جانب شرق. افزونی از جهت شمال ۴۰ ذراع بود.

ص: ۵۶

ص ۵۹

بنای مسجد نبوی در مرحله دوّم

مسجد پس از آنکه توسعه پیدا کرد در میان خانه‌های اطراف محاط شد. و چند در و دریچه بر آن گشوده شد؛ از جمله در این توسعه به خانه‌های زنان پیامبر صلی الله علیه و آله پیوست.

شمار ستون‌ها در این مرحله ۲۷ ستون بود، ۹ ستون در طول و ۳ ستون در عرض. انصار تصمیم گرفتند سقف مسجد را بالا برند و آن را بیارایند.

بدین منظور مالی گرد کردند و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند و گفتند: یا رسول‌اللّٰه با این مال مسجدی بساز و آن را زینت کن. تا کی در زیر این برگ‌های نخل نماز بخوانیم؟! فرمود: نمی‌خواهم کاری کنم خلاف آنچه برادرم موسی کرد؛ سایبانی است چون سایبان موسی.

ص: ۵۷

سایبان موسی بلندی‌اش به گونه‌ای بود که چون دست فرا می‌کرد، دستش به سقف می‌رسید.

حجره‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله:

چون رسول خدا صلی الله علیه و آله مسجد خود بنا کرد، دو خانه برای زنانش عایشه و سوده ساخت. این خانه‌ها نیز همانند مسجد شریف نبوی از خشت و چوب و برگ نخل بنا شده بود.

هر خانه مربعی بود که طول هر ضلعش ۸ تا ۹ ذراع؛ یعنی ۴ در ۴/ ۵ متر بود. سقفش نیز کوتاه بود و از درون دست به آن می‌رسید. دیوارها از کیسه‌های مو بود، استوار شده بر چوب عرعر (سرو) آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله خانه دیگر ساخت که آخرین آن‌ها در کنار دری بود پهلوی باب عثمان (باب جبرئیل) یعنی تا باب النساء همه خانه‌ها در جانب شرقی و خارج از مسجد بودند ولی به مسجد در داشتند. چهار خانه از این خانه‌ها از خشت بودند با سقفهایی از تنه نخل و پنج خانه دیگر از برگ خرما و اندود شده به گِل بودند.

عرض درهایش یک ذراع بود و بلندی‌اش سه ذراع و در پارچه‌هایی از موی سیاه پوشیده.

ص: ۵۸

چهارم: روشنایی مسجد و فرش و بخور سوزی در آن

اشاره

مسجد شریف نبوی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و در آغاز کار او، چون شب در می‌رسید، با شاخه‌ها و برگ‌های نخل روشن می‌شد. این امر تا بعد از توسعه دوم؛ یعنی سال هفتم ادامه داشت. در سال نهم هجری تَمیم‌الدّاری به مدینه منوره آمد و دید که مسجد با شاخه و برگ نخل روشن می‌شود. تَمیم الدّاری قندیل‌هایی همراه خود آورده بود و به آن قندیل‌ها، که روغن در آن‌ها می‌سوخت، مسجد را روشن نمود.

فرش مسجد:

مسجد شریف نبوی در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله به حصیر یا قالی مفروش نبود. زمین را ریگ ریخته بودند تا نمی را که در اثر چکه کردن سقف، به هنگام باریدن باران حاصل می‌شد از بین ببرد. ابو الولید گوید: از ابن عمر در باب ریگ‌های مسجد سؤال کردم، گفت یک شب باران بارید و زمین مسجد تر شد. مردی در دامن جامه‌اش ریگ آورد

ص: ۵۹

و زیر پای خود ریخت. چون رسول خدا نماز را به پایان برد، گفت: چه کار خوبی است این، از آن روز زمین مسجد به ریگ مفروش شد.

امروزه مسجد شریف‌نبوی به قالی‌های فاخر فرش گردیده وکارگاههایی برای بافتن آنها در مساحت‌های مختلف تأسیس شده است.

همچنین از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله کسانی مأمور بخور سوزی در مسجد بودند و این کار تا به امروز ادامه دارد.

پنجم: محراب‌های مسجد شریف نبوی

«محراب» در لغت به معنای صدر خانه است یا بهترین مواضع آن و نیز جای ایستادن امام جماعت در مسجد.

کلمه محراب چهار بار در قرآن آمده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک به شانزده ماه یا هفده ماه به سوی بیت المقدس نماز می‌گزارد. و این بعد از هجرت آن حضرت به مدینه بود. قبله او به سوی بیت المقدس آن ایام در آخر مسجد و در سمت شمال بود، مقابل باب عثمان، نزد ستون

ص: ۶۰

پنجم در شمالِ ستونِ عایشه و در غرب جایی که امروز آن را «دکّةُالاغوات» مخفّف «دکّهٔ الآغاوات» می گویند.

پس از تحوّل قبله به بیت‌الحرام، پیامبر صلی الله علیه و آله قبله را از شمال مسجد به جنوب آن تغییر داد. و دو ماه یا چهار ماه نزد ستون عایشه نمازگزارد. سپس به سوی ستون مخلّقه پیش آمد و چند روز هم در نزد آن به نماز ایستاد. آنجا محل نماز او شد و در آنجا محراب شریف را بنا کردند.

هنگامی که عمر بر مساحت مسجد افزود، محراب را در پایان مساحتِ زیاد شده قرار داد، در سمت جنوب. و هنگامی که عثمان بر مساحت مسجد افزود، خود در محراب عثمانی، همان جا که امروز امام می‌ایستد به نماز ایستاد.

مسجد شریف نبوی محرابِ در دیوار فرو رفته نداشت، نه در زمان آن حضرت و نه در زمان خلفای بعد از او.

چنانکه از عبارات مؤکّد منابع تاریخی بر می‌آید، اینگونه محراب‌ها در مسجد شریف نبوی، در عمارت ولید بن عبدالملک اموی به دست عاملش بر مدینه، عمربن عبدالعزیز در سال ۸۸– ۹۱ ساخته شد. چنان بر می‌آید که محراب مسجد شریف نبوی پیش از عمارت ولید جایی

ص: ۶۱

مسطّح بود، بدون فرو رفتگی در دیوار یا بدون علامت مشخصه‌ای بر دیوارِ جانب قبله، به سخن عمربن عبدالعزیز استناد می کنند که گفت: بیایید در بنای قبله‌تان حاضر باشید و نگویید که عمر قبله ما را تغییر داد. او هر سنگی را که بر می‌داشت سنگ دیگر به جای آن می نهاد.

مسلمانان بعدها درساختن محراب‌ها هنرنمایی‌هاکردند وآنها رابا نقوش اسلامی و آیات قرآنی زینت دادند و آن را در صدر مساجد قرار دادند؛ زیرا آنجا مکانِ مناسبِ معنیِ محراب است- چنانکه گفتیم- محراب علامت ممیزه‌ای بود برای سمت قبله.

شمار محراب‌ها در مسجد نبوی متعدد شد تا به شش محراب رسید از این قرار:

۱- محراب نبوی شریف، در روضه شریف، در سمت چپ منبر.

۲- محراب عثمانی، در دیوار سمت قبله و آن همان محراب است که امروز امام مسجد در آن نماز می‌خواند.

۳- محراب سلیمانی، که آن را محراب حَنَفی هم می گویند، در مغرب منبر.

۴- محراب فاطمه، در سمت جنوبی محراب تهجُّد، داخل مقصوره شریفه.

ص: ۶۲

۵- محراب شیخ‌الحرم، این محراب در عمارت مجیدیّه احداث شد.

ششم: حجره شریف نبوی

اشاره

این نام بر خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله اطلاق می‌شود؛ مرقد رسول خدا و ابوبکر و عمر در این خانه است. این خانه در مشرق مسجد شریف نبوی واقع شده و دَرِ آن به روضه شریفه باز می‌شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجره عایشه به رفیقِ اعلی پیوست. و او را در همان حجره دفن کردند و قبر شریف در سمت جنوبی حجره بود.

عایشه در قسمت شمالی خانه زندگی می‌کرد و میان او و قبر، پرده‌ای نبود و چون ابوبکر از دنیا رفت اجازه داد که او را نیز در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله دفن کنند، با یک ذراع فاصله، و سر او مقابل کتف‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بود. چون عمر از دنیا رفت اجازه داد که او را نیز در همان حجره دفن‌کنند، با یک ذراع فاصله، و سر او مقابل کتف‌های ابوبکر بود.

ص: ۶۳

در آثار و احادیث آمده است که ملائکه برگرد قبر شریف، شب و روز طواف می‌کنند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می‌فرستند.

در حجره شریفه چند بار اصلاحات وترمیمات صورت گرفته است که ما به طور اختصار آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

۱- عمر هنگامی که در سال ۱۷ ه مسجد شریف را توسعه داد، جاهایی را که از چوب و برگ نخل بود به دیوار بدل کرد.

۲- ولید بن عبدالملک در سال ۸۸- ۹۱ ه مسجد را توسعه داد و عمر بن عبدالعزیز عامل او در مدینه حجره شریفه را تجدید بنا کرد، به همان مساحتی که سرای رسول خدا بنا شده بود. سپس در اطراف حجره دیواری پنج ضلعی کشید؛ به گونه‌ای که قسمت آخر آن مثلث بود تابه خانه کعبه شباهت نیابد.

۳- در سال ۵۵۷ ه ملک عادل نورالدین شهید، خندقی در اطراف حجره شریف حفر کرد و در آن سرب ریخت تا کسی نتواند به جسد شریف رسول خدا دست یابد.

۴- در سال ۶۶۸ ه ملک ظاهر بیْبرس مقصوره‌ای از چوب ساخت که سه در داشت.

۵- در سال ۶۹۴ ه. ملک عادل زین‌الدین کتبغا بر

ص: ۶۴

دیوارهای مقصوره افزود تا آن را به سقف رسانید.

۶- در سال ۶۷۸ ه. سلطان محمدبن قلاوون صالحی گنبدی بالای حجره شریفه برآورد که از پایین مربع بود و از بالا هشت ضلعی و آن را به الواح سرب پوشید.

۷- در سال ۸۸۱ ه. ناصر حسن‌بن‌محمدبن قلاوون گنبد راتجدیدکرد.

۸- در سال ۸۸۶ ه. گنبد به سبب آتشی که در مسجد افتاد، آسیب دید.

۹- در سال ۸۸۷ ه. در عهد سلطان قایتبای گنبد تجدید بنا شد و برای آن پایه‌های محکمی در زمین مسجد نصب شد و آن را با آجر برآوردند و برای مقصوره شریفه هم از جهت قبله پنجره‌هایی از مس ساختند. در بالای آن هم پنجره‌ای مشبک ترتیب دادند اما در جانب شمالی و شرقی و غربی پنجره‌ها از آهن بود و در بالای آن تزییناتی از مس و در آن ۷۶ طاق.

۱۰- در سال ۸۹۲ ه. بنای گنبد با گچ سفید تجدید شد و این هنگامی بود که بالای گنبد شکاف برداشت و این نیز در عهد سلطان قایتبای بود.

۱۱- در سال ۱۲۳۳ ه. در عهد سلطان محمود بن عبدالحمید (عثمانی) بنای گنبد برای آخرین بار تجدید

ص: ۶۵

شد؛ زیرا در زمان او گنبد شکاف برداشت. او دستور به خراب کردن قسمت بالای آن و تجدید بنای آن صادر کرد و این گنبد است که هنوز برپاست.

۱۲- در سال ۱۲۵۳ ه. سلطان عبدالحمید عثمانی فرمان داد گنبد را به رنگ سبز رنگ کنند. و از آن پس آن را «القبهٔ الخضراء» نامیدند و حال آنکه پیش از آن، آن را «القبهٔ الزرقاء» می گفتند، یا «القبهٔالبیضاء» یا «القبهٔالضیحاء».

از زمان ملک عبد العزیز سعودی، همان بنای عثمانی بر جای است ولی در استواری و ترمیم آن کوشش بسیار می‌شود و چنین است توجه و اهتمام به حجره شریفه.

درهای حجره شریفه

حجره شریفه که آن را «المقصورهٔ الشریفه» نیز می گویند، شش در دارد:

۱- درِ جنوبی به نام «باب التوبه»، بر آن در صفحه‌ای است از نقره که بر آن تاریخ ساختنش- سال ۱۰۲۶ ه.- نوشته شده است.

۲- درِ شمالی که آن را «بابالتهجّد» نامیده‌اند.

۳- درِ شرقی که به «باب فاطمه» موسوم است.

۴- در غربی یا «بابالنّبی» (معروف است به

ص: ۶۶

باب‌الوُفود).

۵- دری در طرف راست مثلث، داخل مقصوره.

۶- دری در طرف چپ مثلث، داخل مقصوره.

نخستین کسی که بر مرقد رسول خدا صلی الله علیه و آله جامه پوشید، خیزران مادر هارون الرشید بود. سپس ابن ابی‌الهیجاء وزیر مصری، سپس المستضیء جامه‌ای از دیبای بنفش فرستاد، پس از دو سال. سپس خلیفه الناصر جامه‌ای از دیبای سیاه. سپس هر شش سال جامه‌ای از مصر فرستادند.

ص ۷۲

گنبد سبز

ص: ۶۷

طول ضلع دیوار مسی در خارج مقصوره ۱۶ متر، در دو ضلع شمالی و جنوبی. و ۱۵ متر در دو ضلع شرقی و غربی.

و طول اضلاع از داخل بین ۴- ۵- ۶ متر، ارتفاع حجره تقریباً ۸ متر و ارتفاع پنج ضلعی اطراف آن از زمین مسجد حدود ۷ متر است.

هفتم: روضه شریفه

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بین خانه و منبر من روضه‌ای است از روضه‌های بهشت.» مورخان معتقدند که روضه مطهر مکانی است میان خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و خانه عایشه و منبر شریف. اقوالی هم در معین کردن حدود آن آمده است که روضه در جانب شرقی خانه عایشه است و در جانب غربی منبر شریف. سمتِ جنوبی آن قبله است.

و سمت شمالی خطی است موازی با پایان خانه عایشه.

مساحت روضه ۳۳۰ متر مربع است؛ زیرا طول آن ۲۲ متر است و عرضش ۱۵ متر.

روضه‌ای که‌امروزه درآن نماز می‌خوانند، همه

ص: ۶۸

روضه‌ای‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن خبر داده، نیست؛ زیرا قسمتی نه چندان کم از آن در بنایی که اطراف حجره شریفه به‌امر ولید بن‌عبدالملک برآورده شد، داخل گردیده است؛

ص ۷۴

حجره شریف نبوی از جنوب

ص ۷۴

حجره شریف نبوی از غرب

ص: ۶۹

یعنی زمانی که عمربن عبدالعزیز دیوار پنج ضلعی راگرداگرد حجره شریفه کشید.

نماز در روضه شریفه از هر مکان دیگری در مسجد افضل است. زائرانی که به زیارت روضه شریفه می‌روند مشتاقند که نمازهای نافله را در روضه شریفه به جای آرند.

ستون‌های مشهور در مسجد نبوی

هشتم: ستون‌های مشهور در مسجد نبوی

اشاره

همانگونه که پیشتر گذشت، ستون‌های مسجد شریف نبوی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله از تنه نخل بود. البته آن ستونها از بین رفته است و آنچه معرفی می‌کنیم ستونهایی است که در جای آنها نهاده شده. کسانی که مسجد را توسعه می‌دادند سعی می‌کردند ستون‌ها را در همان جایی قرار دهند که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

ستون‌هایی که در مسجد شریف نبوی، در قسمت قبله آن مشاهده می‌کنیم، در عهد سلطان عبدالمجید نصب شده‌اند. از آن‌ها هشت ستون مشهورند و برباقی ستون‌ها برتری دارند و آن‌ها را ویژگی‌هایی است که دیگر ستون‌ها

ص: ۷۰

را نیست:

۱- ستون مخلّقه یا عَلَم مصلای پیامبر صلی الله علیه و آله.

۲- ستون قرعه یا ستون عایشه.

۳- ستون توبه یا ستون ابولُبابه.

۴- ستون سریر.

۵- ستون محرس.

۶- ستون وُفود.

۷- ستون مربع قبر.

۸- ستون تهجّد.

این ستون‌ها هریک نام خود را ازرسول خدا صلی الله علیه و آله گرفته‌اند و اینک به طور مختصر به شرح آن می‌پردازیم:

۱- ستون مُخَلَّقه

آن را عَلَم رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله نیز می گویند. «مخلّقه» به معنای خوشبو و معطر است. از «خَلوق» می‌آید؛ یعنی بوی خوش. گویند که عثمان‌بن مظعون در مسجد آب دهن افکند، بدین سبب اندوهگین شد، زنش سبب اندوهش را پرسید. گفت: چیزی نیست مگر آنکه به هنگام نماز به قبله مسجد آب دهن افکنده‌ام. زنش به مسجد رفت و جایی را که شویش آب دهن انداخته بود شست و

ص: ۷۱

خوشبو کرد و آن زن نخستین کسی است که مسجد را خوشبو کرده است.

سپس خیزران، مادر هارون الرشید، در سال ۷۰ ه. حج به جای آورد و فرمان داد تا مسجد را خوشبو کنند. این کار به وسیله خازنه او «مؤنسه» انجام گرفت. او همه مسجد و حجره پیامبر صلی الله علیه و آله را خوشبو ساخت. سمهودی روایت کند که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از تحول قبله بیش از ده روز در آنجا نماز به جای آورد.

سَلَمهٔ بن الاکوع می‌کوشید تا نمازش را در نزد این ستون به‌جای آرد. سبب پرسیدند، گفت: «دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله را که چنین می‌کرد.»

۲- ستون قرعه

این سومین ستون است از منبر و سومین ستون است از قبر و سومین ستون است از قبله. آن را ستون مُخلّقه نیز گویند و نیز به ستون عایشه معروف است و هم به ستون مهاجرین.

سبب نامگذاری آن به ستون عایشه این است که عایشه عبداللّه بن زبیر را از فضیلت آن ستون خبر داد و او برخاست و در نزد آن نماز گزارد.

ص: ۷۲

و امّا سبب آن که آن را ستون «مهاجرین» نامیدند، این است که مهاجرین قریش در نزد آن جمع می‌شدند. این مجلس را مجلس مهاجرین می گفتند. گویند که دعا در آنجا مستجاب می‌شود.

۳- ستون توبه

این چهارمین ستون از منبر و دومین ستون از قبر و سومین ستون از قبله است. به «ستون ابولُبابه»، رِفاعهٔ بن عبدالمُنذِر، هم مشهور است و او یکی از سران بود. سبب نامیدنش به این نام این است که چون بنی‌قریظه با ابولُبابه که هم‌پیمان (حلیف) آن‌ها بود مشورت کردند که آیا به حکم رسول خدا صلی الله علیه و آله گردن نهند یا نه، او با دست اشاره به گردن خود کرد؛ یعنی سر همه بر باد خواهد رفت. ابولُبابه گوید:

هنوز از آنجا قدمی برنداشته بودم که دانستم به خدا و رسول او خیانت کرده‌ام و این آیه نازل شد:

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَاتَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِکُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید می‌دانید که نباید به خدا و پیامبر خیانت کنید و نباید در امانت های خود خیانت ورزید.

ص: ۷۳

ابولُبابه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بازنگردید، بلکه به مسجد رفت و خود را به ستونی که در موضع ستون توبه بود بست و سوگند خورد که خود را باز نکند و کسی هم او را باز نکند تا پیامبر صلی الله علیه و آله خود او را باز نماید و توبه‌اش قبول شود.

چون پیامبر صلی الله علیه و آله خبر یافت فرمود: اگر به نزد من می‌آمد از خداوند برای او آمرزش می‌خواستم ولی حال‌که چنین کرده من نمی‌توانم او را بازکنم تا خداوند توبه‌اش را بپذیرد. پذیرفته شدن توبه او بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و او در خانه امّ سَلَمه بود. امّ سَلَمه سحرگاهی شنید که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خندد. پرسید: ای رسول‌اللّه، سبب خنده چیست؟ خدا همواره شما را خندان سازد. گفت: توبه ابولُبابه پذیرفته گردید. امّ سلمه گفت: آیا من این بشارت به او ندهم؟ فرمود: بلی بشارتش ده. امّ سَلَمه بر در حجره خود ایستاد و گفت: ای ابولُبابه بشارت باد تو را که خدا توبه‌ات را قبول کرد. در این هنگام مسلمانان آهنگ گشودن او کردند. ابولُبابه گفت: نه به خدا، می‌خواهم که پیامبر صلی الله علیه و آله خود مرا بگشاید. پیامبر بعد از نماز صبح که از کنار او می‌گذشت او را بگشود. از آن پس این ستون را ستون توبه نامیدند.

ص: ۷۴

۴- ستون سریر (تخت)

ستون سریر در مشرقِ ستون توبه است، پیوسته به پنجره مُشرف بر روضه شریفه. اینجا محل اعتکاف رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت را در اینجا تختی بود از برگ‌های نخل و نیز بالشی بود بر روی آن که بر آن تکیه می‌داد. بعضی گویند که پیامبر صلی الله علیه و آله تخت را کنار ستون توبه نهاده بود. تا آنجا که بدربن فرحون گوید: ستون سریر همان ستون توبه است. می توان گفت که سریر گاه در کنار ستون توبه بوده و گاه در کنار ستون سریر.

بدربن فرحون روایت کند که برای پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام اعتکاف، پشتی یا بالشی می گذاشتند بر تختی از چوب و برگ نخل.

۵- ستون محرس

این ستون، پشت ستون سریر است از جانب شمالی. در مقابل دریچه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که در خانه عایشه بود از آن می گذشت و برای نماز به روضه شریفه می‌آمد. آن را «ستون محرس» از آن جهت می گفتند که علی بن ابی‌طالب علیه السلام برای حراست و حفاظت از پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار آن می‌نشست. و به همین دلیل آن را ستون علی بن

ص: ۷۵

ابی طالب علیه السلام نیز نامیده‌اند.

۶- ستون وفود

این ستون پشت ستون محرس است از جانب شمال.

پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا می‌نشست تا وفود عرب را که نزد او می‌آمدند ملاقات کند. آنجا را «مجلس القلاده» هم می‌گفتند، سران و افاضل صحابه در آنجا می‌نشستند.

۷- ستون مربع قبر

این ستون در قسمتی است که عمربن عبدالعزیز ساخته است، در صف ستون وفود؛ یعنی داخل دیوار محیط بر قبر شریف است و کسی که به زیارت مسجد شریف می‌رود، نمی‌تواند آن را ببیند. این ستون را «مقام جبرئیل» هم می‌گویند. در آنجا درِ خانه فاطمه علیها السلام دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که علی بن ابی‌طالب از این در داخل می‌شد. در فضیلت این ستون روایتی است از ابی‌الحمراء که گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که چهل روز بر در خانه علی و فاطمه و حسن و حسین آمد و دست بر

ص: ۷۶

چهارچوب در نهاد و می گفت: سلام بر شما اهل بیت؛

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛

«ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد.»

۸- ستون تهجد

این ستون پشت خانه فاطمه علیها السلام دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله در جانب شمالی واقع شده. نزد آن محراب کوچکی است که چون کسی روبه‌روی آن ایستد، ستون در سمت چپِ او، روبه‌روی در جبرئیل علیه السلام که سابقاً به باب عثمان معروف بود، خواهد بود. بر سنگ مرمری که در آنجا نصب است نوشته شده:

«هذا مُتَهَجَّد النّبی صلی الله علیه و آله»

«اینجا مکانِ تهجُّد (نافله شب) پیامبر صلی الله علیه و آله است.»

سمهودی در باب فضیلت نماز در نزد این ستون روایاتی آورده است؛ از جمله آنکه محمد بن حنفیّه گوید: اینجا مصلای رسول خدا بوده، هنگام ادای نافله شب.

ص: ۷۷

نهم: مناره مسجد شریف نبوی

پیش از آنکه فرمان اذان در رسد، منادیِ رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را ندا می‌داد: «الصلاهٔ جامعهٔ» پس مردم گرد می‌آمدند. چون قبله از بیت‌المقدس به کعبه تحوّل یافت، فرمان اذان داده شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در اندیشه اذان بود.
بعضی برای گردآوردن مسلمانان در مسجد، گفتند بوق بزنند و بعضی گفتند: ناقوس. در این احوال عبداللَّه بن زید خزرجی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: دیشب در خواب مردی را دیدم که دو جامه سبز بر تن داشت و ناقوسی در دست. به او گفتم که این ناقوس را می‌فروشی؟ گفت: برای چه می‌خواهی؟ گفتم: می‌خواهم به آن، مردم را به نماز فراخوانم. گفت: نمی‌خواهی تو را به بهتر از این راه بنمایم؟
پرسیدم: آن چیست؟ گفت: بگو: اللَّه اکبر، اللَّه اکبر، تا آخر اذان. خزرجی خواب خود را برای پیامبر بیان کرد، پیامبر فرمود: اگر خدا خواهد خوابی است راست پس برخیز نزد بلال برو و این کلمات را به او بیاموز تا با صدای بلند بخواند؛ زیرا صدای او خوش‌تر از صدای تو است.

ص: ۷۸

مسجد شریف نبوی، نه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای اذان گفتن مناره داشت و نه در عهد خلفا

بلال بن رَباح برای بانگ نماز صبح بر بام خانه زنی از بنی‌نجار می‌ایستاد. عروهٔ بن زبیر از زنی از بنی نجار روایت می‌کند که گفت: بامِ خانه من از خانه‌های اطراف مسجد بلندتر بود و بِلال هر صبح بر بام خانه من می‌رفت و اذان می‌گفت. او هر سحر به منزل من می‌آمد و می‌نشست تا وقت فجر در رسد. چون طلوع فجر را می‌دید بر بام می‌شد و می‌گفت:

«اللّهمّ انّی أحمَدُکَ وَ اسْتَعِینُکَ عَلی قُرَیش أن یُقِیمُوا دینک»

سپس آواز به اذان بلند می‌کرد.

از آنچه گذشت معلوم شد که نیاز به مکان بلندی برای اذان، مسلمانان را در مدینه منوره واداشت که جای اذان را از بام مسجد به بلندترین بام منازل مجاور برند تا آنجا که سال‌ها بعد بر بام مسجد شریف نبوی، مناره‌ها ساختند.

دهم: منبرهای مسجد شریف نبوی

اشاره

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بین خانه من و منبرم روضه‌ای است از روضه‌های بهشت». و جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۷۹

روایت کرده که «هرکه نزد منبر من به دروغ سوگند خورد، حتی برای یک مسواک سبز جایگاهش پر از آتش خواهد شد».

منبری را که امروز در مسجد شریف است، با آن منبری که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن قرار می گرفت، تفاوت‌ها و دگرگونی‌های بسیار است. مسلمانان شمارشان افزون شد و مسجد گسترش یافت و وفدها (هیأت‌های اعزامی) پی‌درپی به دیدار او سبقت می گرفتند تا سخنش را بشنوند و به اسلام داخل شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله اگر سخنش به درازا می کشید بر تنه نخلی تکیه می‌داد. چنانکه ابن بُرَیده روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر سر پا سخن می گفت. سخنش به درازا می کشید، و ایستادن بر او دشوار می‌آمد. تنه نخلی آوردند و در زمین کردند و پیامبر در پهلوی آن ایستاد. از آن پس، هرگاه برپای ایستادنش به هنگام سخن گفتن به درازا می کشید بر آن تکیه می‌داد.

مردی که به مدینه آمده بود آن حالت را دید و به کسی که در کنارش بود گفت: اگر بدانم که محمد از کار من خوشش می‌آید برایش جایگاهی می‌سازم که بر آن بایستد و اگر خواهد بر آن بنشیند. این خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید،

ص: ۸۰

فرمود: «آن مرد را نزد من بیاورید». چون آوردند او را فرمان داد که بسازد. پیامبر صلی الله علیه و آله در آنچه او ساخته بود، احساس راحت کرد. چون از آن تنه درخت دور شد و آهنگ آن پلکان کرد، تنه درخت ناله کرد؛ همانند ناقه که بچه‌اش از او دور شود. بُرَیده از پدرش روایت می‌کند که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله ناله آن تنه درخت را شنید بازگشت و دست بر آن نهاد و فرمود: یکی از این دو را اختیار کن، یا تو را در همان جایی که بوده‌ای می‌نشانم یا در بهشت که از نهرها و چشمه‌هایش سیراب شوی و نیکو برویی و میوه دهی و اولیای خدا از میوه‌ات بخورند؟

گویند که او سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنید و در پاسخ دو بار گفت: «آری پذیرفتم». از پیامبر سؤال شد، فرمود: «دوست دارد که او را در بهشت بنشانم».

انس روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز جمعه‌ای خطبه‌های نماز جمعه را می‌خواند و او در کنار تنه درختی که بر آن تکیه می‌داد، ایستاده بود. چون مردم بسیار شدند، فرمود: برای من منبری ترتیب دهید. برای او منبری ساختند که دو پله داشت. چون بر آن منبر نشست، آن ستون چوبی ناله کرد. انس گوید که من در مسجد بودم صدای زاری او را چون صدای ناله عاشقان شنیدم و او همچنان می‌نالید تا

ص: ۸۱

پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر فرود آمد و آن را در آغوش کشید و ستون ساکت شد.

چون حسن این حدیث را شنید، گریست. سپس گفت:

«ای بندگان خدا، چوب به سبب مکانتی که رسول خدا در نزد خدا دارد، به شوق او می‌نالد و می‌زارد. شما سزاوارترید که مشتاق دیدار او باشید.»

ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله تکیه به تنه درخت داده، سخن می گفت. مردی رومی نزد او آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «برای من منبری بساز که بر آن سخن گویم». و او همین منبر را که می‌بینید ساخت، چون از کنار ستون برخاست که بر آن فرا رود، آن تنه درخت نالید چنانکه ناقه برای بچه‌اش می‌نالد. پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر فرود آمد و آن را در آغوش گرفت، درخت ساکت شد. فرمود: برای درخت جایی کنند و درخت را در آن نهادند.

ابن نجار گوید: بلندی منبر دو ذراع و یک وجب و سه انگشت بود و عرض آن اندکی بیش از یک ذراع. بلندی تکیه‌گاهش که رسول‌اللّه بر آن تکیه می‌داد یک ذراع و طول دو برآمدگی که هنگام نشستن بر منبر بر آن دست می گرفت یک وجب و دو انگشت بود.

بعدها پله‌های منبر زیاد شد و صورت‌های گوناگون

ص: ۸۲

یافت. گاه از چوب ساختند و گاه از مرمر یا سنگ. و در آتیه خواهیم دید.

تغییرات منبر مسجد شریف نبوی:

۱- منبر در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و خلفا دو پله داشت و یک جایگاه نشستن؛ همان گونه که گفتیم.

۲- چون دولت اموی روی کار آمد، معاویهٔ بن ابی‌سفیان بر پله‌ها افزود و آن را در شش پله و یک جایگاه نشستن ساخت.

۳- در دولت عباسی بعضی خلفا بنای منبر را بر حسب پیشرفت صناعت تجدید کردند.

۴- در سال ۶۵۴ ه. مسجد شریف نبوی آتش گرفت و منبر هم طعمه حریق شد. ملک مظفر فرمانروای یمن منبر جدیدی فرستاد که دو گوی جای دست گرفتن داشت آن را در جای منبر مسجد شریف نبوی نصب کردند. مدت ده سال بر آن سخن گفته شد.

۵- در سال ۶۶۴ ه. ملک ظاهر بَیْبرس بندُقداری منبر جدیدی فرستاد منبر فرمانروای یمن را برداشتند و منبر او را به جایش نهادند. بر این منبر تا سال ۷۹۷ ه. که در آن موریانه افتاد، ادای سخن کردند.

ص: ۸۳

۶- در سال ۷۹۷ ه. ملک ظاهر برقوق منبر تازه‌ای فرستاد، آن را در جای منبر بَیْبُرس نصب نمودند.

۷- در سال ۸۲۰ ه. مؤید شیخ، منبری فرستاد که در محل نصب منبر برقوق گذاشتند.

۸- در سال ۸۸۶ ه. در مسجد شریف نبوی آتش افتاد و منبر مؤید شیخ سوخت. مردم مدینه منبری از آجر ساختند و آن را در گچ و آهک گرفتند و در مکان آن جای دادند.

۹- در سال ۸۸۹ ه. ملک اشرف قایتبای، منبری از مرمر فرستاد، منبر آجریِ مردم مدینه را خراب کردند و آن رابه جایش گذاشتند.

۱۰- در سال ۹۹۸ ه. سلطان مراد عثمانی منبری از مرمر فرستاد، در نهایت ابداع و دقت و زیبایی با نقشهای جالب، آن را در آب طلا گرفته بودند. منبر قایتبای را به مسجد قُبا بردند و منبر سلطان مراد را جای آن نهادند. و آن همین است که اکنون در مسجد شریف نبوی موجود است.

ص: ۸۴

ص ۸۹

منبر سلطان مراد در سال ۹۹۸ ه.

ص: ۸۵

فصل سوم: مسجد شریف نبوی در سالهای ۱۱ تا ۶۵۶ ه.

اشاره

ص: ۸۶

ص: ۸۷

اول: مسجد شریف نبوی در عهد ابوبکر (۱۱– ۱۳ ه.)

مدت خلافت ابوبکر کوتاه بود؛ از سال یازدهم تا سیزدهم هجری. او بر مسجد شریف هیچ نیفزود مگر آنکه چند ستون را که حاجت به تعمیر داشتند، تجدید یا تعمیر کرد.

مسجد شریف نبوی در مدت خلافت ابوبکر به همان حال که رسول خدا صلی الله علیه و آله بنا کرده بود باقی بود. چون ابوبکر در ۲۲ جمادی‌الآخره سال ۱۳ ه. درگذشت، او را در جوار قبر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کردند و عمر عهده‌دار امر خلافت شد.

ص: ۸۸

دوم: مسجد شریف نبوی در عهد عمر (۱۳- ۲۳ ه.)

اشاره

پس از مرگ ابوبکر، با عمر بیعت شد و این در نیمه سال سیزدهم هجری بود. مسجد شریف نبوی به همان حال که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بود باقی بود تا سال ۱۷ ه که شمار مسلمانان در مدینه افزون گردید و از اطراف و اکناف بلاد اسلامی وفدها و زائران، روی به مدینه نهادند.

در چنین حالی مسجد شریف گنجایش مردم را نداشت. از او خواستند که بر وسعت مسجد بیافزاید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر این مسجدِ من تاصنعاء هم وسعت یابد، جزو مسجد من خواهد بود. و بخاری روایت کرده که: مسجد در زمان رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله از خشت بناشده بود وسقفش برگ نخل بود وستون‌هایش چوب نخل. عمر بر آن افزود و آن را به همان شیوه که در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله بنا شده بود با خشت و برگ نخل بنا کرد و ستون‌های چوبی آن را تجدید کرد. پس از آنکه عمر با افزودن بر وسعت مسجد موافقت کرد، از خانه‌های اطراف سلب ملکیت شد و آنچه که در جنوب و غرب

ص: ۸۹

مسجد بود بنابر مقتضای طبیعت توسعه بر سر مسجد افتاد.

توسعه مسجد شریف نبوی در سال ۱۷ ه.

پس از چهار سال که از خلافت عمر گذشته بود، در مسجد نبوی تعمیرات و تغییرات مهمی صورت گرفت. وی مسجد را از جانب غربی ۲۰ ذراع (۱۰ متر) توسعه داد. پس عرض مسجد ۱۲۰ ذراع (۶۰ متر) گردید ولی از طرف شرقی بنا را دست نزد؛ زیرا حجره شریفه در آنجا بود و از جانب قبله هم ۱۰ ذراع (۵ متر) افزود، و از جانب شمال ۳۰ ذراع (۱۵ متر) و طول مسجد به ۱۴۰ ذراع (۷۰ متر) رسید.

عمر حجره‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را داخل در مسجد ننمود، از این رو به امتداد مسجد به غرب و شمال و جنوب بسنده کرد. بعداً خواهیم دید که حجره‌ها در توسعه‌های بعدی در مسجد داخل شدند، آنگاه که برای نخستین بار در زمان حکومت عمر بن عبدالعزیز بر مدینه، مسجد را از سمت مشرق هم توسعه دادند. این امر در عهد ولید بن عبدالملك بود هنگامی که در سال ۸۸- ۹۱ ه به وسعت مسجد افزود.

عمر درتوسعه تازه، ستون‌هایی ازتنه‌های نخل آورد وبرای بنای دیوارها قالب‌های خشت، و بام رواق‌های

ص: ۹۰

چهارگانه را باگِل‌اندودکرد. ارتفاع سقف به ۱۱ ذراع (۵/ ۵ متر) رسید ودر اطراف بام دیواری برآورد به‌طول ۳ ذراع (۵/ ۱ متر). بنیان بنا را از سنگ برآورد به ارتفاع قامت یک انسان (۷۵/ ۱ متر).

ص ۹۶

افزوده عمر بن خطاب بر مسجد شریف نبوی در سال ۱۷ ه.

خانه‌هایی که در توسعه مسجد در عهد عمر ویران شد

توسعه عمر، در مسجد شریف نبوی سبب شد خانه‌هایی که در نزدیکی مسجد بود، به آن ضمیمه شود. عمر به ساکنان خانه‌ها پیشنهاد کرد که اگر خواهند خانه خود

ص: ۹۱

بفروشند و بهای آن را از بیت‌المال بستانند و هر کس هم که خواهد خانه خود را به مسجد صدقه کند، از او پذیرفته می‌شود و در برابر این عمل خیر از او تشکر می‌شود. کسی که بخشی از خانه خود را به مسجد داد عبداللَّه بن جعفر بن ابی‌طالب بود و پسران ابوبکر.

از خانه‌هایی که عمر در توسعه مسجد داخل کرد: یکی خانه اسامه بود و در مغرب آن، خانه زید بن حارثه و در مغرب آن، خانه جعفربن ابی‌طالب و در مغرب آن، خانه عباس. این از جهت قبله بود. همچنین خانه سعدبن ابی‌وقاص و خانه عبدالرحمان بن عَوف و در شمال آن خانه ابوبکر، سپس خانه عبداللَّه بن مسعود و این از جهت غربی بود.

عباس‌بن عبدالمطّلب عموی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود و خانه خود را عزیز می‌داشت؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله خود زمین آن را معین کرده، در بنای آن شرکت کرده بود، پس از آنکه به مدینه آمد. عباس خانه خود را می‌ساخت و رجز می‌خواند:

بَنَیتُها باللَّبْنِ والحجاره‌والخشبات فوقها مطاره

یا ربَّنا بارک لِأهلِ الداره

ص: ۹۲

حاصل معنی:

آن رابا خشت و سنگ وچوب بنا می‌کنم چوب‌هایی‌که بر آن‌ها پرندگان نشینند؛ ای پروردگار، اهل این خانه را برکت ده.

رسول اللَّه صلی الله علیه و آله می‌گفت:

اللهمّ بارک فی هذه الدارهٔ.

به هر حال عمر خانه را خراب کرد و مکان آن را بر مسجد شریف نبوی افزود. خانه عباس در جانب غربی محراب عثمانی واقع در غرب منبر- کنونی- جای داشت.

کوشش برای یافتن موضع قبله:

خلفا و کسانی از پیشینیان که بعد از آن‌ها آمده‌اند و به توسعه مسجد شریف نبوی همت گماشته‌اند، برای قبله احترام ویژه‌ای قائل بوده‌اند و می‌دانستند که موضع قبله را وحی معین کرده است و آن رو به روی بیت الحرام است.

از این رو هیچ کس از خلفا وسلاطین و ملوک، پس از عمر و عثمان تا به امروز مسجد شریف را از جانب قبله توسعه نداده است.

هنگامی که عمر خواست مکان قبله را در دیواری که در توسعه مسجد کشیده بود، معین کند، از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله یاری طلبید تا آن‌ها در وضع قبله خود حاضر و ناظر باشند.

ص: ۹۳

وصف مسجد بعد از توسعه در عهد عمر:

در این توسعه سعی شد که از لحاظ مصالح بنا و شکل خارجی و داخلی، حتی درها و ستونها و غیر آن از آنچه در زمان رسول خدا بوده است، تخطّی نشود. همچنین عمر دستور داد از زیور و زینت مسجد بپرهیزند؛ زیرا آن رنگ آمیزیها حواس را به خود مشغول می‌دارند.

چون کارِ بنا به پایان رسید، گفت: اکنون باید زمین را از ریگ وادی عقیق فرش کنیم. پس از وادی عقیق ریگ آوردند و زمین مسجد را بدان مفروش ساختند.

در همین زمان برای روشن ساختن مسجد، چراغ‌هایی آوردند و در روزهای جمعه و ماه رمضان در مسجد بخور می‌سوزانیدند وسهمی برای خریدن چیزهای خوشبو معین کردند.

همچنین همگام توسعه، در جانب شمالیِ شرقی از مسجد شریف نبوی، جایی ساخت و آن را «بطیحاء» نامید وآن تالاری بودوسیع. آن را به ریگ‌های «عرصهٔ الحمراء» فرش کردند. مردم را گفت: هر کس خواهد در امور دنیا صحبت کند به آنجا رود تا کسی در مسجد هیاهو نکند و هیبت و وقار مسجد در دل‌های مسلمانان پایدار ماند.

یحیی گوید که او در ناحیه‌ای از مسجد مکان وسیعی

ص: ۹۴

معین کرد که آن را بُطَیحاء می‌گفتند. سپس گفت که هر کس خواهد هیاهو کند یا شعری بخواند یا آواز بر کشد به آن بُطَیحاء رود.

عمر برای مسجد شش در تعبیه کرد؛ یعنی سه در دیگر بر درها افزود پس درها از این قرار شد:

۱- در دیوار شمالی دو دَر (یک در جدید).

۲- در دیوار شرقی دو در؛ باب جبرئیل یا باب عثمان و او باب النساء را هم تعبیه نمود.

۳- در دیوار غربی دو دَر؛ باب الرحمه یا باب عاتکه و یک در جدید، به نام باب السلام.

مقداری که در این توسعه بر وسعت مسجد شریف افزوده شد ۱۱۰۰ متر مربع بوده است.

سوم: مسجد شریف نبوی در عهد عثمان (۲۴- ۳۵ ه.)

اشاره

پس از کشته شدن عمر، عثمان بن عَفّان به خلافت نشست. در اول محرم سال ۲۴ هجری. در سال ششم

ص: ۹۵

خلافتش، احساس کرد که مسجد شریف نبوی نیازمند تعمیر و توسعه است. مردم به او شکایت بردند که مسجد برای آن ازدحام جای ندارد و هم برخی تیرها وستون‌ها درحال ویرانی‌است.

ابو داود روایت می‌کند که مسجد شریف نبوی را در عهد رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله ستون‌هایی بود و بر روی ستون‌ها از برگ و چوب خرما سایبان ساخته بودند. در عهد خلافت ابوبکر ویران شد. او بار دیگر آن را به تنه نخل و برگ و چوب آن بساخت.

باز در زمان خلافت عثمان فرود آمد. او مسجد را با آجر بنا کرد و آن بنا تاکنون برپای است.

از این عبارات بر می‌آید که آنچه عثمان را به تجدید بنای مسجد واداشت تنگی آن و وضع بدِ ستون‌هایش بود که از تنه نخل بودند.

چون مردم به عثمان از تنگی مسجد و ازدحام شکایت کردند و خواستند که بر وسعت آن بیفزاید او پیش از آنکه کاری کند، با اصحاب رسول‌خدا صلی الله علیه و آله مشورت کرد و از آنان راهنمایی خواست.

در این باب ابن نجار گوید که: عثمان با اهل رأی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله مشورت کرد. آن‌ها همگی نظر دادند که

ص: ۹۶

باید آن را خراب کرد و وسیع‌تر از آنچه هست از نو بنا نمود. پس نماز ظهر را به جای آورد و بر منبر شد و حمد خداوندی به جای آورد. سپس گفت: که می‌خواهم مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله را خراب کنم و بر مساحت آن بیفزایم. مردم رأی او را پسندیدند.

عثمان بر وسعت مسجد شریف نبوی مقدار زیادی افزود. دیوارش را با سنگ‌های تراشیده و گچ برآورد، ستون‌ها را از سنگ تراشید و سقفش را از چوب ساج ساخت.

طريقه بنا:

شیوه بنا با سابق فرق بسیار داشت. سنگ به جای قالب خشت آمد و مسجد با سنگ‌های تراشیده و گچ بنا شد.

ستون‌ها نیز از سنگ تراشیده بود و در آن‌ها قطعات آهن و سرب گداخته به کار بردند تا سنگ‌های ستون نیکو به هم بچسبند.

ستون‌های سنگی را به همانجا که ستون‌های چوبی بود نصب کردند. سقف را از چوب ساج ساختند.

چوب‌های ساج بر تیرهای چوبی، که روی ستون‌های سنگی استوار شده بودند، قرار گرفتند. دیوار را در گچ پوشیدند. در دیوارهای شرقی و غربی نزدیک سقف

ص: ۹۷

طاقنماها ساختند.

از خلال روایات برمی‌آید که ناظر بنا زیدبن ثابت بوده است. همان شش باب، که در عهد عمر بود، در این توسعه جدید حفظ شد.

خانه‌هایی که عثمان داخل بنای مسجد نمود:

عثمان مسجد شریف نبوی را از سمت شرقی توسعه نداد؛ زیرا در آن سمت حجره‌های همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت ولی از جوانب دیگر، بعضی خانه‌ها ضمیمه مسجد شد. آن‌ها را یا خریدند یا به صاحبانشان در جای دیگر عوض دادند و آن‌ها از این قرار بود:

۱- خانه حَفصه دخت عمر، در سمت جنوبی، و آن عبارت از خانه کوچکی بود از آنِ حفصه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله. به عوض آن، خانه‌ای از آنِ برادرش عبداللَّه بن عمر را به او دادند. حفصه از این خانه به مسجد می‌رفت. در کنار این خانه ستونی بود که بلال بر سر آن اذان می‌گفت. امروز در غرب موقف الزائر است.

۲- خانه جعفر بن ابی طالب، پیامبر صلی الله علیه و آله برای جعفر بن ابی‌طالب این خانه را ساخت و او هنوز حبشه بود. پس عثمان نصف آن را به صد هزار درهم خرید و آن را به

ص: ۹۸

بنای مسجد افزود.

۳- خانه مروان بن حکم.

بنای مقصوره:

مقصوره نه در عهـد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله مرسوم بود و نه در عهـد ابوبکر و عمر. بلکه بعـدها مرسوم شـد. ابن شَـبّه و ابن زَباله گویند: اولین کسی که مقصوره از خشت ساخت عثمان بود. در مقصوره دریچه‌ای بود که مردم از آنجا امام را می‌دیدند.

چون عثمان پس از کشـته شدن عمر به خلافت نشست، در مسجد مقصوره‌ای از خشت ساخت و از بیم آنچه برسر عمر آمده بود در آنجا به نماز می‌ایستاد و آن جای کوچکی بود. وسائب بن خبّاب را نگهبانِ آن نمود و او را هر ماه دو دینار مزد می‌داد.

سمهودی نقل می کند که: نخستین کسی که در مسجد مقصوره ساخت معاویه بود؛ پس از آنکه یکی از خوارج او را با شمشیر زد.

در هر حال در حریق نخست (سال ۶۵۴ ه.) این مقصوره در آتش سوخت.

ص: ۹۹

مقداری که عثمان به مسجد افزود:

مقداری که عثمان از سمت قبله افزود ۱۰ ذراع (۵ متر) بود؛ نزد محرابی که هنوز محل نماز امام در مسجد شریف نبوی است؛ زیرا کسی تاکنون از سمت قبله متعرض زیادت مسجد نشده است.

زیادت عثمان از سمت شمال ۲۰ ذراع (۱۰ متر) بود بعد از آنچه عمر زیاد کرده بود. یعنی تا آنجا که عمر برای گفتگو و بحث در خارج مسجد قرار داده بود. و از ناحیه غربی ۱۰ ذراع (۵ متر) یعنی یک ستون. (۱) ۷

این پس طول مسجد از شمال تا جنوب ۱۷۰ ذراع (۸۵ متر) شد و از شرق تا غرب ۱۳۰ ذراع (۶۵ متر) شمار ستون‌ها در هر پنج رواق درسایبان قبله‌ای ۱۲ ستون بود.

ستون‌ها از سنگ بودند، و استوار شده با آهن، روی آن‌ها سطحی مستوی از چوب ساج بود.

عثمان در ماه ربیع الأول سال ۲۹ ه. کار توسعه را آغاز کرد. حدود ده ماه مدت گرفت؛ یعنی در اول محرم سال ۳۰ ه. به پایان رسید. مقدار زیادت عثمان ۴۹۶ متر مربع بود.

۱- ناجی محمدحسن عبدالقادر الانصاری، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تلخیص: رضا مختاری، مسجد شریف نبوی صلی الله علیه و آله، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۵، ۱۳۸۵.

ص: ۱۰۰

ص ۱۰۹

افزوده عثمان بن عفان به مسجد نبوی در سال ۲۹ ه. ق.

چهارم: مسجد شریف نبوی در عهد علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام (سال ۳۵- ۴۰ ه.)

علی بن ابی طالب علیه السـلام بیست و سه سال پیش از هجرت متولد شد و با فاطمه علیها السلام دخت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله ازدواج کرد.

او پسر عمّ رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

ص: ۱۰۱

علی در خانه رسول خـدا صـلی الله علیه و آله پرورش یافت و از هدایت او بهره‌ها گرفت. چون پیامبر صـلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شد، نخستین کس از مردان که به او ایمان آورد، علی بود و او در آن زمان حدود سیزده سال داشت. و آن هنگام که پیامبر صلی الله علیـه و آله از مکه هجرت کرد، علی شب در بستر او خوابیـد تـا خـود را فـدای پیـامبر صـلی الله علیه و آله کنـد. علی علیه السلام در تمام غزوات رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله شرکت داشت مگر غزوه تبوک که او را در مدینه به جای خود نهاده بود.

در اوایل سال ۳۶ ه. به خلافت با او بیعت شد. و این دوره یکی از ادوار پرحادثه تاریخ اسلام است.

مدینه منوره در عهد او، یک انتقال سیاسی را شاهد بود؛ زیرا علی علیه السلام مرکز خلافت را از مدینه به کوفه آورد.

دمشق مرکز سرپیچی از خلافت علی علیه السـلام بود. سرپیچی معـاویه موجب حوادث بزرگ شـد. که به اختلاف میان مسـلمانان انجامید و فتوحات اسلامی را متوقف ساخت.

در ایـن دوره در مسـجد شـریف نبـوی تغییری حاصـل نشـد و هر چنـد مـدینه مرکزیـت سیاسـی خـود را از دسـت داد ولی مرکزیت دینی‌اش را همچنـان داشت. از این رو والیـان، امیران و پادشاهـان، هرگاه که نیاز می‌افتاد به عمارت مسـجد می‌پرداختنـد و ما آن را توضیح خواهیم داد.

ص: ۱۰۲

مسجد شریف نبوی در عهد اموی

پنجم: مسجد شریف نبوی در عهد اموی (۴۰– ۱۳۲ ه.)

۱– توسعه ولید بن عبدالملک به سال ۸۸– ۹۱ ه.

مسجد شریف نبوی پس از آنچه عثمان بر آن افزوده بود، دیگر تغییر و تعمیری در آن صورت نگرفت و در عصر اموی نزدیک به ۴۴ سال به همان حال بود تا ولید بن عبدالملک (۱) ۸ عامل خود عمر بن عبدالعزیز (۲) ۹ را فرمان داد که مسجد شریف را تجدید بنا کند و حجره‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را داخل در آن نماید، یکی از آن‌ها حجره عایشه بود. مردم مدینه به سبب علاقه‌ای که به رسول خدا صلی الله علیه و آله داشتند، از این فرمان متأثر و اندوهناک شدند و گریه

۱- – ولید بن عبدالملک در ماه رمضان سال ۸۶ ه. متولی امر خلافت شد. در آن زمان سنش از سی سال گذشته بود. او به توسعه مسجد شریف نبوی پرداخت و در جمادی الآخره سال ۹۶ ه. درگذشت.

۲- – عمر بن عبدالعزیز در ربیع الاول سال ۸۷ ه. امارت مدینه یافت و در شعبان سال ۹۳ ه. معزول شد و در صفر سال ۹۹ ه. به خلافت رسید و در رجب سال ۱۰۱ درگذشت.

ص: ۱۰۳

سردادنـد. طبری گویـد: فرسـتاده ولیـد نامه او راآورد. بر عمربن‌عبدالعزیز داخل شد و نامه را به او داد. فرمان شده بود که حجره‌های همسـران پیامبر صلی الله علیه و آله را در مسجد داخل کند و هر خانه را که پشت آن‌ها و در اطراف آن‌هاست بخرد تا ۲۰۰ ذراع در ۲۰۰ ذراع و در نامه آمده بود که اگر توانی، قبله راهم پیشتربِبر.

به نظر می‌رسد که ولید می‌خواست مسجد گسترش یابد؛ زیرا در زمان او آن جمعیت انبوه را بر نمی‌تافت.

نمازگزاران در روزهای جمعه به سبب کثرت جمعیت در آن حجره‌ها هم به نماز می‌ایستادند. این حجره‌ها در سمت شمال و شرق مسجد شریف نبوی بود.

۲- شیوه‌هایی که در توسعه مسجد به کار رفت:

۱- عمر بن عبدالعزیز خانه‌های اطراف مسجد را خرید و با حجره‌های همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داخل در مسجد نمود.

۲- خراب کردن در ماه صفر سال ۸۸ ه. آغاز شد.

طبری گوید:

صالح بن کیسان برای نظارت در خراب کردن و ساختن تعیین شد. پرداخت مزدها هم به عهده

ص: ۱۰۴

او بود. خراب کردن به وسیله کارگران مدینه منوره انجام پذیرفت و برای ساختن آن ولید کسانی را در ربیع الاول سال ۸۸ ه. به مدینه گسیل داشت.

۳- ولید به پادشاه روم نوشت و او را از قصد خود در توسعه مسجد شریف خبر داد و از او خواست به کارگران و مال و مصالح بنا یاری‌اش دهد. قیصر صدهزار مثقال زر فرستاد و صد کارگر و چهل بار فسیفساء (چیزی شبیه موزاییک امروزی که از قطعات مرمر ساخته می‌شد) ولید همه آن‌ها را نزد عمر بن عبدالعزیز به مدینه فرستاد. این مرسوله، هنگامی که عمر بن عبدالعزیز از ویران کردن خانه‌ها فراغت یافته بود، به مدینه رسید. او به ساختن آغاز کرد و پیِ بنا را برسنگ نهاد.

۴- چون بنا به دیوار قبله رسید، عمر بن عبدالعزیز شیوخ مدینه را، از مهاجرین و انصار و عرب و موالی، فرا خواند و گفت: بیایید و در بنیان قبله خود حاضر باشید که بعداً نگویید عمر قبله ما را تغییر داد. او سنگی را از جای خود بر نمی‌داشت مگر آن که سنگی به جای آن می‌نهاد.

می‌خواست قبله مسجد آن سان باشد که اسلاف معیّن کرده‌اند.

ص: ۱۰۵

۳- اهتمام عمر بن عبدالعزیز به توسعه:

عمر بن عبدالعزیز به ستونهای مسجد اهتمام بسیار داشت. فرمان داد: پایین ستون‌ها بگونه‌ای باشد که دوتن از نمازگزاران بتوانند بر آن تکیه دهند. و بر بام ناودانی نصب کرد و او اولین کسی بود که چنین کرد، همچنین گِرداگِرد بام کنگره‌ها ساخت. همچنان که یکی از موالی- به نام سعد- حُوَیطِب را فرمان داد تا سوره «فاتحه» را و از سوره «الشمس» تا آخر سوره «الناس» را بر دیوار قبله بنویسد.

۴- مقصوره:

عمربن عبدالعزیز در مسجد مقصوره‌ای ساخت که امام در آنجا نماز بگزارد. و در بنای آن هنر نمایی‌ها نمود. آن را از چوب ساج ساخت و سقفش را با فُسَیفِساء زینت داد.

هنگامی که بنا به پایان رسید و ولید برای زیارت آمد (در سال ۹۱ ه.) از دیدن سقف مقصوره در شگفت شد و گفت: کاش همه سقف مسجد را چنین می‌ساختی.

عمر گفت: در آن صورت هزینه بسیار می‌شد اکنون برای دیوار قبله و بین آن دو سقف (سقف مسجد وسقف مقصوره) چهل وپنج هزار دینار هزینه شده است.

از دلایل توجه خاص عمر بن عبدالعزیز به دیوار قبله و

ص: ۱۰۶

سقف مقصوره، چیزی است که مراغی (متوفای سال ۸۱۶ ه.) بدان اشارت دارد. وی می گوید سقف مقصوره دو ذراع ارتفاع داشت. ابن جبیر در خلال زیارت خود از مدینه منوّره (در سال ۵۸۰ ه.) از صنعت فُسَیفِساء که در مسجد شریف نبوی به کار رفته به تفصیل سخن می گوید: به ویژه از سمت قبله و کارهای شگرفی که در عصر اموی در آنجا صورت گرفته است:

نصف بالای دیوار، همه از نگین‌های طلاست معروف به فُسَیفِساء. صنعتگران در آن صنعت بسیار کرده‌اند. تصاویر درختانِ مختلف است با شاخه‌های سر فرو کرده از بار میوه‌ها. و مسجد همه‌اش بر این صفت است ولی صنعتی که در دیوار قبله به کار رفته شگرف‌تر است. اما دیوار شمالی که مشرف بر صحن است و شرقی و غربی چنین نیستند. سفید و مقرنس‌اند و آنها به انواع رنگ‌ها رنگین.

اما ابن عبد ربه دو دیوار مسجد و صحن را چنین وصف می کند که دیوارهای داخلی، همه از مرمر و طلا وفُسَیفِساء است، از اول تاآخر. صحن مسجد مفروش

ص: ۱۰۷

به سنگریزه است بدون حصیر. و باروی مسجد در خارج نیز از سنگ‌های تراشیده است و چنین است کنگره‌های آن.

تغییراتی که بعد از توسعه ولید حاصل شد:

تعمیراتِ اموی در حجره شریفه، سبب تغییراتی شد؛ همچنین در منبر. دو چیز که پیش از این سابقه نداشت در مسجد پدید آمد؛ یکی مناره برای اذان و دیگری محراب.
اینک به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

۱- حجره شریفه

تغییراتی که توسعه اموی در حجره شریفه به وجود آورد، یکی آن بود که دیوارهایش به سنگهای تراشیده پوشید شد و برای آن در نگذاشتند. اطراف آن پنج ضلعی بود با اضلاع نابرابر. دیوارهای خارجی مذکور، تا سقف مسجد نمی‌رسیدند بلکه به مقدار دو ذراع (۱ متر) کوتاهتر بودند و بر آن‌ها پنجره‌هایی از چوب بود. بر بام حجره داخلی مشمعی انداخته بودند تا مانع نفوذ باران شود. دیوار خارجی غربی چسبیده به دیوارِ داخلی بود و

ص: ۱۰۸

دیوار خارجی شرقی میان آن و دیوار حجره، مقدار ۵۰ سانتی متر از سمت شمالی فاصله بود و از سمت جنوبی ۱۵ سانتی متر. و دیوار باروی جنوبی، بین آن و بین دیوار حجره ۵۰ سانتی متر از جانب شرقی بود و از جانب غربی تنگ می‌شد تا به ۲۰ سانتی متر می‌رسید. اما دیوار شمالیِ حجره، میان آن و رأس مثلث پدید آمده از بارو مقدار ۴ متر بود. بر بام مسجد دیواری بالای منطقه قبر ساخته بودند تا کسی نتواند بر آن قدم نهد.

۲- مناره برای اذان

مناره را عمر بن عبدالعزیز بنا کرد و در هر رکن از ارکان مسجد مناره‌ای بود.

کثیربن حفص گوید: یکی از مناره‌ها مشرف بر خانه مروان بن حکم بود. آنجا خانه بنی امیه بود که هرگاه به مدینه می‌آمدند، در آنجا سکونت می‌کردند. هنگامی که سلیمان بن عبدالملک برای ادای حج به مکه آمد و مؤذن بر مناره اذان گفت سلیمان فرمان داد آن را خراب کنند؛ زیرا مشرف بر خانه او بود ! از آن پس مسجد شریف نبوی سه مناره داشت. این سه مناره تا سال ۵۸۰ ه. هنگامی که ابن جبیر مدینه منوره را زیارت می‌کرد، بر پا بوده است. او در

ص: ۱۰۹

وصف آن‌ها گوید: «مسجد شریف نبوی را سه مناره است؛ یکی در رکن شرقی که به صورت صومعه است و دوتای دیگر کوچک‌تر به صورت برج.»

۳- محراب

پیش از این گفتیم: مسجد شریف نبوی را محرابی که در دیوار کنده باشند، نبود. نه در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و نه در عهد چهار خلیفه بعد از او. بنابر روایات تاریخی، محراب مجوف در توسعه و تعمیر ولید بن عبدالملک، به دست عامل او بر مدینه عمر بن عبدالعزیز (۸۸- ۹۱ ه.) احداث شد. وی هنگامی که محراب را ساخت مسلمانان را دعوت کرد تا در تعیین جهت قبله شرکت جویند و گفت: بیایید در بنیان قبله خود حاضر شوید که بعدها نگویید عمر قبله ما را تغییر داد. او سنگی بر نمی‌کند مگر آنکه سنگی به جای آن می‌نهاد.

۴- درهای مسجد

مسجد شریف نبوی همان درهای اصلی چهارگانه را که داشت حفظ کرد و آن‌ها عبارت بودند از: «باب السلام»، «باب الرحمه» در دیوار غربی، «باب جبرئیل» و

ص: ۱۱۰

«باب النساء» در دیوار شرقی. مطری گوید: ولید برای مسجد شریف نبوی بیست در تعبیه کرد.

مقداری که ولید بر مسجد شریف افزود ۲۳۶۹ متر مربع بود. این آخرین توسعه‌ای بود که در عهد دولت اموی داده شد که در آن، میانِ متانت عمارت و دقت و زیبایی هنر معماریِ بدیع اسلامی جمع شده است.

ص ۱۲۲

افزوده ولید بن عبدالملک در سال ۸۸- ۹۱ ه.

ص: ۱۱۱

ششم: مسجد شریف نبوی در عهد عباسی (۱۳۲– ۶۵۶ ه.)

توسعه در عهد مهدی (۱۵۸– ۱۶۹ ه.)

پس از عمارت و تعمیر ولید بن عبدالملك، به سال ۸۸- ۹۱ ه. كه باید آن را تنها توسعه و عمارت در عهد اموی شمرد، مسجد سال‌ها به همان حال باقی بود.

چون عباسیان عهده‌دار امر خلافت شدند، ابو جعفر منصور به توسعه مسجد شریف نبوی همت گماشت ولی او پیش از آنكه دست به كاری بزند در گذشت.

چون حسن بن زید بن حسن بن علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام در ماه رمضان سال ۱۵۰ ه. بر مدینه امارت یافت، كف مرمر پوش جلو منبر را از اطراف وسعت داد تا به ستون‌ها ملحق ساخت.

هنگامی كه مهدی به خلافت رسید و در سال ۱۶۰ ه.

حج به جای آورد، به زیارت مدینه آمد و مسجد شریف نبوی را به همان حال كه بود مشاهده كرد، فرمان داد كه بر

ص: ۱۱۲

آن بیفزایند. مقصوره‌ای را که در آنجا بود خراب کرد و خواست از پله‌هایی که معاویه بر منبر افزوده بود بکاهد،

ص ۱۲۵

افزوده مهدی عباسی در سال ۱۶۵ ه. ق.

گفتند که چوب آن کهنه شده، اگر آن را از جای حرکت

ص: ۱۱۳

دهند بیم آن است که بشکند. پس آن را در جای خود رها کرد.

کار توسعه در سال ۱۶۱ ه. آغاز شد و پنج سال مدت گرفت.

توسعه مهدی چند خانه را داخل در مسجد نمود؛ همه این خانه‌ها در سمت شمالی مسجد بودند؛ زیرا توسعه فقط از یک طرف بود.

کلًا در توسعه مهدی، سطح مسجد شریف نبوی ۲۴۵۰ متر مربع شد.

مهدی آنچه را که ولید در سمت شمال افزوده بود خراب کرد و آن را، با افزودن ۵۵ ذراع، از نو بنا نمود و در این قسمت کارهای هنرمندانه بسیاری صورت گرفت و آن را با فُسَیفِساء زینت داد.

همچنین مهدی فرمان داد که مقصوره اموی را خراب کنند و کف آن را با سطح زمین برابر سازند.

مصالحی که در این زیادت به کار رفته بود، بیش از همه، سنگ‌های رخامی یا مرمر بود.

مهدی برای مسجد شریف نبوی بیست و چهار در قرار داد از این قرار:

- هشت در بر دیوار شرقی.

ص: ۱۱۴

- هشت در بر دیوار غربی.

- چهار در بر دیوار شمالی.

- چهار در بر دیوار جنوبی (قبله).

درهای دیوار جنوبی مخصوص دخول و خروج بود؛ از آن جمله دری بود که امرا از آن داخل می‌شدند، در ناحیه خانه مروان. و دری در سمت چپ قبله بود که از آن به مقصوره می‌رفتند و دری در طرف راست قبله (دَرِ بیت القنادیل) بود و دری در قبله مسجد که سلطان از آن به مقصوره می‌رفت.

درهایی که مهدی ساخته بود به مرور بسته شد، به طوری که ابن جبیر در زیارت مدینه منوره (در سال ۵۸۰ ه.) می‌گوید:

در مسجد نوزده در بود؛ از آن جمله چهار در بسته در دیوار شمالی و پنج در بسته در دیوارهای شرقی و غربی و در دیوار قبله‌ای هم یک در بسته بود.

درهای باز عبارت بودند از دو در، در دیوار شرقی؛ یعنی باب جبرئیل (باب عثمان) و باب‌النساء ودو در در دیوار غربی؛ یعنی باب الرحمه (باب عاتکه) و باب‌السلام.

دریچه خانه عمر، به دیوار قبله، در سمت چپ محراب

ص: ۱۱۵

به پنجره تحوّل یافت و آن بعد از ساختن مقصوره جدید بود که در عمارت مهدی از چوب ساخته شد، به پهنای طول رواق اول.

مناره‌های مسجد به همان حال که در عمارت ولید بن عبدالملک بودند، سرپا ماندند.

اصلاحاتی که در عصر عباسی در مسجد صورت گرفت:

۱- در سال ۱۴۰ ه. ابوجعفر منصور بر صحن مسجد سایبان قرار داد.

۲- در سال ۱۵۱ ه. والی مدینه، حسن بن زید مرمرهایی را که منبر بر آن‌ها قرار داشت، برکند و فرش مرمر را از اطراف منبر تا کنار ستون‌ها گسترش داد. این امر در عهد منصور بود.

۳- در سال ۱۹۳ ه. در عهد هارون‌الرشید، ابوالبُخْتُری‌بن وهب، والی مدینه در سقف مسجد اصلاحاتی کرد از سمت قبر شریف نبوی چنانکه بین قبله و صحن سنگ مربع شکلی قرار داد تا مانعِ نفوذ آب باران به درون مسجد شود.

۴- در سال ۲۰۲ ه. در عهد مأمون بن هارون‌الرشید،

ص: ۱۱۶

اصلاحات و ترمیمهایی در بعضی از اجزای مسجد شریف نبوی صورت گرفت.

۵- در سال ۲۴۶- ۲۴۷ ه. عهد متوکل، وی ازاری ازرخام به‌بلندی ۷۵/ ۱ ساخت وزمین رابه‌مرمرِ سفید، فرش کرد وبعضی از دیوارها را به فُسَیفِساء پوشاند.

۶- در سال ۲۸۲ ه. در عهد معتضد، بعضی اصلاحات در جانب شرقی مشرف بر صحن صورت پذیرفت.

۷- در سال ۵۴۸ ه. در عهد مقتفی، جمال‌الدین اصفهانی، وزیرِ زنگی، رخامی که بر دیوارهای قبر شریف بود برکند و این در ایام حکومت قاسم بن مُهَنّاالحسینی بر مدینه بود.

۸- درسال ۵۵۷ ه. دیواره‌ای از سرب در اطراف مرقد شریف به واسطه نورالدین‌محمودبن زنگی مشهور به «الشهید» ساخته شد.

۹- در سال ۵۶۶- ۵۷۵ ه. در عهد مستضیء، حسین بن ابی‌الهیجاء پوشش خارجی مرقد رسول اللّه را با رخام یا مرمر به پایان آورد.

۱۰- در سال ۵۷۶ ه. ناصر دیوارهای شرقی مناره شمال شرقی را تجدید کرد و گنبدی در وسط صحن برای حفظ ذخایر گرانبها؛ مثل قرآن عثمان و دیگر کتب مهم، بنا کرد.

ص: ۱۱۷

تجدید بنای دیوار شرقی در سال ۵۸۹ ه. پایان گرفت.

۱۱- در سال ۵۹۳ ه. در عهد همین خلیفه، منبرِ اموی تجدید شد.

۱۲- در سال ۶۵۵ ه. در عهد مستعصم تعمیر و اصـلاح در مسجد شریف نبوی همچنان ادامه داشت از هنگامی که مسجد دستخوش حریقی ویرانگر گردید. این حریق در اول ماه رمضان سال ۶۵۴ ه. اتفاق افتاد.

مطری گوید:

در مسجد آتش افتاد، چنان‌که در سقف آن حتی یک چوب برجای نمانـد! منبر و درها و خزائن و پنجره‌ها و مقصوره‌ها و پوشش حجره و کتابهاهمه‌سوختند ولی گنبدی که‌در وسط صحن برای حفظ ذخائرساخته بودند، باقی‌ماند. همچنین ستونها همانند تنه نخلها برپای ماندند و چون باد می‌وزید متمایل‌می‌شدند و سرب بعضـی از ستونها ذوب شد و فروافتاد. سقفی‌که بالای حجره‌بود بر بام‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله فرودآمد وهمه در درون حجره شریفه ریختند.

در سال ۶۵۵ ه. بار دیگر در اول سال تعمیر و عمارت آغاز شد ولی کار منحصر به پاکسازی مسجد از آثار حریق

ص: ۱۱۸

بود، به اضافه ساختن سقف حجره نبوی و اطراف آن تا دیوار شرقی، تا باب جبرئیل و از جنوب تا دیوار قبله و از غرب تا منبر، ولی با پایان گرفتن دولت عباسی در بغداد بر اثر استیلای مغول در سال ۶۵۶ ه. کار عمارت مسجد متوقف ماند.

ص: ۱۱۹

فصل چهارم: مسجد شریف نبوی در سالهای ۶۵۶- ۱۳۴۴ ه.

اشاره

ص: ۱۲۰

ص: ۱۲۱

اول: مسجد شریف نبوی در عصر ممالیک بحری (۶۵۶- ۷۸۴ ه.)

کوشش عباسیان در عمارت و توسعه مسجد شریف نبوی، با سقوط آن دولت به دست مهاجمان مغول در سال ۶۵۶ ه.- چنانکه گفتیم- به پایان رسید و از آن پس، این وظیفه بر عهده ممالیک بحری (۱) ۱۰ مصر قرار گرفت.

سلطان نورالدین بن عزالدین ایبک صالحی در ۶۵۶ ه.

دست به این کار زد و کار او، به گونه‌ای که شرح خواهیم داد، ادامه یافت:

۱- - ممالیک جمع مملوک است به معنی غلام و بیشتر به غلامان سفیدپوست اطلاق شود سلسله‌ای از غلامان ترک و چرکسی بر مصر حکومت کردند از سال ۶۴۸ هجری تا ۹۲۲ هجری. ممالیک دو طبقه‌اند: بحری و برجی. ممالیک بحری از ۶۴۸ تا ۷۹۲ هجری حکومت کردند. (مترجم).

ص: ۱۲۲

۱- در سال ۶۵۶ ه. پادشاه یمن، المظفر شمس‌الدین، به جای منبری که در آتش سوخته بود منبری به مسجد شریف نبوی فرستاد و در این برهه کار تعمیر ونوسازی تا باب‌السلام در دیوار غربی ادامه یافت.

۲- در سال ۶۵۷- ۶۵۸ ه. در عهد سلطان سیف‌الدین قطز کار در سمت جنوبی به پایان رسید؛ از باب‌السلام و باب‌الرحمه در جانب غربی تا باب جبرئیل و باب‌النساء در جهت شرقی.

۳- در سال ۶۶۱ ه. در عهد بیبرس بندقداری آنچه در مسجد باقی مانده بود و نیاز به بازسازی داشت پایان گرفت و سقفی روی سقف ساخته شد؛ همچنان‌که پیش از این‌بود.

جز اینکه سقف شمالی فقط یک سقف بود. مناره‌ها و درها و مخازن و همه اثاث مسجد تجدید شد و مصالح پی در پی به مدینه ارسال می‌شد، هر بارکه به آنها نیاز می‌افتاد.

۴- در سال ۶۶۶ ه. بیبرس منبری به مسجد فرستاد و ضریحی از چوب به بلندی ۵/ ۳ متر بساخت که سه در داشت و آن را در اطراف مرقد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و آنجا که به خانه فاطمه علیها السلام معروف است قرار داد. این واقعه به سال ۶۶۸ ه. اتفاق افتاد.

ص: ۱۲۳

۵- در سال ۶۷۸ ه. در عهد سلطان المنصور سیف‌الدین قلاوون الفی صالحی، به جای سقف حجره شریفه، گنبدی بلند، برای اولین بار، به قصد محفوظ ماندن حجره از نزول باران بر آن ساخته شد.

در زمان قلاوون نیز متوضایی برای وضو گرفتن نمازگزاران ساخته شد، در خارج مسجد نزدیک باب‌السلام، به سال ۶۸۶ ه.

۶- در سال ۶۹۴ ه. در عهد سلطان زین‌الدین کتبغا، مقصوره چوبی، به شکل پنجره‌ای مشبک میان آن و سقف تکمیل گردید.

۷- در سال ۷۰۱ ه. در عهد سلطان ناصر محمدبن قلاوون اصلاحات و تعمیرات چندی در مسجد شریف نبوی صورت گرفت. سقف روضه اصلاح شد و در خلال سال‌های ۷۰۵- ۷۰۶ ه. سقف رواق‌های شرقی و غربی صحن اصلاح گردید. شیخ‌الحرم در عهد خود، مناره باب‌السلام را در سال ۷۰۶ ه. بنا نمود و از ذخایر حرم شریف نبوی و نیز از وجهی که از فروش ذخایر آن به دست آمده بود، هزینه آن را پرداخت. در سال ۷۲۹ ه.

در عهد این سلطان بر قسمت مسقف سایبان قبله اضافه شد و در کنار این صحن دو رواق موازی با دیوار

ص: ۱۲۴

قبله با طاق‌هایی که تا آن زمان در آنجا معهود نبود ساخته شد.

کارهایی که سلطان ناصر قلاوون در مسجد شریف نبوی انجام داد، با آنچه ملوک پیش از او کرده بودند، فرق داشت. این کارها نه در یک زمان بود و نه در مراحل مختلف به یک صورت.

۸- در سال ۷۵۵- ۷۶۲ ه. در عهد سلطان ناصر حسن‌بن محمد بن قلاوون، برخی اصلاحات در مسجد صورت گرفت و صفحات سربی که بر گنبد حجره شریفه بود تجدید شد.

۹- در سال ۷۶۵ ه. در عهد سلطان شعبان بن حسین بن ناصر محمد بن قلاوون گنبدی که بر مرقد شریف بود بار دیگر تعمیر شد و توسط سلطان شعبان در سال ۷۶۵ ه. و دو سال بعد؛ یعنی در سال ۷۶۷ ه. برای مسجد شریف شرفه‌هایی ترتیب داده شد.

این کارهایی که سلطان شعبان در مسجد شریف نبوی به انجام رسانید، آخرین کارهایی بود که در عصر ممالیک بحری در آنجا صورت گرفته است.

ص: ۱۲۵

دوم: مسجد شریف نبوی در عصر ممالیک چرکسی (۷۸۴- ۹۲۳ ه.)

اشاره

از آغاز عصـر ممالیك چرکسـی، اهتمام به عمارت مسجد شریف نبوی همچنان ادامه داشت. پیش از عمارت مسجد از سوی سلطان اشـرف قایتبای، این ممالیك همه همّشان این بود که آنچه را که اسـلافشان یعنی سـلاطین بحری، در مسـجد انجام داده‌اند، همچنان نگهداری شود و در حفظ و حراست و ترمیم و تجدید آن‌ها، هرگاه نیاز افتد، اقدام نمایند. اینك مهمترین کارهای عمرانی ایشان را به اختصار می‌آوریم:

۱- در سال ۷۹۷ ه. در عهد سلطان برقوق بن انس (نخستین از سلاطین چرکسی) وی برای مسجد شریف نبوی منبری فرستاد.

۲- در سال ۸۲۰ ه. در عهد سلطان مؤید ابونصر شیخ‌المحمودی، وی منبر دیگری ارسال داشت که به جای منبر برقوق نهاده شد. (۱) ۱۱

۱- - این منبر در آتش سوزی دوم که در مسجد النبی در سال- ۸۸۶ هجری. رخ داد، سوخت. شرح این واقعه را بعد از این خواهیم نوشت.

ص: ۱۲۶

۳- در سال ۸۳۱ ه. در عهد سلطان برسبای دقماقیِ ظاهری، اصلاح و تعمیر دو رواق مشرف بر صحن به پایان رسید.

۴- در سال ۸۵۲ ه. در عهد سلطان چقمق (الظاهر سیف‌الدین ابوسعید چقمق علایی ظاهری) مسجد شریف احتیاج به تعمیر دیگری پیدا کرد. چقمق سقف مسجد، بخصوص منطقه روضه شریفه را تجدید کرد و دری در سمت شمالی آنجا که مقصوره چوبی واقع است باز کرد.

این مقصوره را بیبرس بندقداری ساخته بود و بر بالای آن رفهایی ساخت و زمینش را تا حد صحن به رخام (مرمر) فرش نمود.

همچنین زمینِ بین مقصوره و دیوار عمر بن عبدالعزیز بر گرد مرقد شریف را به رخام رنگارنگ مفروش ساخت.

در این سال ازار دیوار قبله از رخام ساخته شد و به بقایای رخامِ موجود در محراب عثمانی متصل گردید.

۵- در سال ۸۶۱ ه. در عهد اشرف اینال طوغان شیخْ محرابی، ویژه پیروان مذهب حنفی برپا داشت (این محراب بعدها به «المحراب السلیمانی» موسوم شد).

ص: ۱۲۷

محراب حنفیان بر سمت راست روضه شریفه در موضعی کمی پایین‌تر از موضع امروزین آن بنا شد.

۶- بین سال‌های ۸۷۹- ۹۱۰ ه. اشرف قایتبای قبل و بعد از حریق مسجد شریف نبوی تعمیرات مفصلی در مسجد شریف انجام داد. از این قرار:

اولین تعمیر قایتبای در مسجد شریف نبوی در (۸۷۹- ۸۸۱ ه.)

مسجد شریف نبوی به بازسازی و تعمیر اساسی نیاز داشت که این کار در سال ۸۷۹ ه. صورت گرفت بدین نحو که طاق‌های مشرف بر صحن در جانب شرقی و در پی آن سقف رواق تخریب گردید و آنگاه ستون‌ها با استفاده از سرب تجدید شد. همچنین در دیوار شرقی، از مِئذنه شمال شرقی (سنجاریه) تخریب کلّی صورت گرفت و از نو بناگردید. این تعمیرات به شیوه تازه‌ای انجام می‌شد؛ زیرا دیوارها را به گِل و آهک و ماسه برآوردند و سقف را از داخل و خارج، از سنگ و گچ ساختند. کار بازسازی بر عهده شمس‌الدین بن الزمن قرار گرفت. مدت یک سال کارها متوقف شد و این به سبب اختلاف آراء درباره تجدید حجره شریفه بود. ولی بار دیگر در ماه

ص: ۱۲۸

جمادی‌الأُولی سال ۸۸۱ ه. از نو آغاز شد. این کار نیز بر عهده شمس‌الدین بود. او سقف روضه مطهره، همچنین گنبد مرقد نبوی را تجدید بنا کرد. و سقف بالایی روضه را بالاتر برد و قسمتی از سقف غربی منبر را.

بنای نخست عبارت بود از پل‌های چوبی که بر پایه‌های سنگی بالای تاج ستون‌ها کار گذاشته شده بود. پل‌های چوبی تبدیل به طاق‌های آجری گردید؛ به همان منوال طاق‌های صحن. این امر سبب شدکه سقف این‌منطقه از دیگر سقف‌های جناح قبله- با وجود آنکه آن‌ها را دو سقف بود- بالاتر رود. سقف‌های دیگر هم بر همین حال سقف پایین رواق شرقی و مشرق مرقد نبوی و سقف رواق از باب جبرئیل و باب‌النساء، همچنین سقف پایین مقابل مرقد نبوی در جانب جنوبی که بر آن نام «الظاهر بیبرس» نوشته شده است. به همین منوال بود قسمتهایی از سقف جناح شمالی. رأی ناظر بنابراین قرار گرفت که سقف قدیم حجره شریفه خراب شود و گنبد کوچک آن با سنگ بازالت ساخته شود و بالای آن را از سنگ آهکی به سبب محکمی آن برآورند و آن را بالا بردند تا به قوس سقف بلند مسجد رسید.

پس از اینگونه کارهای محکم‌کاری، نوبت به آراستن و

ص: ۱۲۹

تزیین مسجد رسید. مرمرهای حجره نبوی را برداشتند و مرمرهای سفید و قرمز (سماقی) کارگذاشتند. مرمر قبله را نیز تعویض کردند و حاشیه‌ای که بالای مرمر مذکور بود، به وضع بهتری تجدید کردند. مقصوره چوبی اطراف مرقد شریف را نیز از نو ساختند. (۱)

۱۲ سلطان قایتبای هنگامی که به زیارت مدینه منوره آمد پیش از بجای آوردن حج، در ۲۲ ذی القعده سال ۸۸۴ ه.

این کارها را پایان داد. ورود او به مدینه چون ورود مردم متّقی بود. هنگام دخول به شهر پیاده شد و به حجره شریف نبوی قدم ننهاد و گفت: اگر ممکن بود برای زیارت دورتر از این موضع بایستم چنان می‌کردم. و این به سبب توقیر و اجلال آن مکان شریف بود.

دوّمین عمارت قایتبای در مسجد شریف نبوی (۸۸۶– ۸۸۹ ه.)

مسجد شریف نبوی همچنان تعمیرات و بازسازی‌های اولیه قایتبای را، که ابن‌الزمن در پایان سال ۸۸۱ ه. انجام داده بود، حفظ کرد تا اینکه پس از مدت کمی، در اثر

۱- – این مقصوره نیز در حریق دوم مسجد به سال ۸۸۶ ه. آتش گرفت.

ص: ۱۳۰

صاعقه‌ای که به مِئذنه جنوب شرقی فرود آمد، دستخوش حریق شد. این واقعه در ۱۳ ماه رمضان سال ۸۸۶ ه. اتفاق افتاد. با آنکه سمهودی هنگام حریق در مدینه حضور نداشت و به مکه رفته بود تا از آنجا برای دیدن زن و فرزندش به مصر رود ولی شرح دقیقی از علّت حریق و کیفیت مهار آن و کار ساختمان مسجد برای ما ذکر کرده است. (۱) ۱۳ او زیارت مکه را قطع کرد تا برای شرکت در عمارت مسجد شریف، به مدینه بازگردد.

سمهودی می‌گوید: در این حریق جز گنبد داخلی بر مرقد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که قایتبای ساخته بود، جایی سالم نماند. منبر و مقصوره سوخت و بیشتر طاق‌ها و ستون‌ها فرو ریخت، اگر چیزی هم باقی ماند، درشرف سقوط بود.

او به سلطان اشرف قایتبای، در اوایل ماه رمضان سال ۸۸۶ ه. نامه نوشت. سلطان سخت بیمناک شد و در همان ماه فرمان داد که بی‌درنگ مسجد را از آثار حریق پاکیزه سازند. همچنین کاری را که در تعمیر مسجدالحرام آغاز کرده بود تعطیل کرد و گفت که همه آلات عمارت را به

۱- - برای آگاهی بیشتر از دلایل آتش سوزی و اینکه چه چیزی سبب‌شد بر مسجد شریف تلفاتی وارد شود، نک: سمهودی، وفاء الوفا، ج ۲، ص ۶۳۳- ۶۴۷

ص: ۱۳۱

مدینه منوره ارسال دارند و دو گروه از کارگران را نیز فرستاد.

گروه اول: حدود صد تن از استادانِ بنّا و نجار و چوب‌بر و نقاش و حجّار و کنده کار وآهنگر و سنگ‌بر. بااین گروه ناظر تعمیرات مکه، سنقرالجمالی و برادرش شاهین الجمالی نیز همراه بودند.

گروه دوم: مرکب از سیصد صنعتگر بود که از قاهره با مواد لازم برای بنا آمدند. به اشراف و نظارت شمس‌الدین بن الزمن. او پیش از وقوع حریق کار آبادسازی مسجد شریف نبوی را بر عهده گرفته بود که پیشتر از او یاد کردیم.

معماران به سرعت دست به کار شدند و مناره جنوب شرقی را تا پیِ آن، خراب کردند. همچنین دیوار خارجی را، از باب جبرئیل در جهت شرقی تا باب‌الرحمه در جهت غربی. مناره را به شیوه و شکل مناره‌های ممالیک مصر ساختند. بارو را نیز تجدید بنا کردند و دیوار را کمی از پیش بلندتر برآوردند و محراب را در دیوار قبله (محراب عثمانی) توسعه دادند و ستون‌های تازه کار گذاشتند که در بالای آن‌ها طاق‌های آجری بود و بر سر آن‌ها سقفی از چوب، به گونه‌ای که فضای خالی جلو محراب تا دیوار قبله را پوشید و ستون دیگری بر ستون‌های حامل محراب

ص: ۱۳۲

افزودنـد و گنبـد بزرگی ساختنـد بر روی پایه‌هـای سـنگی و طاق‌های آجری بر روی مرقـد شـریف نبوی. نتیجه این کار آن شـد که فضای خالی میان دیوار خارجی شـرقی و بناهای تازه‌ساز تنگ شد و لازمه آن توسعه دادن فضا به سوی عرض دیوار سابق بود. باب جبرئیل در مکان خود باقی ماند. میان گنبد غرفه نبوی و دیوار جنوبی سـقف زده شد و آن سقف عبارت از یک گنبد بزرگ بود و سه گنبد دیگر اطراف آن در جوار این گنبدها و مئذنه اصلی فضای بازی بود برای روشنایی و تهویه.

مئذنه مذکور را دری در دیوار غربی قرار دادند که در آغاز، آن در در دیوار شـمالی بود. همچنین جلو باب‌السـلام داخل مسجد دو گنبد ساخته شد. در مذکور را به مرمرهای سفید و سیاه پوشیدند و به انواع زیورهای بدیع بیاراستند.

محرابی در مکـان مصـلای رسـول اللّٰه ساختنـد و محراب قبلـه (محراب عثمـانی) را بـه رخـام یـا مرمر مزیّن کردنـد و مقصـوره‌ای با شبکه‌های مسـین نهادنـد و منبر و دکه‌ای از مرمر ترتیب دادند و دکه‌ای دیگر در رواق‌های شـرقی میان باب‌النساء وانتهای مسـجد، و دیگری در رواق‌های غربی میان باب‌الرحمه و انتهای مسـجد نیز. همان‌گونه خزاینی در دیوار شـرقی به اضافه روزن‌هایی دائره‌شـکل در بالای

ص: ۱۳۳

دیوار. دردیوار جنوبی (دیوار قبله‌ای) روزن‌ها برخی از آجر ساخته شده بود و برخی از سنگ‌های تراشیده. سبب ساختن این روزن‌ها آن بودکه با وجود طاق‌ها نور در درون رواق‌هاکم شده بود. سپس روزن‌ها را در سمت قبله بستند مگر همان روزنی که در منطقه محراب عثمانی بود.

روزن‌ها را پنجره‌های کوچک مسی بود با شیشه.

این کارها در ماه ذی القعده سال ۸۸۸ ه. انجام پذیرفت. همچنین دیوارهای مرقد نبوی با مرمر پوشیده شد.

ارتفاع مسجد از زمین ۲۲ ذراع (۱۱ متر) بود. کارهای مربوط به سقف مسجد در اواخر ماه رمضان سال ۸۸۸ ه.

به پایان رسید.

در ماه ذی القعده سال ۸۸۹ ه. بهاءالدین ابوالبقاء ابن الجیعان با چند نقاش برای رنگ کردن سقف مسجد با لاجورد بیامد و همچنین مسجد را به قندیل‌ها و چلچراغ‌ها بیاراست و در کتابخانه‌ای که برای آن ترتیب داد، قرآن‌های نفیس نهاد.

هنگامی که کارها رو به پایان بود، سلطان قایتبای رباط و مدرسه‌ای چسبیده به دیوار غربی مسجد، میان باب‌السلام و باب‌الرحمه بنا کرد و مئذنه کوچکی که بعدها به مئذنه

ص: ۱۳۴

باب‌الرحمه مشهور شد بساخت.

انـدکی پیش از پایان یافتن این کارها معلوم شـد در گنبـد بالایی مرقـد شـریف شـکافی پیـدا شـده، همچنین در مئذنه شـرقی (مئذنه بزرگ اصلی). پس گنبد را خراب کردند و از نو ساختند و مئذنه را هم تا آخر خراب کردند و زمین را گود کردند و از آنجا بنیانی قوی، به سـنگ اسـتوار شـده برآوردنـد و بر روی آن مئـذنه را ساختنـد. و این همان مئذنه‌ای است که امروز هم برپاست. ارتفاع آن ۱۲۰ ذراع (۶۰ متر) است. این کار در سال ۸۹۱- ۸۹۲ ه. صورت پذیرفت. مشرف و ناظر این بناها شاهین‌الجمالی بود.

در ۱۹ صفر سال ۸۹۸ ه. صاعقه‌ای بر یک طرف این مئذنه فرود آمد. قسمتی از سنگهایش را پراکنده ساخت ولی مسجد از خسارت در امان ماند. سلطان قایتبای در ماه ربیع‌الآخر سال ۸۹۸ ه. فرمان داد که آن زیان‌ها را جبران کنند.

مسـجد شـریف نبوی پس از آبـادانیِ دومِ قایتبـای، شامـل هفت رواق در جانب قبله بود و چهار رواق در جانب غربی و سه رواق در جانب شرقی و چهار رواق در جانب شمالی.

سلطان قایتبای ۱۲۰ متر مربع به مساحت مسجد افزود.

این کارها آخرین کارهای عمرانی در عهد اشرف

ص: ۱۳۵

قایتبای بود، یا بکلّی در عهد ممالیک چرکسی که دولتشان به دست عثمانیان، به سال ۹۲۳ ه. پایان گرفت.

سوم: مسجد شریف نبوی در عهد ترکان عثمانی (۹۲۳- ۱۳۳۶ ه.)

مرمّتها و اصلاحات

اشاره

از جستجو در منابع تاریخی چنان برمی‌آید که آخرین اصلاحات در مسجد شریف نبوی به دست سلطان قایتبای صورت گرفت. عثمانیان در سال ۹۲۳ ه. بر مصر مستولی شدند و به حکومت ممالیک پایان دادند، سپس بلاد حجاز را نیز تصرف کردند و از آن پس امور بازسازی و توسعه اماکن مقدسه برعهده آنان قرار گرفت. آنان اقدامات ممالیک را در توسعه و ترمیم مسجد شریف ارج نهادند و در مواقع نیاز خود آن را ادامه دادند. از این قرار:

۱- در عهد سلطان سلیمان قانونی (۹۲۶- ۹۷۴ ه)

او اوّلین کسی بود که اقدامات ترمیمی در مسجد شریف

ص: ۱۳۶

نبوی را صورت داد. محمد بن خضر رومی (م ۹۵۹ ه) این ترمیمات را به شروح زیر وصف می‌کند: نخست تعمیر باروی مدینه بود که بنای آن هفت سال از ۹۳۹ تا ۹۴۶ ه.

مدت گرفت. سلطان سلیمان در سال ۹۴۰ ه از مهندس مشرف بر سور خواست که ترمیمات و اصلاحاتی هم در باب‌السلام به انجام رساند. ولی اصلاحات مهم در عهد سلطان سلیمان قانونی در سال ۹۴۷ ه. آغاز شد، که شامل باب‌الرحمه و باب‌النساء بود. مئذنه شمال شرقی (السنجاریه) را خراب کردند و به جای آن مئذنه سلیمانیه را ساختند. عمق پیِ آن سیزده ذراع بود (هر ذراع ۶/ ۵۶ سانتی‌متر برابر با ۵۳/ ۸ متر) و عرض پیِ ۷ ذراع در ۷ ذراع (معادل ۵۹/ ۴ متر) و در سطح زمین ۶ ذراع در ۶ ذراع (۹۳/ ۳ متر). بر باب‌الرحمه و باب‌النساء تاریخ بنا و نام سلطان نوشته شد. همچنین دیوارها و ستون‌ها را سفید کردند و نام سلطان را بر سقف مجاور دیوار غربی نوشتند.

سلطان تمام مصالح بنا را بر پشت اشتران و دیگر چارپایان بفرستاد و جمعی از بنّایان و حجّاران و کنده‌کاران را، با هرچه هزینه کارشان می‌شد، روانه داشت.

در سال ۹۴۶ ه. هلالهای ممالیک را، که سرگنبد شریف و مناره‌ها بود، برکندند و هلالهای مسین مطلّا به

ص: ۱۳۷

جای آنها نهادند و یک هلال بر منبر گذاشتند و بر سر هر مناره یک هلال نصب کردند.

محمد خضر گوید: می‌گویند طلایی که برای هلالها مصرف شده بود، از طلای مسکوک سلیمانی هزار و هشتصد دینار بود. و نیز نام مهندسان، مشرفان و ناظران بنا را بر دیوارها، کتیبه کردند.

در ۱۷ ماه محرم سال ۹۴۸ ه محراب حنفی‌ها را در مکان محراب طوغان شیخ (که پیش از سال ۶۸۰ ه ساخته شده بود) برپای داشتند تا محاذی محراب شافعیان در جانب شمال غربی روضه شریفه و در جانب راست منبر شریف و محاذی محراب شریف نبوی باشد. امام حنفیان در محراب جدید به نماز ایستاد. این واقعه در ۱۲ ربیع‌الأول سال ۹۴۸ ه. بود.

در سال ۹۷۴ ه. اصلاحات و ترمیمات چندی در مسجد نبوی صورت گرفت. مهمترینشان نوسازی همه دیوار غربی بود از باب‌الرحمه؛ زیرا بیشتر آن فرو افتاده بود. نیز مرمرکاری روضه شریفه و آوردن پوششی بافته برای حجره شریف نبوی. نیز گنبد شریف نبوی اصلاح شد و بر سقف جانب غربی مسجد چند گنبد کوچک ساختند.

همچنین در سال ۹۷۴ ه. گنبد صحن که در سال ۵۷۶ ه.

ص: ۱۳۸

ص ۱۵۰

نقشه مسجد نبوی از کتاب «دلیل الحاج» که به زبان ترکی است در کتابخانه سلیمانیه استانبول در نیمه قرن ۱۶ م.

ص: ۱۳۹

ساخته شده بود تجدید بنا گردید.

کارهای عمرانی سلطان سلیمان قانونی در مسجد نبوی، در مدت ۳۳ سال منحصر به تجدید و ترمیم در بسیاری از اجزای آن بود. و تا مدتی دراز، رونق و شکوه خود را حفظ کرد.

۲– در عهد سلطان سلیم بن سلیمان (۹۷۴– ۹۸۲ ه.)

وی بعضی از ترمیمات و اصلاحاتی را، که در عهد پدرش به پایان نرسیده بود، کامل کرد و محراب موجود در غرب منبر را با فُسَیْفِساء منقوش به آب طلا پوشید. و نام خود را به خط ثلث، داخل گنبد، در جهت قبله نقش نمود.

۳– در عهد سلطان مراد سوم (۹۸۲– ۱۰۰۳ ه.)

در سال ۹۹۴ ه. مردم مدینه شکایت‌ها نوشتند که بر دیوار مسجد نبوی شریف زیان‌هایی وارد آمده و نیاز به ترمیم و اصلاح دارد. سلطان در حال، فرمان داد دیوار شرقی را که کج شده بود و ایجاد خطر می‌کرد خراب کنند و آن را از باب‌النساء تا مناره شمال‌شرقی (السنجاریه) تجدید بنا کنند. هزینه آن را از آنچه در خزانه مسجد شریف گردآمده بود و بهای ذخائر و قندیل‌ها و دیگر زیورها

ص: ۱۴۰

حاصل کردند.

در سال ۹۹۶ ه. در مدینه منوره زلزله آمد و موجب شد که سقفهای مسجد نیاز به ترمیم پیدا کند. در سال ۹۹۷ ه. دیوارها را سفید کردند و رنگ ستونها را تجدید کردند.

اما مهمترین کارهای سلطان مراد که باید آن را تاج کارهای او برشمرد، منبرِ رخامیِ بدیعی بود که در سال ۹۹۸ ه. به مسجد شریف فرستاد. این منبر هنوز برپا است و از هنر و ابداعات عثمانیان حکایت می‌کند. این منبر را دوازده پله است؛ سه پله بیرون دَر و نُه پله داخل آن.

۴- در عهد سلطان احمد اول (۱۰۱۲- ۱۰۲۶ ه.)

به‌مسجد شریف نبوی لوحه‌ای از نقره اهدا شد که آن را در جانب جنوبی مقصوره کار گذاشت و بر آن تاریخ ۱۰۲۶ ه. نقش شده‌بود.

۵- در عهد سلطان مراد چهارم (۱۰۳۲- ۱۰۴۹ ه.)

بعضی از اجزای سقف مقدّمِ مسجد، آنجا که در کنار صحن است، به تجدید بنا نیاز داشت. پس مقرر شد که سه رواق برای سایبان در سمت قبله، آنجا که در کنار صحن

ص: ۱۴۱

است، بیفزایند. والی مصر مکلّف به تعمیر آن شد. از مصر

ص ۱۵۲

نقشه مسجدالنبی، گنبد مرقد حضرت فاطمه علیها السلام و خزانهٔ النبی صلی الله علیه و آله

ص: ۱۴۲

کارگران لازم را فرستادند. در سال ۱۰۴۴ ه. به پایان رسید.

این سقف وقتی تعمیرات لازم در آن به عمل آمد، از آنچه در عهد قایتبای و سلیمان قانونی و مراد سوم کرده بودند، برتر آمد. (۱) ۱۴

۶- در عهد سلطان محمد چهارم (۱۰۵۸- ۱۰۹۹ ه.)

سلطان محمد چهارم به تجدید بنای مناره باب‌السلام، که در سال ۷۰۶ ه. ساخته شده بود، فرمان داد؛ زیرا به این تجدید بنا نیاز بود. او احمدپاشا، والی مصر را مکلّف ساخت که از نقدینه و مصالح هرچه لازم است ارسال دارد.

و نیز برخی مواضع حرم شریف نبوی را ترمیم نمود.

۷- در عهد سلطان مصطفای دوم (۱۱۰۶- ۱۱۱۵ ه.)

در این عهد برخی اصلاحات در سقف‌ها انجام گرفت و پاره‌ای از مواضع مسجد تجدید بنا شد. همچنین در منطقه روضه شریفه به سال ۱۱۱۱ ه. ترمیمات و تجدیداتی صورت پذیرفت.

۱- - به شکل صفحه پیش بنگرید. نقشه مسجد شریف نبوی در سال ۱۵۸۲ م.

ص: ۱۴۳

۸- در عهد سلطان احمد سوم (۱۱۱۵- ۱۱۴۳ ه.)

در زمان احمد سوم فقط سقف سایبان غربی در سال ۱۱۳۳ ه. تجدید شد؛ زیرا ۱۲ ستون آن در حال از بین رفتن بود و ترمیماتی در قسمت انتهایی انجام شد.

۹- در عهد سلطان محمود اول (۱۱۴۳- ۱۱۶۸ ه.)

در عهد این سلطان، رواقی در سمت قبله، در سال ۱۱۴۹ ه. اضافه شد و با چند گنبد، بنای نزدیک به آن را سقف زدند.

۱۰- در عهد سلطان عثمان سوم (۱۱۶۸- ۱۱۷۱ ه.)

برخی از قسمتهای سقف‌های مسجد محتاج به ترمیم و اصلاحات دیگر بود که در سال ۱۱۷۰ ه. صورت گرفت.

۱۱- در عهد سلطان عبدالحمید اول (۱۱۸۷- ۱۲۰۳ ه.)

در این عهد تعمیرات زیادی در مسجد صورت گرفت.

زمین مسجد را از باب‌السلام تا باب‌المئذنه در جنوب شرقی (الرئیسیه) با مرمر فرش کردند. ستون‌های صف اول داخل روضه را نیز با مرمر آراستند. این اصلاحات در سال ۱۱۹۱ ه. انجام پذیرفت. در سال ۱۱۹۸ ه. اصلاحاتی

ص: ۱۴۴

در محراب عثمانی کردند؛ زیرا در آن ریختگی‌هایی پدیدار شده بود. هنگام‌اصلاح سعی‌کردند همه کتیبه‌هایی که بر آن در زمان‌های مختلف نوشته شده بود سالم بماند یا بار دیگر عیناً اعاده شود. سپس در سال ۱۲۰۱ ه.

باب‌الرحمه و باب جبرئیل را نیز تجدید بنا کردند.

۱۲- در عهد سلطان سلیم سوم (۱۲۰۳- ۱۲۲۲ ه.)

او ضمن کارهایی که در سر ستون‌ها کرد، فرمان داد تا قصیده‌ای را که به ترکی در مدح پیامبر صلی الله علیه و آله سروده بود، بر بالای ستون‌ها نوشتند. و در سال ۱۲۱۲ ه. باب جبرئیل را بار دیگر تجدیدکرد و خلل‌هایی‌که بر سقفهای مسجد و دیوارها و مئذنه‌ها پیدا شده بود، اصلاح کرد و این کارها به سال ۱۲۱۵ ه. بود.

۱۳- در عهد سلطان محمود دوم (۱۲۲۳- ۱۲۵۵ ه.)

مهمترین کاری که او کرد، تجدید گنبد شریف بود که در عهد اشرف قایتبای (از ممالیک) به سال ۸۸۹ ه. ساخته شده بود. او آن گنبد را خراب کرد و به جای آن گنبد تازه‌ای پوشیده از سرب بنا کرد و رنگ آن را که آبی بود، سبز کرد.

ص: ۱۴۵

و این در سال ۱۲۲۸ ه. بود. این گنبد همان است که امروز آن را مشاهده می‌کنیم. همچنین جاهایی از زمین را به مرمر فرش کرد و اصلاحاتی در جانب شمالی به‌وجود آورد. این مطلب را «بورکارد» که در سال ۱۲۳۰ ه. مدینه را زیارت کرد، نوشته است. همچنین دیوارهای خارجی قبر شریف را به بورسلان پوشید. هنگامی که ابراهیم پاشا حاکم مصر در حجاز والی جده بود و مدینه منوره هم در قلمرو او بود، در عهد سلطان محمود به عمارت مسجد شریف نبوی قیام کرد. این امر در سال ۱۲۳۳ ه. صورت پذیرفت.

سلطان محمود قصد داشت بر همه سقف‌ها گنبد نهد.

در سال ۱۲۳۵ ه. وسایل کار را از آستانه (استانبول) به مدینه آورد ولی شیخ حرم نبوی مانع این کار شد؛ زیرا می‌ترسید گنبد شریف به سبب خراب کردن سقف‌های مجاور آن آسیب ببیند. بنابراین مهندسی که آمده بود به ترمیم قسمت پایانی مسجد و چند مئذنه اکتفا کرد و این در سال ۱۲۳۶ ه. بود.

اعمال ترمیم و تجدید در عهد این سلطان در سالهای ۱۲۴۵- ۱۲۵۵ ه. ادامه یافت و رنگ کردن گنبد شریف به رنگ سبز در سال ۱۲۵۵ ه. پایان گرفت.

ص: ۱۴۶

بورکارد به هنگام دیدارش در سال ۱۲۳۰ ه. از مسجد شریف نبوی، یعنی پیش از عمارت سلطان عبدالمجید اول، وضع مسجد را در عهد سلطان محمود دوم چنین وصف می‌کند (۱) ۱۵:.

مسجد را ده رواق در جانب قبله است (یعنی سه رواق بیشتر از عمارت قایتبای) این بخش از اهتمام و توجه بسیار بهره‌مند شده است.

چهار رواق در جانب غربی و در هر جانب شمالی و شرقی نیز سه رواق هست.

ستون‌های مسجد قطرهای متفاوت دارد.

ستون‌های روضه از پایین تا نصف آن در رخام پوشیده است با آرایش‌های نباتی.

سقف را گنبدهای کوچکی است.

دیوارها رنگ سفید دارد، جز دیوار قبله‌ای که از مرمر است و بر آن کتیبه‌هایی نوشته‌اند.

زمینِ جناحِ قبله‌ای در مرمر پوشیده شده و نزدیک قبر به موزائیک.

در دیوار قبله‌ای پنجره‌های بزرگ است با شیشه‌های

۱- ۱. -۰۳۳: Burcrckhyd ,pp

ص: ۱۴۷

رنگین و در دیوارهای دیگر پنجره‌های کوچک است ولی

ص ۱۵۸

تابلویی کم نظیر از مسجدالنبی صلی الله علیه و آله مربوط به سال ۱۸۵۳ م.

ص: ۱۴۸

بدون شیشه.

حجره قبر شریف و اطراف آن را گنبد بزرگی پوشیده است.

صحن، مفروش از رمل است. در وسط آن بنایی است کوچک با گنبدی که جای چراغ‌هاست. آن را «قبۀالذخائر» گویند.

مسجد را چهار درِ اصلی است: باب‌السلام، باب‌الرحمه، باب جبرئیل و باب‌النساء. اطراف باب‌السلام پوشیده از رخام بورسلان (قیشانی) است و بر آن کتیبه‌هایی است به آب طلا.

۱۴- درعهد سلطان عبدالمجید اول (۱۲۵۵- ۱۲۷۷ ه.)

اشاره

کارهای عمرانی سلطان عبدالمجید در مسجد شریف نبوی، نه در عهد عثمانیان سابقه داشته و نه پیش از آن؛ زیرا تعمیرات او سراسر مسجد، جز حجره شریف نبوی و محراب‌های سه‌گانه و منبر ومناره اصلی را در بر گرفت.

عمران مسجد دوازده سال، یعنی از ۱۲۶۵- ۱۲۷۷ ه.

مدت گرفت. در سبب عمارت، برزنجی چنین گوید:

در سال ۱۲۶۳ ه. چهارصد سال از عمارت سلطان قایتبای در مسجد شریف نبوی گذشته بود. بنابراین

ص: ۱۴۹

برخی از سقف‌ها و ستون‌ها در شرف خرابی بود و نیاز به تعمیر و تجدید داشت. این امر سبب شدکه شیخ‌الحرم داودپاشا و اعیان مدینه‌منوّره نامه‌ای به سلطان عبدالمجید نوشتند و در آن از شکستها و شکاف‌هایی که در دیوارها و گنبدها پدید آمده و احتمال خطر سقوط آنها می‌رفت شرح مفصلی دادند.

از سوی سلطان در اجابت شیخ‌الحرم و اعیان مدینه منوره به سال ۱۲۶۳ ه. مقرر شد که یکی از رجال دولتی با یکی از مهندسان متخصص برای تفحص در امر مسجد به مدینه آیند. ورود این هیأت در سال ۱۲۶۵ ه. بود. اینان صحت ادعا را تصدیق کردند و به این مهم همت گماردند. قضا را در همان سال یکی از گنبدهای مسجد بر سر گروهی از زوار رسول اللَّه صلی الله علیه و آله هنگام زیارت فرو ریخت و سبب مرگشان شد.

اینان پس از مشاهده وضع مسجد به آستانه (استانبول) بازگشتند و سلطان عبدالمجید را از ضرورت عمارت و تجدید بنا در مسجد شریف نبوی آگاه نمودند وگفتند تأخیر بیش ازاین روا نیست. سلطان فرمان عمارت مسجد را صادر کرد.

ص: ۱۵۰

سلطان عبدالمجید دوست داشت که مسجد شریف نبوی از حیث معماری مانند مساجد استانبول شود که به فخامت بنا و بلندی گنبدها که بر چهار رکن استوارند اشتهار دارند ولی به او گفتند اگر چنین نقشه‌ای اجرا شود باید جای ستون‌های مشهور مسجد عوض شود. این امر موجب عدول سلطان از رأی خود گردید.

عبدالحلیم افندی مدیر هیأت ساختمان‌های دولتی در استانبول مأمور اشراف و نظارت شد. شماری از مهندسان و هنرمندان و بنایان و نجاران و آهنگران در خدمت او بودند.

مصالح بنا را با کشتی از راه دریا به ینبع می‌آوردند و از آنجا به مدینه. اینان در اول رجب سال ۱۲۶۶ ه. به مدینه رسیدند و به محض ورود در پی یافتن کوهی افتادند که سنگ‌هایش مناسب بنای مسجد باشد. سرانجام به کوهی نزدیک جماوات در جنوب غربی مدینه، در منطقه آبارِعلی در ذوالحُلَیْفه در وادی عقیق راهنمایی شدند.

رنگ این سنگ‌ها رنگ عقیق سرخ بود چون صلاحیتش تأیید شد شروع به بریدن سنگ‌ها کردند تا طاق‌ها و ستون‌ها را با آن‌ها بنا کنند. تراشیدن این سنگ‌ها آسان و رنگشان زیبا بود. سنگ‌تراشان برای کار در آن کوه مکان گزیدند. قطعات بزرگ و متوسط و کوچک می‌بریدند و

ص: ۱۵۱

گاه ستون‌های یکپارچه می‌تراشیدند. سنگ‌های سیاه را که محکمتر و مقاوم‌تر بودند در بنای دیوارها به‌کار می‌بردند.

برای نقل این سنگ‌ها به محلِّ کار، عرّابه‌هایی ساختند که چارپایان می‌کشیدند. این عرابه‌ها از آبارِعلی به باب‌الشامی و شارع‌الساحه و باب‌الرحمه و دارالضیافه، که در شمال مسجد واقع شده بود، می‌گذشتند و به منطقه عمل می‌رسیدند.

این طریق کشیدن سنگ، به احترام مردم مدینه منوره بود که اعصابشان درهم نریزد و صفای خاطرشان تیره نگردد.

پس از این به خراب کردن سایبان شمالی مسجد شریف نبوی پرداختند. در این سال عبدالحلیم، ناظر عمارت، حج به‌جای آورد ولی در مِنا مرگش دررسید و به سال ۱۲۶۶ ه.

در آنجا دیده از جهان فروبست. مرگ او سبب رکود کارها شد، از آن پس هیأتی از مهندسان، کارِ نظارت را بر عهده گرفتند. نخستینِ آن‌ها مهندس محمد رائف‌پاشا بود که مجبور شد دروازه‌ای در باروی شمالی مدینه باز کند. آن را «باب‌المجیدی» نامید.

در تمام مدتی که مسجد شریف نبوی در دست تعمیر و بنا بود، در هیچ زمان مراسم عبادت تعطیل نشد. مهندس

ص: ۱۵۲

مذکور که می‌خواست در همه انحاء و اطراف مسجد به کار بنا و تعمیر پردازد، مجبور شد هر بخشی را که خراب می‌کند بسازد سپس به خراب کردن بخش دیگر پردازد.

برزنجی وضع مسجد شریف نبوی را، پیش از عمارت مجیدی، چنین وصف کرده است:

مسجد شریف نبوی بیشترش سقف‌هایی بود بر پایه‌های چوب و طاق‌هایی از آجر و ستون‌هایی از سنگ سیاهِ تراشیده.

در آغاز بنا از سلطان عبدالمجید، موافقت گرفتند که برای تعلیم اطفال مکتب‌هایی بنا کنند در دو طبقه و مخازنی برای روغن در بیرون دیوار شمالی مسجد.

این کار به پایان رسید و میان آن‌ها دری باز شد که بعدها به باب‌المجیدی شهرت یافت.

سپس بنای سایبان شمالی تکمیل گردید و پس از آن به کار سایبان شرقی پرداختند. دیواری که از مناره اصلی تا باب جبرئیل کشیده شده بود خراب شد و به قصد توسعه آن را ۳/۲۵ متر عقب‌تر بردند. در این احوال محمد رائف معزول شد و بکیرپاشا جایش را بگرفت. او در یازدهم ماه شعبان سال ۱۲۶۹ ه. برای تکمیل بنا به مدینه منوره آمد. بنای طاق‌ها و گنبدها را از مناره اصلی تا باب جبرئیل تمام کرد. بنای

ص: ۱۵۳

قسمت آخر مسجد را هم به پایان رسانید. سپس به کار در قسمت غربی صحن پرداخت. مناره‌ای را که در رکن شمال غربی آن بود ویران نمود و سه صف ستون کارگذاشت و بر آن‌ها طاق‌ها زد و گنبدها برآورد. ولی در ماه جمادی‌الأولای سال ۱۲۷۱ ه. مرگش فرا رسید.

در این فاصله یعنی به سال ۱۲۶۹ ه. بورتون (۱) ۱۶ مدینه منوره را زیارت کرد. وی وضع مسجد شریف نبوی را که تحت تعمیر و بنای سلطان عبدالمجید بود چنین وصف کرده است:

۱- مسجد شریف نبوی متوازی‌الأضلاع است. فضای میانی بدون سقف است و آن را صحن گویند که صفوف متعددی از ستون‌ها و رواق‌ها، آن را احاطه کرده‌اند.

۲- مسجد سقف‌های گنبدی دارد.

۳- در جانب شرقی سه صف از ستون‌هاست و در جانب غربی چهار صف.

۴- بعضی از ستون‌ها رنگین است و مزین به رنگ‌های گیاهی سیاه و قرمز.

۱- ۳۳۶)۱۹۰۷ BURTON, R,:Personal Narrative)London-

ص: ۱۵۴

۵- هنوز تعمیر جانب شمالی، به پایان نرسیده.

۶- مئذنه شمال غربی (که از چوب است) خراب شده و بنایش تجدید گردیده.

۷- دو طرف باب‌السلام به رخام وقیشانی پوشیده شده و بر آن کتیبه‌هایی است به آب طلا.

۸- بر سر مناره باب‌السلام مخروطی است از طلا.

۹- مناره باب‌الرحمه دوتکه است که بر سر آن نیز مخروط طلایی است.

۱۰- جلو درهای مسجد چند پله هست.

ص ۱۶۳

تابلویی کم‌نظیر از مسجد النبی، مربوط به سال ۱۸۵۳ م.

۱۱- دیوارهای قبله‌ای را پنجره‌هایی است با شیشه‌های رنگین.

۱۲- زیورهای نباتی به ارتفاع ۷۵ /۱ متر در ستون‌های

ص: ۱۵۵

روضه دیده می‌شود.

۱۳- مئذنه‌ها پنج تاست و نوک دو مناره بیضوی شکل است.

۱۴- در آنجا پرچینی است از چوب مربع شکل که آن را «حدیقهٔالسیدهٔ فاطمهٔ» گویند.

۱۵- در صحن درختان کهنسال خرماست که حاصل آن‌ها را به بهای گران می‌فروشند.

بعد از مرگ بکیرپاشا، شیخ‌الحرم، یعنی دلاور پاشا، نظارت و اشراف بر تکمیل باقیمانده کارها را بر عهده گرفت. تا آنگاه که ادهم‌پاشا به مدینه منوره آمد در ۲۵ صفر سال ۱۲۷۲ ه. او بنای گنبدها و دکان‌های نزد باب‌النساء و باب جبرئیل را به پایان آورد و او همچنان در اشراف و نظارت بر ستونها و رواقها ببود تا آنگاه که در اواخر سال ۱۲۷۳ ه. اجلش در رسید و درگذشت.

شیخ‌الحرم و بقیه اعضای لجنه شورا، کارِ نظارت و اشراف را بر عهده مهندس صالح افندی نهادند. او نیز دو رواق در سمتِ قبله، پهلوی صحن افزود.

از سوی باب عالی مقرر شد که عمارت قبله را به همان صفتی که دیگر اجزای مسجد بنا شده، تجدید بنا کنند. با ضرورت بر این تقیّد که ستون‌های جدید به‌جای همان

ص: ۱۵۶

ستون‌های قدیمی‌نصب شوند. ازآن ستون‌ها هشت ستون در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نصب شده بود و علاوه بر آنچه به زمان عمر و عثمان منسوب بود از این‌ها گذشته، در تغییر جای بقیه ستون‌ها اختیار دارند.

در این اثنا از سوی آستانه (استانبول) راشد افندی را برای تکمیل باقیمانده بناها مأمور کردند. او در سال ۱۲۷۴ ه. همراه عده‌ای از مهندسین به مدینه منوره رسید.

آنچه را پیشینیان او آغاز کرده بودند به پایان برد. سپس کار بنا را از جلو مسجد به جانب غربی آن منتقل کرد و در کمتر از یک سال آن را تمام کرد. در ماه ذوالحجه سال ۱۲۷۵ ه.

به سبب اعتراض اهل مدینه به نظر وی در تغییر مکان بعضی از ستون‌ها، کارِ ساخت متوقف شد.

امر اشراف و نظارت به اسعد افندی عریانی‌زاده محول شد. او در مکه مکرمه به حج آمده بود. چون کار بر عهده او قرار گرفت از مکه به مدینه آمد در اوایل جمادی سال ۱۲۷۶ ه. و ساختمان سقف بلند قبله‌ای را در مدت کمی به پایان رسانید. ناظر جدید به منازعاتی که اسلاف او را از عمل بازمی‌داشت پایان داد. او کارهای مهم را به عهده متخصصین نهاد و بعضی از مردم مدینه را در کار شرکت داد و برای کندن و نهادن ستون‌ها، مجلس مشاوره‌ای

ص: ۱۵۷

ترتیب داد تا جمعی از خبرگان هنگام کندن سنگ‌ها و ستون‌ها و نصب سنگ‌ها و ستون‌های جدید نظارت داشته باشند. و همان‌گونه که اسلاف هنگام توسعه مسجد شریف نبوی در عهد ابوبکر و عمر و عثمان و عمر بن عبدالعزیز برای تعیین جای هر ستون شور کرده و نظرداده بودند، در حضور شیخ‌الحرم مجلس مشاوره تشکیل شد. ستون‌هارا درجای نخستین آن‌هانهادند بدون هیچ تغییری و با گذاشتن علاماتی، جای مسجد شریف نبوی را در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله معین کردند و آن علامات از این قرار است:

۱- از جهت قبله: نرده‌های ساخته از مس در پایان روضه شریفه، آنجا که خزائن آلمینیومی قرار دارد و قرآن‌ها را در آن می‌نهند.

۲- از جهت شمالی: ابتدای صحن اول که پهلوی مسجد مسقّف است و در آنجا ستونی است مشرف بر جهت شمالی و بر آن نوشته شده

«حدّ مسجدالنبی صلّی اللَّه علیه و سلّم»

این همان جهتی است که بر بالای آن، این حدیث شریف نوشته شده:

صلاةٌ فی مسجدی هذا أفضلُ مِن ألفِ صلاةٍ فیما سواه الّا المسجدالحرام.

ص: ۱۵۸

یک نماز در این مسجدِ من، برتر از هزار نماز است در دیگر جای‌ها، مگر مسجدالحرام.

۳- از جهت شرقی: دیوار حجره شریفه در سمت چپ کسی که رو به قبله ایستاده، در حالی که او در روضه ایستاده باشد. دیواری که در روضه است دیوار حجره نیست بلکه دیوار مقصوره است که در عهد سلطان قایتبای بر گِرد مرقد شریف کشیده شده و به داخل آن دیواری است که عمر بن عبدالعزیز ساخته و دیوار حجره نبویه ملاصق با آن است.

از این‌رو بعضی از مورّخان گویند جزو بزرگی از روضه داخل در مقصوره شده است.

۴- از جهت غربی: ستون پنجم پیش از دیوار غربی، بر بالای آن داخل طاق به آب‌طلا نوشته شده است:

«حدّ مسجد النّبی صلّی‌اللَّه علیه وسلّم»

و در کنار آن به سوی غرب دو ستون هست مربوط به توسعه عمر، سپس ستون توسعه عثمان، سپس ستونی است و طاقی تا دیوار مسجد که محل توسعه ولید است.

سپس به تکمیل عمارت مسجد آغازکردند. اساس‌کار ستون‌هایی‌بود و بر بالای آن‌ها گنبدهایی. بعضی از ستون‌ها یکپارچه هستند و بعضی مرکب از دو قطعه. بر

ص: ۱۵۹

آن‌ها طاق‌های نیمدایره‌ای زده‌اند که گنبدهایی با حجم‌های مختلف برآن‌هااستواراست. ولی در همه رواق‌هایکسانند. رواق‌هارا پنجره‌هایی است آراسته به زیورها از داخل. زیورها تصویر درختان و گل‌هاست.

دیوار قبله‌ای، از مرمر چینیِ آراسته به نقش‌هاست.

ستوها از سنگ سرخ است که به طبقه‌ای از مرمر منقش به رنگ‌هایی طلایی پوشیده شده.

درهای چهارگانه مسجد همچنان بر جای حفظ شدند ولی دری به نام باب المجیدی در ناحیه شمالی باز شد و مئذنه مجیدیه به جای مئذنه خشبیه قرار گرفت.

اما جزء شمالی، دو تالار بر آن افزودند که بر هر یک، چهار حجره راه باز می‌کند. میان دو تالار نردبانی است که با آن، در طبقه اول به وضوخانه می‌روند و زیر مسجد هم دو وضوخانه است. تالار غربی بدون سقف است در آنجا مخازن روغن و قندیل‌ها و حصیرهاست. تالار دیگری است که مکتب تعلیم اطفال است، مرکب از دو طبقه.

رواق‌های شرقیِ صحن مخصوص زنان است. بر گرد آن نرده‌ای چوبی کشیده‌اند. قاعده ستون‌ها از مس زرد است. آنجا که به مجیدیه معروف است بر دیگر جای‌ها امتیاز دارد؛ زیرا سطح داخلی گنبدها مزیّن به

ص: ۱۶۰

زیورهـاست. محراب‌های سه گانه و منبر تـذهیب شـده، سـتون‌های سـنگی، که طوقی از مس دارنـد و بر دیوار قبله‌ای آیات قرآنی و اسماء رسول اکرم صلی الله علیه و آله را نوشته‌اند و نیز آیات و احادیث و قصایدی به خط ثلث زیبا و با آب طلا نقش کرده‌اند. این خطها به قلم خطاط مشهورِ ترک، عبداللَّه زهدی است. برزنجی گوید نوشتن کتیبه‌ها سه سال مدت گرفت.

بنـابر روش معمول، که هر بنـای مهمی به پایان می‌آیـد در مکان‌های بارز آن عبارات تاریخی می‌نویسـند، از سـلطان عبدالمجیـد نیز خواسـتند که عبارتی که نشان مؤکّد بر اتمام عمارت‌باشد یاشـعر یا تاریخ، معین کند تا در جایی مشخص نقش شود. پس از مشاوره با دار الفتوی، نقش عبارت:

«قال رسول اللَّه صلّی اللَّه علیه و سلّم»

را در موضعی که برای نقش طغراء مجیدی معین شده بود، اختیار کرد و در پی آن، نقش این حدیث شریف را:

«صلاةٌ فی مسجدی هذا أفضل مِنْ ألفِ صلاةٍ فیما سواه الّا المَسجد الحرام».

پایان عمارت و ترمیم در ماه ذوالحجّه سال ۱۲۷۷ ه.

بود. هزینه آن صدوچهل هزار کیسه از طلا شد. در هر کیسه ۵ سکه مجیدی بود که هر سکه با صد و سی قرش رایج در

ص: ۱۶۱

آن زمان برابری می‌کرد. شمار کارگران، از بنّا و نجّار و رنگ‌کار و آهنگر و ریخته‌گر بیش از سیصدوپنجاه تن بود، غیر از مهندسان و هنرمندان و مشرفان و ناظران. مقداری را که سلطان عبدالمجید بر مسجد نبوی افزوده، ۱۲۹۳ متر مربع است. (۱) ۱۷

مسجد شریف نبوی پس از توسعه سلطان عبدالمجید دارای پنج مئذنه شد:

۱- مناره شمال غربی: نامبردار به «التشکیلیه و الخشبیه» و معروف به «المجیدیه» منسوب به سلطان عبدالمجید که در توسعه و عمارت خود آن را تجدید کرد و به سبک مناره‌های آستانه (استانبول) با سه شُرفه بنا نمود. در اولین تعمیرات، سعودی‌ها آن را خراب کردند و مناره‌ای دیگر که زیباتر و با سبکی جدیدتر بود برآوردند.

۲- مناره شمال شرقی: موسوم به مناره «السنجاریه» و معروف به «السلیمانیه». این مناره را سلطان سلیمان قانونی به جای مناره سنجاریه قرار داد. آن را «العزیزیه» هم می‌گویند؛ زیرا عبدالعزیز خان بن محمود آن را تعمیر کرد.

عبدالعزیز این مناره را به سبک مناره مجیدیه ساخت و

۱- - به تصویر در صفحه ۱۶۳ بنگرید که توسعه مسجد نبوی بعد از عمارت مجیدی را شرح می‌دهد.

ص: ۱۶۲

برای آن سه شُرفه قرار داد.

این مناره هم در تعمیر و عمارت سعودی خراب گردید و به جای آن مناره‌ای به شکلی بدیع ساخته شد.

۳- مناره جنوب شرقی: موسوم به «الرئیسیه» که هنوز هم به این نام شناخته می‌شود و آن مناره مجاور قبهٔ الخضراء است و در رکن جنوب شرقی مسجد واقع شده است؛ جانبی که سابقاً آن را «جههٔ الملائکه» می‌خواندند.

در زمان ما مردم آنجا را «مهبط الوحی» می‌نامند. سلطان اشرف قایتبای سه بار آن را عمارت کرد؛ در سال‌های ۸۸۶، ۸۸۸ و ۸۹۲ ه. و پی آن را تا آنجا که به آب می‌رسد حفر کرد و سنگ‌های سیاه در آن به کار برد و به بلندی آن ۱۲۰ ذراع (۶۰ متر) افزود. این مناره به همان حال سابق خود بر پا است. سعودیان آن را هر چند گاه تعمیر می‌کنند که در همان منظرِ بدیع و زیبای خود باقی بماند.

۴- مناره جنوب غربی: به مناره «باب السلام» مشهور است آن را الناصر محمد بن قلاوون به سال ۷۰۶ بنا کرد، مطری از آن یاد کرده است. این مناره هنوز هم بر پای است و مورد حفظ و حراست دولت سعودی.

۵- مناره غربی: آن را مناره «باب الرحمه» گویند.

اشرف قایتبای در سال ۸۸۸ ه. بنا کرد. این مناره در

ص: ۱۶۳

ص ۱۷۱

نقشه توسعه مجیدی در مسجد النبی صلی الله علیه و آله که در سال ۱۳۳۱ ه. ق. تهیّه شده است.

خارج دیوار مسجد شریف نبوی است، چسبیده به مدرسه

ص: ۱۶۴

محمودیه که در آنجا بود. این مدرسه در عمارت اول سعودی‌ها خراب شد.

اصلاحات و ترمیمات مسجد شریف نبوی بعد از سلطان عبدالمجید

بعد از سلطان عبدالمجید برخی اصلاحات و ترمیمات در مسجد شریف نبوی صورت پذیرفت که آن‌ها را به اختصار ذکر خواهیم کرد.

۱۵- در عهد سلطان عبدالعزیز (۱۲۷۷- ۱۲۹۳ ه.)

مدخلی جلو باب السلام اضافه شد (برحسب عبارتی که بر آن نوشته شده) و آن عبارت از تالاری است که درگاه آن طاقی قوسی است دو طرف جنوبی و شمالی آن به سنگ‌های بورسلان (قیشانی) پوشیده شده، و بر آن نقش‌هایی است به رنگ‌های نباتی آبی. مدخل را گنبدی گران‌بهاست و بالای در نیز به نقش‌های رنگین به هیئت منحنیهایی، زیور یافته است.

۱۶- درعهد سلطان عبدالحمید ثانی (۱۲۹۳- ۱۳۲۷ ه.)

پوشش دیوارهای داخلی باب السلام به پایان رسید و

ص: ۱۶۵

این بر طبق عبارتی است که بر مئذنه رئیسیه نوشته شده. و تاریخ ۱۳۰۷ ه. را دارد.

بر سنگ‌های پایین، نقش گل‌های سرخ‌است و گل‌های آبی و ساقه‌های گل‌ها به رنگ سبز بر صفحه‌ای سفید.

مسجد شریف به همان صورتی که ابراهیم رفعت در سال ۱۳۱۹ ه. وصف کرده تا آنگاه که «روتر» در سال ۱۳۴۳ ه. به زیارت مدینه منوره آمده و مسجد نبوی را وصف کرده است، باقی است. از منابع موجود بر نمی‌آید که بعد از توسعه سلطان عبدالحمید ثانی در سال ۱۳۰۷ ه.

در آنجا کاری صورت گرفته باشد. جز آنکه محراب نبوی و سلیمانی درسال ۱۳۳۶ ه. به دست فخری پاشا آخرین حاکم ترک بر مدینه، در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ ه.

تجدید گردید.

ص: ۱۶۶

صفحه سفید

یکی از تصاویر محذوف در اینجا بیاید؟؟؟

ص: ۱۶۷

فصل پنجم: مسجد شریف نبوی در دولت سعودی

اشاره

ص: ۱۶۸

ص: ۱۶۹

عمارت و توسعه مسجد شریف نبوی در دوره ملک عبدالعزیز (۱) ۱۸

اشاره

در مسجد شریف نبوی مخصوصاً پس از پدید آمدن شکست‌ها و شکاف‌ها دربرخی ستون‌ها ودیوار شمالی، کارتوسعه و عمارت آغاز شد. ملک عبدالعزیز اصلاحات و ترمیماتی درزمین مسجد و دررواقهای محیط به صحن درسال ۱۳۴۸ ه. انجام داد. سپس برخی از ستونهای شرقی و غربی را در سال ۱۳۵۰ ه. اصلاح و ترمیم کرد.

در فاصله میان سال‌های ۱۳۵۴- ۱۳۵۷ ه. حکومت مصر با موافقت حکومت سعودی تعمیرات فراوانی در مسجد نمود که شامل زمین و رواق‌ها ومئذنه‌ها و درهای ورودی بود ودیوارها را نیز رنگ زد.

در سال ۱۳۶۸ ه. جمعی از زائران مصری به مدینه

۱- ملک عبدالعزیز در روز دوشنبه دوم ربیع الأول سال ۱۳۷۳ ه. برابر با نهم دسامبر ۱۹۵۳ م. درگذشت.

ص: ۱۷۰

منوره آمدند و دیدند که در برخی از ستونهای جانب شمالی مسجد شریف نبوی شکافهای کوچک پدیدار شده. اینان برای نجات مسجد شریف نبوی، در مطبوعات فریاد و فغان بر آوردند. ملک عبدالعزیز دستور داد که برای رئیس الوزرای مصر تلگراف کنند که این سرو صداها رابخواباند؛ زیرا دولت سعودی خود عهده‌دار این مهم خواهد شد.

پس در جرایـد محلی به مسلمانان اطمینان دادنـد که در خبر مصریان مبالغه شـده و آثار شکاف محدود بوده و به زودی مرمت و تعمیر خواهد شد. این خبر سبب خوشحالی مسلمانان در سراسر جهان گردید.

برای اجرای این مهم، شیخ محمد بن لادن برگزیده شد. او با جماعتی از مهندسان به دیدار محل کار و تفحص در آن رفتند و شرح ماجرا را به ملک عبدالعزیز در ریاض گزارش دادند. و در سال ۱۳۷۰ دست به کار شدنـد. مقرر شد که بنای جنوبی را به حال خود نگهدارنـد و سه جناح متصل به آن را خراب کنند و مئذنه‌های عقبی را بر دارند و به جای آن دو مئذنه در دو رکن شمالی برآورند و مسجد را از سمت شمال توسعه دهند.

ملک عبدالعزیز پس از شنیدن این گزارش‌ها، امیر

ص: ۱۷۱

عبداللّه الفیصل را مأمور آغاز کار نمود. در تاریخ یازدهم ماه رمضان سال ۱۳۷۰ به شیخ محمدبن لادن توصیه شد که در ضمنِ توسعه، برای نگهداری مسجد شریف نبوی کوشش بسیار کند.

شیخ محمد بن لادن در ماه رمضان سال ۱۳۷۰ ه. به مدینه آمد و در اجتماعی که امارت مدینه، در ماه شوال همان سال، در داخل حرم شریف به ریاست امیر مدینه منوره، عبداللّهالسدیری تشکیل داد شرکت نمود، درآن مجلس تصمیم گرفته شد که برای توسعه چه جای‌هایی را باید خراب کرد یا بکلی از میان برداشت.

آغاز اولین توسعه سعودی در مسجد شریف نبوی

در آغاز تصمیم گرفته شد که خانه‌های اطراف مسجد شریف نبوی خراب شود. این کار در پنجم شوال ۱۳۷۰ ه.

شروع شد. برای پرداخت بهای خانه‌ها مجلسی تشکیل شد. همچنین در باب خراب کردن مِئذنه‌ها و رواق‌های شمالی و شرقی و غربی مسجد بحث شد. و به کندن پیِ بنا شروع کردند.

در ربیع الأول سال ۱۳۷۲ ه. اولین سنگ بنا نهاده شد.

ص: ۱۷۲

ص ۱۸۰

صحن اوّل مسجدالنبی صلی الله علیه و آله از عمارت مجیدی و آغازین توسعه سعودی

ص: ۱۷۳

این کار به وسیله ملک سعود، که در آن وقت ولی‌عهد بود، انجام پذیرفت.

در چهاردهم شعبان سال ۱۳۷۲ ه. حفر پی‌ها در جانب غربی، در منطقه باب الرحمه آغاز شد. در این روزها ملک عبدالعزیز درگذشت و ملک سعود جای او را گرفت. وی به مدینه آمد. کار با نظم و ترتیب پیش می‌رفت و مسجد پس از توسعه در پنجم ربیع الأول سال ۱۳۷۵ ه. افتتاح شد.

دراین توسعه‌اولیه به سطح مسجد ۶۰۲۴ متر مربع افزوده شد و مساحت اجمالی آن به ۳۲۷/ ۱۶ متر مربع رسید.

زمین صحن به مرمر سرد کننده، که حرارت خورشید را نگه نمی‌دارد و همواره کسانی که پای بر آن می‌نهند خنکی مطبوعی را احساس می‌کنند، مفروش شد. در این صحن هشت ستون رخامی سفید است که کارِ ایتالیا است و سرِ ستون‌ها و تاج آن‌ها برنز زرد است و منقوش. بالای آن‌ها ستون‌هایی آراسته گذاشته شده ودر داخل آن‌ها لامپ‌هایی برای روشن نگهداشتن صحن.

در دو طرف شرقی و غربیِ صحن، سه رواق در هر طرف وجود دارد. پشت این صحن که از مشرق به مغرب امتداد دارد، جناحی است با سه رواق که نور افکنهای بزرگی جهت روشنایی بالای این رواق‌ها تعبیه شده است.

ص: ۱۷۴

در جانب شرقی این جناح درِ بزرگی نصب شد دارای سه فُرجه. آن را به نام آغازگر توسعه باب الملک عبدالعزیز نامیدند. همچنین در جهت غربی دری همانند درِ پیشین باز شد موسوم به «باب الملک سعود»، که توسعه به دست او پایان گرفته بود.

در جهت شمالی این جناح، صحن دیگری پدید آمد از هر حیث همانند صحن نخستین. جناح شمالی مسجد نبوی را پنج رواق بود و نیز سه در، از غرب به شرق؛ باب عمربن خطاب، باب عبدالمجید و باب عثمان.

در دو رکن شمال شرقی و شمال غربی دو مِئْذنه بر آورد ارتفاع هر یک هفتاد متر. عمارت سعودی دیوار غربی را کاملاً از باب‌السلام تا باب عمر در برگرفته و به همان شکل و هیئت جانب شمالی و شرقی ساخته و مزین گردید تا مسجد در زیباترین و پرشکوهترین صورت‌های خود جلوه کند.

وصف کلی مسجد شریف نبوی پس از توسعه نخستینِ سعودی به ارقام

در طرحی که ریخته بودند، همه همّشان بر این بود که گونه‌ای هماهنگی میان توسعه اول سعودی و ساخته‌های

ص: ۱۷۵

سلطان عبدالمجیـد (عمارة المجیـدیه) که مقرر شـده بود باقی بمانـد، به وجود آید. از عمارت سـلطان عبدالمجید فضایی به مساحت ۶۲۴۷ متر مربع زایل شود و مساحت دیگری بر آن اضافه گردد. بنابراین مجموع توسـعه نخست سـعودی ۱۲۲۷۱ متر مربع شد و این بیشترین توسعه‌ای بود که مسـجد شـریف نبوی تا آن وقت یافته بود. اما آنچه از عمارت سـلطان عبدالمجیـد باقی مانـد به ۴۰۵۶ متر مربع رسـید که شامل جزء مسـقّف قبله‌ای بود. این جزء مشـتمل بود بر حجره مطهره و گنبد سبز او ومصلای حضرت رسول صلی الله علیه و آله وروضه مطهره ومنبر شـریف وسـتون‌های باسـتانی و مئذنه رئیسـی و مئذنه باب‌السلام و مصلای رسول اللّه صلی الله علیه و آله آنگـاه که به سـوی بیت المقـدس نمـاز می‌گزارد. از آنچه گـذشت برای مـا وضـع مسـجد شـریف نبوی پس از توسـعه عمـارت سعودی بدین نحو معلوم می‌شود:

۱- قسمت جنوبی از باب‌الرحمه و باب‌النساء جزو عمارت سلطان عبدالمجید است، در سال ۱۲۶۵- ۱۲۷۷ ه.

۲- قسمت شمالی از باب الرحمه و باب النساء جزو عمارت ملک عبد العزیز آل سعود است، در سال ۱۳۷۰- ۱۳۷۵ ه.

۳- بناهای حجره مطهر وپایه‌های گنبد سبز

ص: ۱۷۶

(القبۀالخضراء) و ستون‌های آن، از عمارت قایتبای است، در سال ۸۸۷ ه.

۴- پنجره‌های اطراف حجره شریف نبوی، از بناهای الظاهر بیبرس است به سال ۶۶۸ ه. و ملک زین‌الدین کتبغا در سال ۶۹۴ ه.

۵- گنبد سبز (القبۀالخضراء) و اول کسی که آن را رنگ سبز زد، سلطان عبدالحمید است در سال ۱۲۳۳ ه.

۶- محراب نبوی ساخته قایتبای است در سال ۸۸۸- ۸۹۰ ه.

۷- محراب سلیمانی، که در جانب راست منبر است، ساخته اشرف اینال است، در سال ۸۶۰ ه.

۸- محراب عثمانی در دیوار قبله‌ای مسجد، از بناهای قایتبای است به سال ۸۸۸- ۸۹۰ ه.

مساحت توسعه اول سعودی

توسعه اول سعودی شامل بخش‌هایی از عمارت مجیدیه بود که آن را ویران کردند وضمن عمارت اولیه سعودی بناکردند. این بخش‌ها ازباب‌الرحمه در غرب تا باب عمر در شمال و از باب النساء در شرق تا باب عثمان در شمال را در برداشت.

ص: ۱۷۷

ص ۱۸۴

نقشه‌ای از توسعه اوّل مسجدالنبی به وسیله سعودی

ص: ۱۷۸

بنابراین بهتر است آن را بدین گونه توضیح دهیم:

۱- مساحت مسجد شریف نبوی، پیش از توسعه اول سعودی ۱۰۳۰۳ متر مربع.

۲- مساحت بخش‌هایی که در جهات سه گانه خراب شد ۶۲۴۷ مترمربع.

۳- باقیمانده مساحت در جانب قبله‌ای ازبنای مجیدیه ۴۰۵۶ متر مربع.

۴- مساحت زیادت در توسعه اولیه سعودی ۶۰۲۴ متر مربع.

۵- مساحت اجزایی که در توسعه اولیه سعودی بار دیگر تعمیر شد ۶۲۴۷ متر مربع.

۶- مساحت توسعه سعودی برای توسعه تقریبی ۱۲۲۷۱ متر مربع.

۷- مساحت‌تقریبی مسجد بعد ازتوسعه اولیه سعودی ۱۶۳۲۷ مترمربع.

ویژگی‌های تعمیرات اولیه سعودی در مسجد شریف نبوی

بنای نخستینِ سعودی در مسجد شریف نبوی از بتون مسلح است. ستون‌ها را، سر ستون‌هایی است از مسِ زردِ

ص: ۱۷۹

منقش به انواع نقش‌های بدیع.

ص ۱۸۶

ستون‌های مسجد النبی در توسعه سعودی که بالای آنها طوق‌هایی از مس زرد است.

پایه‌های ستون‌ها در مرمر پوشیده شده که بیشتر

ص: ۱۸۰

سفیدند. ستون‌ها هم، رنگِ سفید درخشان دارند. بر بنای مسجد رنگ سفید از هر رنگ دیگر بیشتر است، اندکی هم سرخ یا سیاه. اما بر آن قسمت از بنای مجیدیه که تا کنون باقی مانده، رنگ سرخ و سیاه غلبه داشت ولی رنگ سفید کرمی بر آن زدند تا با ساخته‌های سعودی در مرحله اول و دوم هماهنگی پیدا کند، همچنین سر ستون‌هایی را که از سنگ ساخته شده بود، به نقش‌های زیبا بیاراستند. بیشتر پایه‌های ستون‌ها پوشیده در طوق‌های مسی است.

در ضمنِ توجه دولت به مسجد شریف نبوی، فرمان داده شدکه ستون‌ها را تا نصف آن‌ها با بتون مسلّح بپوشانند تا بیشتر استحکام یابند و عمرشان طولانی‌تر شود. و بر بالای آن‌ها طوق‌هایی از مس زرد بستند که بر شکوه و زیبایی آن‌ها افزود.

درهای مسجد شریف نبوی بعد از توسعه نخستین‌سعودی

۱- باب السلام، در رکن جنوب غربی مسجد شریف نبوی است، محاذی دری که عمربن خطاب ساخته است.

ص: ۱۸۱

ص ۱۸۸

باب السلام در بنای عثمانی و سعودی

۲- باب الصدیق، در غرب مسجد شریف نبوی و معروف است به روزن ابوبکر. کسانی که مسجد را تعمیر و ترمیم می‌کردند، دری محاذی روزن ابوبکر می‌ساختند تا

ص: ۱۸۲

بر مکان آن دلالت کند. در عمارت اول سعودی دروازه بزرگی که سه قسمت داشت، میان باب‌السلام و باب الرحمه ساختند و آن را «باب الصدیق» نامیدند.

۳- باب الرحمه، در غرب مسجد و به «باب عاتکه» هم معروف است.

۴- باب جبرئیل، در شرق مسجد و شمال شرقی حجره شریف.

ص ۱۸۹

باب جبرئیل

۵- باب النساء، در شرق مسجد است، بعد از باب

ص: ۱۸۳

جبرئیل از شمال و آن محاذی دری است که عمر بن خطاب گشود، آنگاه که مسجد شریف نبوی را توسعه می‌داد.

ص ۱۸۹

باب النساء

۶- باب عبدالعزیز، در شرق مسجد است بعد از باب النساء و آن عبارت از سه در وسیع است که از شرق به خیابان ملک عبدالعزیز باز می‌شود.

۷- باب عثمان بن عَفّان، در رکن شمال شرقی مسجد شریف نبوی.

ص: ۱۸۴

۸- باب المجیدی، در وسط دیوار شمال شرقی مسجد و آن عبارت است از یک در که پس از عمارت سلطان عبدالمجید به این اسم نامیده می‌شد.

۹- باب عمربن خطاب، در رکن شمال غربی مسجد شریف نبوی واقع شده و آن عبارت از یک در است.

۱۰- باب سعودی، در غرب مسجد است، بعد از باب‌الرحمه از جانب شمالی وآن عبارت از سه در وسیع‌است و مواجه با باب عبدالعزیز.

۱۱- ملک فهد بن عبدالعزیز، دستور داد که در جهت جنوب شرقی رو به روی باب‌السلام دری باز کنند. این دَر در سال ۱۴۱۰ ه. باز شد و سبب تسهیل در امر ورود و خروج زائران گردید.

۱۲- در توسعه ملک فهدبن عبدالعزیز راهروی جلو دیوار قبله به طول ۵/ ۸۲ متر و عرض ۹۵/ ۴ متر احداث شد و در آن سه در گذاشتند، عرض هر در ۵/ ۲ متر بود: دری محاذی باب السلام در غرب و دری محاذی باب جبرئیل در شرق و دری در وسط که به تالار مخصوص نماز بر جنازه‌ها باز می‌شود. طول این تالار ۲۵/ ۱۱ متر است و عرض آن ۹۵/ ۴ متر. نیز دری در دیوار قبله به عرض دو متر باز شد. این در در طرف راست امام‌است. امام از آن در،

ص: ۱۸۵

برای نماز بر جنازه‌ها به تالار می‌رود.

اولین‌نماز برجنازه‌ها در این مکان، دراول ماه رمضان ۱۴۱۵ خوانده شد.

ص ۱۹۰

درهای مسجدالنبی بعد از توسعه اوّل سعودی

مناره‌های مسجد شریف نبوی در نخستین توسعه سعودی

در نخستین تعمیر و ترمیم مسجد شریف نبوی، که در عهد سعودی از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ ه. مدت گرفت، مسجد را

ص: ۱۸۶

چهار مناره بود. مناره شمال غربی موسوم به «التشکیلیه» و مناره شمال شرقی موسوم به «السنجاریه» و مناره باب الرحمه را خراب کردند. و به جای آن‌ها دو مناره ساختند؛ یکی در جهت شمال شرقی و دیگری در جهت شمال غربی. خصوصیات مناره‌هایی که در عهد سعودی ساخته شده از این قرار است:

عمق هر مناره ۱۷ متر و ارتفاع آن ۷۰ متر و مناره‌ها را چهار طبقه است.

توضیحات و آماری از توسعه اول مسجد شریف نبوی

۱- برای توسعه اولیه مسجد نبوی شریف به وسیله دولت سعودی، در سال ۱۳۷۰- ۱۳۷۵ ه. هفتاد میلیون ریال سعودی بودجه معین شد؛ سی میلیون برای ساختن بنا و چهل میلیون برای خریدن املاک و خانه‌ها و اراضی اطراف.

۲- مساحت اراضی و خانه‌های گرفته شده از اشخاص ۲۲۹۵۵ متر مربع بود و شمار املاک ۳۴ قطعه بود و این‌ها در جانب غربی و شرقی و شمالی مسجد بود.

۳- برای امر توسعه دفتر خاصی تأسیس گردید، با بیش

ص: ۱۸۷

از پنجاه عضو که کارهای اداری و حسابداری و مهندسی را بر عهده داشتند:

قسمت فنی ۱۴ مهندس و ۴۰۰ تکنیسین و ۱۶۰۰ کارگر داشت.

برای امر توسعه و ترمیم، کارگاهی تشکیل شد در آبار علی (در فاصله هشت کیلو متری مدینه) که در آنجا سنگ‌های لازم را می‌بریدند. شمار کارگران این کارگاه به ۴۰۰ نفر می‌رسید.

آماری از ترمیمات و تعمیرات اولیه سعودی

آماری از ترمیمات و تعمیرات اولیه سعودی

اشاره

شماره تعدادشرح توضیحات

۶۸۹۱ طاقها-

۲۳۲۲ ستون‌های مستدیر-

۴۷۴۳ ستون‌های محیط به دیوار-

۵۴ رواق‌ها یا ایوان‌های شمالی در انتهای مسجدمیان دو صحن

۳۵ رواق‌ها یا ایوان‌های میانی

۳۶ رواق‌ها یا ایوان‌های شرقی

۳۷ رواق‌ها یا ایوان‌های غربی

ص: ۱۸۸

شماره تعدادشرح توضیحات

۲۸ صحن‌های مسجد دو فضای باز در مسجد

۴۴۹ پنجره‌ها

۹۱۰ درها

۲۱۱ مئذنه‌ها در شمال مسجد

۷۰۱۲ متر ارتفاع هر مئذنه

۱۷۱۳ متر عمق پی هر مئذنه

۵۱۴ متر عمق پی‌های دیوارها و ستونها

۱۲۸۱۵ متر طول دیوار شرقی

۱۲۸۱۶ متر طول دیوار غربی

۹۰۱۷ متر طول دیوار شمالی

توجه به بنای جنوبی مسجد شریف نبوی

از آغاز روی کار آمدن دولت سعودی تا کنون ترمیمات و اصلاحاتِ بنای جنوبی (جانب قبله) مسجد شریف نبوی متوقف نشده است. امر باز سازی و ترمیم را بر عهده مهندسان چیره دست گذاشته‌اند و از این توجهات و اهتمامات، موارد زیر است:

۱- محافظت دیوار قبله و تجدید کتیبه‌های قرآنی و نامهای رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله به آب طلا، تا مگر رونق و جمال

ص: ۱۸۹

نخستین را باز یابند.

۲- محافظت گنبدها و تزیینات داخل و تعمیر و پوشش دادن آن‌ها از خارج، هر وقت که این امر ضرورت یابد.

۳- رنگ آمیزی به رنگ سرخ، سپس سفید در سال ۱۴۱۳ ه. تا با رنگ عمارت سعودی هماهنگ شود.

۴- واگذار کردن نظافت آن به یک شرکت سعودی که در این کار تخصص دارد؛ مانند دیگر مساجد.

۵- افزودن بر قندیل‌ها و چلچراغ‌های فلزیِ آب طلا داده در حجم‌های مختلف.

۶- فرش کردن آن با فرش‌های فاخر و گرانبها.

۷- ساختن خزانه‌های قرآن از آلمینیومِ زرد، به اندازه‌های گوناگون.

۸- زیاد کردن آب زمزم برای حجاج و زوار مسجد مصطفی صلی الله علیه و آله.

۹- مجهز ساختن آن به آلات تصویر برای پخش مراسم مذهبی در همه اعیاد و ماه رمضان المبارک و پخش نماز مغرب در هر روز.

۱۰- تأسیس یک‌ایستگاه رادیو به زبان عربی وانگلیسی در ماه رمضان.

۱۱- نصب بادبزن‌های سقفی و دیواری برای راحت

ص: ۱۹۰

نمازگزاران.

۱۲- گسترش دادن شبکه سرد سازی، هر قدرکه بنا توسعه داده شود.

۱۳- ارتباط باشبکه هشدارآتش‌سوزی، اگر- خدای‌نکرده- حریق رخ دهد.

۱۴- ایجاد مرکز پلیس در تمام روز و شب برای حفاظت از امنیت مسجد شریف نبوی. (۱) ۱۹

- ایجاد وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و تبلیغ و ارشاد.

توسعه سعودی در وهله دوم، در عهد ملک فیصل در سال ۱۳۹۵ ه.

شمار حاجیان و زائران حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله در فزونی بود، ضرورت ایجاب می‌کرد که بر مساحت مسجد شریف نبوی هم افزوده شود. پس ملک فیصل دستور توسعه تازه داد و ۳۵۰۰۰ متر مربع به زمین مسجد افزوده شد.

ولی در خود مسجد تغییری داده نشد بلکه این مساحت افزوده، مصلّایی بود بزرگ با سایبانهایی به همان شمار که درون مسجد به نماز می‌ایستادند. در خارج مسجد هم می‌توانستند به نماز بایستند.

۱- ناجی محمدحسن عبدالقادر الانصاری، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تلخیص: رضا مختاری، مسجد شریف نبوی صلی الله علیه و آله، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۵، ۱۳۸۵.

ص: ۱۹۱

ص ۱۹۷

بنای مجیدی از شمال

ص: ۱۹۲

بار دیگر ۵۵۵۰ متر مربع دیگر افزوده شد و در آنجا نیز سایبانهایی بر پای شد. بدین گونه نمازگزاران بسیاری را در بر گرفت.

ص ۱۹۸

سایه‌بانهای موقتی در غرب مسجد النبی در توسعه ملک فیصل

توسعه در وهله سوم در عهد ملک خالد بن عبدالعزیز

در عهد ملک خالد توسعه سوم آغاز شد و مقدار ۴۳۰۰۰ متر مربع سایبان به زمین خارج مسجد در افزودند

ص: ۱۹۳

ولی ساختمان مسجد را در برنگرفت.

این توسعه بازار پارچه فروشان را، که در ۱۸ رجب سال ۱۳۹۷ آتش در آن افتاد و در جنوب غربی مسجد شریف نبوی بود، شامل شد.

آن منطقه به کلی از مردم خالی شد و صاحبان خانه و مستغلات ملک خود را تعویض کردند و زمین پس از هموار شدن به زمین مسجد شریف نبوی ضمیمه شد.

توسعه تا خیابان العینیه و مواضع وضو رو به روی مسجد از جانب غربی گسترده شد.

همه خانه‌ها و خیابان‌هایی که در این جهت بود، از جنوب تا شمال تا شارع الساحه و از دیوار غربی حرم تا المناخه جزء مسجد شد.

از این قسمت بخشی به محل توقف خودروها اختصاص یافت و بخش دیگر را سرپوشیدند و با چراغ‌های پرنور همچنین بادبزنها و بلندگوهای مجهّز ساختند؛ بدین گونه مسجد شریف نبوی صلی الله علیه و آله برای زائران مسجد الرسول، از هر حیث آماده شد.

ص: ۱۹۴

تصویر ص ۹۸

سایه‌بانهای موقت دیگر از سمت دیگر

ص: ۱۹۵

فصل ششم: مسجد شریف نبوی در عهد ملک فهد

اشاره

ص: ۱۹۶

ص: ۱۹۷

مقدمه

پس از آنکه در ۲۱ شعبان سال ۱۴۰۲ ه. ملک فهد زمام امور مملکت سعودی را به دست گرفت. سایبان‌های موقتی را، که در ناحیه غربی مسجد شریف نبوی بر پا شده بود، کافی ندانست؛ زیرا آن‌ها نمی‌توانستند چنانکه باید همه زوار و نمازگزاران را از گرمای آفتاب و سرمای زمستان حفظ نمایند.

در سفری که در ماه محرم سال ۱۴۰۳ ه. به مدینه نمود، دستوری صادر کرد که باید مساحت حرم شریف نبوی ده‌ها برابر آنچه هست بزرگتر شود و برای این کار همه امکانات را مهیّا نمود تا مسجد به صورت وسیعترین و زیباترین مساجد عالم درآید. از این رو نقشه‌های تفصیلی رنگین تهیه کرد که اساس تغییر و تنظیم و تعمیر مسجد بود.

مهندسان و متخصصان برای اجرای فرمان، به کشیدن نقشه‌ها به صورت منظم و سریع پرداختند. آنگاه یک

ص: ۱۹۸

ص ۲۰۴

مسجد النبی پیش از آخرین توسعه، که در شرق و غرب آن سایه‌بانهای موقّت دیده می‌شود.

کمیسیون در سطح وزارت، به ریاست خود و نیابت امیر عبدالمجید بن عبدالعزیز امیر منطقه مدینه منوره، تشکیل داد و کار هر روز و بدون درنگ آغاز شد و علاوه بر مسجد شریف نبوی، دیگر مساجد مدینه منوره نیز از نظر دور نگه داشته نشد؛ از جمله مسجد قُبا، و مسجد جمعه و مسجد قبلتین و مسجد میقات و غیر آن از مساجد تاریخی بجز مساجد سبعه مشمول توسعه و آبادانی شدند.

ص: ۱۹۹

در تمـام مـدتی که کار تعمیر وترمیم پیش می‌رفت، نه در شب نمازتعطیل شـد و نه در روز. امروز مسـجد شـریف نبوی‌به زیباترین و شکوهمندترین صورت خود در تمام طول تاریخ جلوه می‌کند.

ص ۲۰۵

ازدحام در مسجد النبی پیش از آخرین توسعه

شروع و چگونگی توسعه جدید

شروع و چگونگی توسعه جدید

در روز جمعه، نهم ماه صفر ۱۴۰۵ ه. بعد از نماز جمعه، اولین سنگ بنای توسعه جدید مسجد بر نهاده شد، و از لوح یادبودی که در جانب غربی روزن ابوبکر نصب شده بود، پرده برداری گردید و این نشانِ اجازت به اجرای نقشه بود. برای آنکه کار بهتر پیش رود کمیسیونی به

ص: ۲۰۰

ریاست امیر عبدالمجیدبن عبدالعزیز، امیر منطقه مدینه منوره تشکیل، و اجرای این برنامه هم بر عهده مؤسسه بن‌لادن واگذار شد. رییس این مؤسسه شیخ بکر محمد بن لادن بود. او در روز شنبه ۱۷ محرم سال ۱۴۰۶ ه. برنامه راتنفیذکرد. از این قرار:

توسعه و ترمیم ملک فهد عبارت است از احداث بنای جدیدی در کنار مسجد که از شمال و غرب و شرق متصل و محیط به آن بود به مساحت ۸۲۰۰۰ متر مربع که برای ۱۳۷۰۰۰ نمازگزار جای داشت و مساحت مسجد پیش از توسعه- چنانکه گفتیم- ۱۶۳۲۷ متر مربع بود؛ بدین گونه مساحت اجمالی مسجد بعد از توسعه ۹۸۵۰۰ متر مربع شد که برای ۱۶۷۰۰۰ نمازگزار جای داشت.

استفاده از پشت بام توسعه برای نماز، بعد از فرش کردن آن با مرمر که مقدار ۶۷۰۰۰ متر مربع شد و گنجایش ۹۰۰۰۰ نمازگزار را دارد. بنابراین گنجایش مسجد شریف نبوی بعد از توسعه به ۲۵۷۰۰۰ نفر رسید. و مساحت تقریبی آن به ۱۶۵۵۰۰ متر مربع رسید.

اما فضاهایی که محیط بر مسجد شریف نبوی بود مساحتشان ۲۳۵۰۰۰ متر مربع است. زمینش به مرمر و گرانیت در اشکال هندسی زیبا به شیوه اسلامی و رنگ‌های

ص: ۲۰۱

مختلف زیبا پوشیده شده است و بخش بزرگی از آن را سایبان‌هایی است که به طور خودکار باز و بسته می‌شوند تا بر نمازگزاران هنگام نماز سایه افکنند.

ص ۲۰۷

نقشه همه توسعه‌های مسجد شریف نبوی

مساحت این سایبان‌ها ۱۳۵۰۰۰ متر مربع است وگنجایش ۲۵۰۰۰۰ نفر را دارند و اما اگر تمام ظرفیت را حساب کنیم می‌تواند ۴۵۰۰۰۰ نفر را در برگیرد و این شمار تا ۷۰۰۰۰۰ هزار هم می‌رسد و در اوقات ماه مبارك رمضان و حج و عمره و هنگام اوج جمعیّت تا یك میلیون نفر هم می‌توانند به نماز بایستند.

مکان‌هایی برای وضو گرفتن و دستشویی پیوسته به

ص: ۲۰۲

محل توقف خودروها در زیر زمین است. این عرصه‌ها اختصاص به پیادگان دارد و خودروها نمی‌تواننـد به آنها داخل شوند. اطراف آن رادیوارها و دربندها از هر سو احاطه کرده و به وسیله ۱۲۰ نور افکن که بر پایه‌های رخامی قرار دارند روشن می‌شود.

آن قسمت از زمین هم که بین مسجد قدیم و توسعه اوّل سعودی قرار دارد با ۱۲ سایبان بزرگ به همان ارتفاع سقف دیگر سایبان‌ها هر یک به مساحت ۳۰۶ متر مربع که به طور خودکار باز و بسته می‌شوند، پوشیده شده و این به خاطر آن است که نمازگزاران را از تابش خورشید و باران حفظ کند.

بـدین سان مسـجد شـریف نبوی به صورت پر شـکوهترین و عظیم‌ترین بناهای روی زمین گردیـد و در این توسـعه اخیر پنج برابر بر سطح آن افزوده شد. این امر ایجاب می‌کرد که خانه‌ها و اراضی همجوار را از صاحبانشان بخرند و خراب کنند. مساحت این خانه‌ها حدود ۱۰۰۰۰۰ متر مربع بود.

در مجموع هزینه‌ای که دولت برای این توسعه پرداخت سی میلیارد ریال سعودی بود.

عرض عرصه‌هایی که محیط به مسجد شریف نبوی است بین ۱۰۰ و ۱۵۰ متر است و این از جهت شمالی و

ص: ۲۰۳

غربی و جنوبی است ولی در جانب شرقی خیابانی را که میان مسجد و ساختمان‌ها و بقیع قرار دارد به حال خود باقی نهادند؛ زیرا ممکن نبود چیزی از بقیع کاسته شود، بلکه از سمت شمال و مشرق و جنوب بخشهای بزرگی به بقیع افزوده شد.

همچنین برای انتقال نمازگزاران به پشت بام مسجد پله‌های برقی متحرک کار گذاشته‌اند.

در توسعه دوم شش مناره جدید ساخته شد که ارتفاع هر یک ۱۰۴ متر است؛ یعنی ۳۲ متر بیش از ارتفاع مناره‌ها در توسعه اول سعودی. بنابراین مسجد پس از توسعه دوم دارای ده مناره گردید. مناره‌های جدید به گونه‌ای ساخته شده‌اند که با مناره‌های پیشین هماهنگی داشته باشند.

ص ۲۰۹

مناره‌های جدید و پیشین مسجدالنبی

طول تونل خدمات، ۷ کیلو متر و عرض آن از درون ۶/۱۰ متر است و ارتفاع آن ۴/۱۰ متر است. سراسر آن از

ص: ۲۰۴

بتون مسلح است. حاوی دو لوله برای نقل آب سرد.

قطر هر لوله ۹۰ سانتی متر. امکان نصب دو لوله دیگر هم در درون تونل هست که در صورت نیاز مبرم از آن‌ها استفاده کنند. در این تونل ۳۱ غرفه تهویه‌است همراه با خنک کننده‌های لازم.

دیگر از تأسیسات، ایستگاه مرکزی خنک کردن آب است و پایگاه‌های برق و توقفگاه‌های خودروها که هر یک با استفاده از تمام امکانات فناوری ساخته شده‌اند تا زائران مسجد شریف نبوی از هر حیث در آسایش باشند.

در توسعه مرحله دوم سعودی برای مسجد شریف نبوی هفت مدخل اصلی تعبیه گردیده. سه مدخل در ناحیه شمالی توسعه و دو مدخل در دو ناحیه شرقی و غربی.

هر مدخل را پنج در در کنار یکدیگر است، هر یک به عرض سه متر ولی در دو طرف آن‌ها دری است به عرض شش متر، بدین طریق شمار درهای هر یک از مدخل‌های اصلی به هفت می‌رسد. مدخل ملک فهدبن عبدالعزیز در وسط ناحیه شمالی بخش توسعه یافته است، بر سر این مدخل هفت گنبد بتونی است و در هر طرف آن مناره‌ای است به بلندی ۱۰۴ متر، به طور کلی حرم شریف نبوی را

ص: ۲۰۵

۸۳ در است که عرض مجموع آن‌ها تقریباً ۳۴۰ متر است و بلندی هر در ۶ متر است.

توسعه مسجد شریف نبوی در وهله دوم در عصر حاضر نسبت به گذشته از این امتیازات برخوردار است:

۱- استفاده از یک زیرزمین به عمق ۴/۵ متر و به وسعت ۷۹۰۰۰ متر مربع برای وسایل تهویه و تلطیف محیط. این زیرزمین ۸ در دارد.

۲- ساختن پله‌های برقی برای کمک به نمازگزاران در رسیدن به پشت بام که برای نماز مهیا شده، همان گونه که در حرم شریف مکی برای نماز در مواقع حج وجود دارد.

۳- احداث سقف متحرک برای پوشش ۲۷ موضع که طول ضلع هر یک از آن‌ها ۱۸ متر است. این سقف‌ها به نیروی برق باز و بسته می‌شود.

۴- افزوده شدن مئذنه‌ها، از چهار مئذنه در توسعه وهله اول، به ده مئذنه در حال حاضر. بلندی هر مئذنه از روی زمین تا هلال بالای آن ۱۰۴ متر است.

۵- تهویه نیکو و مناسب؛ به گونه‌ای که هوای خنک از دریچه‌هایی که بر ستونها استوار شده به درون می‌آید.

۶- ساختن تونل خدمات از زیرزمین در توسعه جدید به طول ۷ کیلو متر و عرض ۶/۱۰ متر و ارتفاع ۴/۱۰ متر

ص: ۲۰۶

جهت رساندن آب خنک و برق اضطراری به قدرت ۱۲۵۰۰۰ کیلو وات به مسجد شریف نبوی.

۷- توقفگاه خودروها که گنجایش ۴۴۴۴ خودرو دارد.

این توقفگاه در زیرزمین است و از همه خدمات لازمه برخوردار.

۸- این امر باعث شد که اطراف حرم آباد شود و دامنه آبادی‌ها تا درون مدینه هم کشیده شود.

۹- بازارها و مراکز بزرگ بازرگانی و مجتمع‌های مسکونی ساخته شده.

۱۰- مرکز مدینه را به اطراف مسجد شریف نبوی تغییر داد.

۱۱- در اطراف مسجد شریف نبوی ساختمان‌های مرتفع احداث شد.

۱۲- به طور کلی نقشه مدینه تغییر کرد و شهر از چهار طرف گسترش یافت.

۱۳- میدان‌های بزرگی در اطراف مسجد احداث شد.

۱۴- از حیث معماری در شهر تحوّلی پدید آمد.

۱۵- در روزهای خاص تعداد بیشتری برای نمازگزاردن در حرم نبوی گرد آمدند و وسعت مسجد جوابگوی آن جمعیت گردید.

ص: ۲۰۷

توسعه عمارت مسجد شریف نبوی در طول تاریخ:

الف: پیش از توسعه سعودی در وهله اول

ب: بعد از توسعه سعودی در وهله اوّل

ج: توسعه در عصر ملک فهد

شرح‌الف‌ب‌ج‌توضیحات

۱ مساحت عمارت مسجد شریف ۱۰۳۰۰۱۶۵۰۰۹۸۵۰۰ متر مربع نبوی

۲ مساحت پشت بام برای نماز ۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ ۶۷ متر مربع

۳ مساحت میدان‌های محیط به مسجد ۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ ۲۳۵ متر مربع

۴ مجموع مساحت‌ها ۳۰۰ ۰۱۰ ۶۵۰ ۰۰۱ ۴۰۰۵ متر مربع

۵ گنجایش برای نمازگزاران ۰۰۰ ۰۱۷ ۸۰۰ ۰۰۲ ۵۰۰ ۶ تا یک میلیون هنگام اوج جمعیت

۶ شمار مئذنه‌ها ۱۰۴۵

۷ ارتفاع مئذنه‌ها ۱۰۵۷۲۶۰ متر طول

۸ شمار توقف گاههای خودروها ۰۰۰ ۰۰۰ ۴۴۴ ۴ (در زیرزمین)

۹ شمار محل‌های وضو ۰۰۰ ۰۰۰ ۸۰۰ ۶

۱۰ شمار محلهای شست و شو ۰۰۰ ۰۰۰ ۵۰۰ ۲ (مثل حمام)

۱۱ شمار پله‌های ثابت ۰۰۰ ۰۰۰ ۱۸

۱۲ شمار پله‌های متحرک ۰۰۰ ۰۰۰ ۴

ص: ۲۰۸

۱۳ محل تهویه ۰۰۰۰۰۰ جایگاه ظرفیت بیش از مرکزی ۲۵۰۰۰ تن

۱۴ سقف‌های متحرک ۲۷۰۰۰۰۰۰

۱۵ شیرهای آب آشامیدنی ۵۶۰۰۰۰۰۰

۱۶ تونل خدمات ۱۰۰۰۰۰۰ به طول ۷ کیلومتر و عرض ۱۰/ ۶ متر

پایان بنا در توسعه مسجد شریف نبوی:

در روز جمعه، یازدهم ماه ذوالقعده سال ۱۴۱۴ ه.

ملک فهد بن عبدالعزیز به مسجد شریف نبوی آمد و پس از نطقی، آخرین سنگ بنای توسعه در زمان خود را نصب کرد و کار به پایان آمد. (۱) ۲۰

۱- ناجی محمدحسن عبدالقادر الانصاری، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تلخیص: رضا مختاری، مسجد شریف نبوی صلی الله علیه و آله، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۵، ۱۳۸۵.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹